



- ۱۱ پنهان کاری یا شفافیت
- ۱۲ نوروز از زبان دکتر شریعتی
- ۱۳ رعایت قانون در تامین آب
- ۱۴ مرور زمان در نظام حقوقی ایران
- ۱۶ نمونه برداری برگ، خاک و آب به زبان ساده
- ۲۰ آشنایی با عنصر پتاسیم
- ۲۲ آشنایی با ازت و مصرف کودهای ازته در باغات پسته
- ۲۶ کاربرد اسید سولفوریک در باغات پسته
- ۲۷ کودهای کلاته
- ۲۸ آشنایی با بیماری گموز
- ۳۱ تاثیر PH در کارآیی سموم
- ۳۴ کاربرد فرمون در مدیریت تلفیقی پروانه چوبخوار پسته
- ۴۰ مبنای کاهش یا افزایش نرخ دلار
- ۴۲ بحران ارز و ضرورت بازسازی شیوه مدیریت
- ۴۳ پنهان کاری راه حل نیست
- ۴۴ تجربیاتی نیازمند نقد
- ۴۶ ملاحظاتی در آمار صادرات غیرنفتی کشور
- ۴۸ آمار صادرات پسته در بهمن ماه ۱۳۹۰
- ۵۰ بازارهایی که از دست رفت
- ۵۳ گزارش پسته آمریکا در ماه ژانویه
- ۵۴ قالی کرمان با گره های پسته
- ۵۷ اصلاح مقررات کنترل آفاتوکسین در آمریکا



خبرنامه داخلی انجمن پسته ایران

* دفتر کرمان

تلفن: ۰۳۴۱-۲۵۳۵۲۶۶-۸

نمابر: ۰۳۴۱-۲۵۳۵۲۶۹

* دفتر تهران

تلفن: ۰۸۸۹۴۷۳۰۰، ۰۸۸۹۴۷۴۰۰ - ۰۲۱

نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۹۴۷۳۸۴

سایت:

www.iranpistachio.org

پست الکترونیکی:

info@iranpistachio.org

انجمن پسته ایران در قبال صحت و سقم ادعاهای مطرح شده در آگهی ها، هیچگونه مسئولیتی ندارد. استفاده از مطالب با ذکر مأخذ مجاز است.

در لحظه تحویل و در گذشتن سال

با سبزه و تنگ ماهی و آب زلال

بر بوی گلی که بسکند از تو مرا

مانند نسیم، می پریم، بی پرومال

چون همیشه امیدوار

سال نو مبارک و پر بار

از بزمین پسته ایران

سرمقاله

پنهان کاری یا شفافیت

۱. در آبان ماه ۱۳۹۰ به ابتکار انجمن پسته ایران، گروهی از فعالان صنعت پسته کشور به جلسه ای دعوت شدند که هدف آن تدوین استراتژی پیشنهادی انجمن پسته ایران در رابطه با موضوع آفلاتوکسین بود. به اعتقاد انجمن، موضوع کیفیت، چهره و تصویر آینده صنعت پسته را در نگاه خریداران و بویژه در بازارهای بین المللی ترسیم می نماید و علیرغم آنکه فعالان صنعت پسته کشور، درخصوص ناکارآمدی الگوها و استانداردهای کیفی و کنترلی پسته کشور اتفاق نظر دارند اما تاکنون جایگزین مورد توافقی برای آن پیشنهاد نکرده اند. لذا جلسه مزبور برای پاسخگویی به این سوال که «الگوی کنترلی مورد نظر صنعت پسته کشور چیست؟» و اینکه «چگونه می توان الگوهای خودکنترلی مسئولانه و پاسخگورا جایگزین الگوهای کنترلی اجباری و البته ناکارآمد موجود نمود و در عین حال پاسخگوی کیفیت در بازارهای هدف بود؟»، تشکیل شد. در این جلسه گروهها و افراد صاحب نظر و از جمله برخی صادرکنندگان پسته کشور حضور یافتند. اما علیرغم آنکه همه مدعوین بر ضرورت مدیریت این معضل و تدوین سند استراتژی مشترک تفاهم داشتند اما تفاوت دیدگاه دو جریان مدافع و مخالف شفافیت، دستیابی به نتیجه نهایی را در اولین جلسه منتفی نمود.

۲. در اوایل آذر ماه ۹۰ کنفرانس خشکبار چین در شهر گوانگجو برگزار گردید. بنا به اهمیت سهم چین در بازار جهانی پسته ایران، انجمن در صدد اعزام هیأتی مشترک از عمده فعالان بازار چین برآمد. اولین سؤال مطرح شده آن بود که اصولاً استراتژی تجاری پسته ایران در بازار چین چیست؟ چه سطحی از کیفیت و چه تعهدات مشترکی بین فعالان عمده بازار وجود دارد؟ آیا ادامه روند تجاری امروز پسته ایران در بازار چین ضامن پایداری این حضور خواهد بود؟ این بار نیز جلسه ای به دعوت انجمن برگزار و برخی فعالان بازار چین که عمدتاً در استان کرمان فعال بودند تصمیم به تدوین میثاق نامه اختیاری برای فعالیت در بازار چین گرفتند. بدلیل عدم تدوین تعهدات مشترک، سفر هیأت به چین منتفی شد و البته هنوز انتظار برای دریافت میثاق نامه مشترک به سر نیامده است و مشخص نیست که در صورت تدوین هم چه تعداد از فعالان مایل به تاسی از میثاق نامه ای خواهند بود که هدف اصلی آن ایجاد شفافیت در بازار چین با هدف حضور دراز مدت در آن است.

۳. پس از تصویب ستاد عالی پسته کشور، تجدید نظر استاندارد ۱۵ در رفسنجان در آذرماه جاری آغاز شد. انجمن ساده انگارانه گمان می برد که هدف کمیسیون تجدید نظر، اصلاح استاندارد موجود بر اساس واقعیات تجاری است و لذا با تشکیل گروه کارشناسی نسبت به تدوین پیشنهاد خود اقدام نمود و با شفافیت و البته واقعیت آن است که روشهای تجاری دنیا دیرزمانی است که دستخوش تغییرات عمیق شده و ادامه حضور موفق در بازارهای مصرف مشروط به شفاف سازی هر چه کاملتر روندها، مقررات، دستورالعمل ها و البته کالای مورد معامله است. اگر تا امروز، پسته ایران به دلیل رقابت محدود، قادر به ادامه حیات خود در بازارهای جهانی بدون رعایت قواعد جدید رفتاری و تجاری بوده، چشم انداز آینده آن بدون درک واقعیات و معادلات جدید، چندان روشن نیست. قدرت گیری رقیب و پیشتازی آن در تولید و تجارت و پیش بینی جایگاه برتر آن در سالهای آتی، زنگ خطری است که اگر چه چندی است صدای آن به آسمان بلند است اما به نظر نمی رسد هنوز چندان گوش شنوایی برای آن وجود داشته باشد.

به اعتقاد انجمن، اگر چه شفاف سازی در امور مرتبط با صنعت، در کوتاه مدت منجر به پرداخت هزینه های اضافی خواهد شد اما بی تردید تنها راه روشنی است که آینده پسته ایران را در دراز مدت تضمین می نماید و شاید تا زمانی که صنعت پسته ایران آمادگی تطبیق با واقعیات جاری را پیدا کند، تنها راه برون رفت از هزار توی پنهان کاری، سازماندهی گروههای تجاری داوطلبانه ای است که تعهد مشترک آنها، همگامی با رویکرد غالب بازارهای جهانی در ایجاد شفافیت و صداقت در عمل به تعهدات باشد.

محسن جلال پور

رئیس هیأت مدیره انجمن پسته ایران

نوروز از زبان دکتر شریعتی



هر ساله در این سرزمین بر پا می‌داشته است، این اندیشه‌های پر هیجان را در مغز مان بیدار می‌کند که: آری هر ساله حتی همان سالی که اسکندر چهره این خاک را به خون ملت ما رنگین کرده بود، در کنار شعله‌های مهیبی که از تخت جمشید زبانه می‌کشید همانجا، همان وقت، مردم مصیبت زده ما جدی تر و با ایمان سرخ رنگ، نوروز را گرم و پر شور جشن می‌گرفتند.

نوروز در این سال‌ها و در همه سال‌های همانندش اعلام ماندن و ادامه داشتن و بودن این ملت بوده و نشانه پیوند با گذشته‌ای که زمان و حوادث ویران کننده زمان همواره در گسستن آن می‌کوشیده است. نوروز همه وقت عزیز بوده است. همه نوروز را عزیز شمرده اند و با زبان خویش از آن سخن گفته اند. حتی فیلسوفان و دانشمندان که گفته اند "نوروز روز نخستین آفرینش است که اورمزد دست به خلقت جهان زد و شش روز در این کار بود و ششمین روز، خلقت جهان پایان گرفت و از این روست که نخستین روز فروردین را اهورمزد نام داده اند و ششمین روز را مقدس شمرده اند. چه افسانه زیبایی، زیباتر از واقعیت. راستی مگر هر کسی احساس نمی‌کند که نخستین روز بهار، گویی نخستین روز آفرینش است. اگر روزی خدا جهان را آغاز کرده است، مسلماً آن روز، این نوروز بوده است. مسلماً بهار، نخستین فصل و فروردین، نخستین ماه و نوروز، نخستین روز آفرینش است. هرگز خدا جهان را و طبیعت را با پاییز یا زمستان یا تابستان آغاز نکرده است. مسلماً اولین روز بهار، سیزه‌ها روییدن آغاز کرده اند و رودها رفتن و شکوفه‌ها سر زدن و جوانه‌ها شکفتن، یعنی نوروز. بی شک، روح در این فصل زاده است و عشق در این روز سر زده است و نخستین بار، آفتاب در نخستین روز طلوع کرده است و زمان با وی آغاز شده است...

و ما در این لحظه در این نخستین لحظات آغاز آفرینش، نخستین روز خلقت، روز اورمزد، آتش اهورایی نوروز را باز برمی‌افروزیم و در عمق وجدان خویش، به پایمردی خیال، در همه نوروزهایی که در زیر آسمان پاک و آفتاب روشن سرزمین ما بر پا می‌شده است با همه زنان و مردانی که خون آنان در رگ هایمان می‌دود و روح آنان در دل هایمان می‌زند، شرکت می‌کنیم.

نوروز یک جشن ملی است، جشن ملی را همه می‌شناسند. نوروز هر ساله برپا می‌شود و هر ساله از آن سخن می‌رود. بسیار گفته اند و بسیار شنیده اید، پس به تکرار نیازی نیست؟ چرا هست. مگر نوروز را خود مکرر نمی‌کنید؟ پس سخن از نوروز را نیز مکرر بشنوید. در علم و و ادب تکرار ملال آور است و بیهوده. "عقل" تکرار را نمی‌پسندد اما "احساس" تکرار را دوست دارد، طبیعت تکرار را دوست دارد، جامعه به تکرار نیازمند است و طبیعت را از تکرار ساخته اند. جامعه با تکرار نیرومند می‌شود، احساس با تکرار جان می‌گیرد و نوروز داستان زیبایی است که در آن، طبیعت، احساس، و جامعه هر سه دست اندرکارند. نوروز که قرن‌های دراز است بر همه جشن‌های جهان فخر می‌فرشد، جشن جهان است و روز شادمانی زمین و آسمان و آفتاب و جشن شکفتن‌ها و شور زادن‌ها و سرشار از هیجان هر "آغاز". جشن‌های دیگران غالباً انسان را از کارگاه‌ها، مزرعه‌ها، دشت و صحرا، کوچه و بازار، باغها و کشتزارها، در میان اتاق‌ها و زیر سقف‌ها و پشت درهای بسته جمع می‌کند اما نوروز دست مردم را می‌گیرد و از زیر سقف‌ها و درهای بسته، فضاهای خفه لای دیوارهای بلند و نزدیک شهرها و خانه‌ها، به دامن آزاد و بیکرانه طبیعت می‌کشاند، گرم از بهار، روشن از آفتاب، لرزان از هیجان آفرینش و آفریدن، زیبا از هنرمندی باد و باران، آراسته با شکوفه، جوانه، سبزه و معطر از بوی باران، بوی پونه، بوی خاک، شاخه‌های شسته، باران خورده پاک و ...

نوروز تجدید خاطره بزرگی است، خاطره خویشاوندی انسان با طبیعت. هر سال آن فرزند فراموشکار که، سرگرم کارهای مصنوعی و ساخته‌های پیچیده خود، مادر خویش را از یاد می‌برد، با یادآوری وسوسه آمیز نوروز به دامن وی باز می‌گردد و با او، این بازگشت و تجدید دیدار را جشن می‌گیرد. فرزند در دامن مادر، خود را باز می‌یابد و مادر، در کنار فرزند، چهره اش از شادی می‌شکند، اشک شوق می‌بارد، فریادهای شادی می‌کشد، جوان می‌شود، حیات دوباره می‌گیرد.

...جشن نوروز یکی از استوارترین و زیباترین سنت‌هاست. در آن هنگام که مراسم نوروز را به پا می‌داریم، گویی خود را در همه نوروزهایی که هر ساله در این سرزمین بر پا می‌کرده اند، حاضر می‌یابیم. ایمان به اینکه نوروز را ملت ما

رعایت قانون در تأمین آب

حوزه آب مطابقت نداشته و مستلزم تعدی به حق مالکیت صاحبان قبلی منابع آبی منجمله باغداران پسته استان کرمان می باشد، انجمن پسته ایران در ۲۵ دی ماه ۱۳۹۰ در پاسخ به این دیدگاهها جوابیه ای در شماره ۳۲۷ هفته نامه مزبور به چاپ رساند که متن این جوابیه را جهت اطلاع اعضای انجمن بدون کم و کاست و بشرح زیر ارائه می نماید.

این در حالی است که تجربه سیاستگذاری اقتصادی در دنیا به ما آموخته که بهترین روش تخصیص امکانات و منابع با توجه به شرایط خاص هر منطقه، از طریق اقتصاد بازار آزاد و نه از طریق اتخاذ تصمیمات دیوانسالارانه در اتاق های در بسته دولتی است. متأسفانه تاکنون علیرغم اعتقاد و بیانات رسوخ کارگزاران دولتی و نمایندگان مجلس استان کرمان هیچ گزارشی و توجیه اقتصادی از اینکه اختصاص منابع منجمله آب در استان کرمان به صنعت بهتر از کشاورزی است منتشر نشده است. جهت روشن شدن موضوع، ذکر یک مثال خالی از لطف نیست: هم اکنون در ایالت کالیفرنیا آمریکا سرمایه گذاری در احداث باغات جدید پسته چنان صرفه اقتصادی دارد که کلیه منابع آن منطقه را منجمله منابع آبی به سمت خود سوق داده و ارزش زمین های مناسب برای کشت پسته در این ایالت در سال های اخیر چند برابر شده است. این در حالی است که هم اکنون "صنعت" در ایالات متحده آمریکا بطور عام و در کالیفرنیا بطور خاص دوران رکود خود را طی می کند.

در پایان لازم است به این نکته اشاره شود که به عقیده انجمن پسته ایران تنها راه های قانونی جهت تأمین آب کلیه مصارف جدید در استان کرمان منجمله آب شرب شهرها یا روستاها و یا آب مورد نیاز پروژه های صنعتی از قبیل کلیه طرح های فولاد و تخصیص بهینه این با ارزش ترین منبع جهت توسعه این استان از قرار زیر است:

۱- ایجاد بازار آزاد مبادله و خرید و فروش مجوزهای بهره برداری قانونی موجود از منابع آبی، هدایت متقاضیان برداشت جدید به سوی این بازارها و تسهیل صدور مجوز تغییر کاربری و انتقال درون حوزه ای این پروانه ها توسط وزارت نیرو؛

۲- خودداری حاکمیت از صدور هرگونه مجوز جدید برداشت از منابع آبی در دشت های ممنوعه به عناوین مختلف از جمله شرب، صنعت و ... مگر در قبال جبران خسارت صاحبان پروانه های مجاز قبلی مطابق ماده ۴۴ قانون توزیع عادلانه آب؛

۳- جلوگیری از برداشت های غیرمجاز فصلی و آتی از سفره های آبی توسط نهادهای دولتی، قضایی و انتظامی؛

۴- انتقال آب از خارج حوزه آبی استان کرمان به داخل این استان در صورت داشتن توجیه اقتصادی و حفظ حقوق حقایبه داران حوزه آبی منطقه مبدأ.

در شماره ۳۲۵ مورخ ۹۰/۱۰/۱۱ هفته نامه استقامت، پرونده ویژه ای راجع به پروژه های فولاد استان کرمان به تصویر کشیده شد. در این پرونده فصل مشترک سخنان همگی مصاحبه شوندگان، چاره اندیشی و پیشنهاد راه حل برای تأمین آب مورد نیاز کارخانه های فولاد استان پس از راه اندازی آنها بود. آنجا که بعضی راه حل های پیشنهادی توسط مسئولین امر در این ویژه نامه با روح قوانین جاری در

قانون حکم می کند کارگزاران دولتی کشوری و استانی که مجوز برداشت آب از بالادست در دشت ممنوعه قریه العرب را صادر نموده اند، خسارت وارده به مالکین قدیمی و حقه چاه های پایین دست در دشت باغین تا کبوترخان را که منابع آبی آنها در حال خشکیدگی است پرداخت نموده و یا بجای اختصاص فاضلاب شهر کرمان به حوزه های آبی دیگر منجمله کارخانه فولاد کرمان در دشت زحمتکشان، آب حاصل از تصفیه این فاضلاب را به دشت قریه العرب بازگردانده و جبران خسارت وارده را از طریق تزیق مجدد این آب به سفره آبی مذکور بنمایند.

ب- تأمین آب فولاد بردسیر از حقایبه رفسنجان
نماینده محترم مردم سیرجان و بردسیر در پاسخ به سؤال خبرنگار آن جریده در رابطه با تأمین آب فولاد بردسیر از منابع آب زیرزمینی که پرسیده بود "تأیید می کنید که کرمان و رفسنجان حقایبه دارند؟" فرموده اند: "چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است."

در رابطه با عدم تناسب ضرب المثل فوق با وضعیت منابع آب زیرزمینی باید گفت که مطابق شرع و قانون آنچه اولویت در تملک منابع آبی مشترک را موجب می شود همانا تقدم زمانی شروع بهره برداری و صدور مجوز استفاده از آن منبع آبی مشترک می باشد و نه بالادست و پایین دست بودن جغرافیایی محل استحصال. چنانچه بخواهیم نحوه نگرش مورد اشاره ایشان را مبنا قرار دهیم، باید بعنوان مثال به کشور افغانستان حق دهیم تا تمامی آب رود هیرمند را که بین دو کشور ایران و افغانستان مشترک بوده، بعلت آنکه از نظر جغرافیایی در بالادست قرار دارد در داخل آن کشور مورد بهره برداری قرار داده و اجازه ورود آب آن منبع آبی را به کشورمان ایران ندهد.

از آنجا که منبع تأمین آب دشت های ممنوعه لاله زار، بردسیر، رفسنجان تا انار مشترک می باشد، هرگونه مجوز برداشت جدید در هر نقطه از این منبع آبی مشترک - خواه در بالادست، خواه در پایین دست - باید با حفظ حقوق و جبران خسارت وارده به حقایبه داران قانونی قبلی صورت گیرد.

ج- تأمین آب فولاد زرنند از منابع آبی کشاورزان

نماینده محترم مردم زرنند و کوهبنان در جایی از مصاحبه خویش فرموده اند: "در شرایط کمبود آب، آب صنایع را بهتر و بیشتر باید تأمین کرد." و در جای دیگر می فرمایند: "در توسعه باید اولویت را به صنعت داد."

پیش از ورود مصداقی به بحث، لازم است تا به مرور برخی احکام قانونی پیرامون وجوب حفظ و پاسداری از مالکیت منابع آبی و حریم آن برداریم. اصولاً اعلام ممنوعیت دشت های آبی کشور با هدف جلوگیری از افت بیشتر سطح سفره های آب زیرزمینی و حفظ سرمایه گذارهای انجام شده قبلی به پشتوانه چاههای محفوره پیش از ممنوعیت، براساس ماده ۴ قانون توزیع عادلانه آب صورت پذیرفته است. جهت حفظ ظرفیت چاه ها در مناطق ممنوعه و جبران خسارات وارده به حقایبه داران قبلی، قانونگذار در ماده ۴۴ قانون توزیع عادلانه آب پیش بینی های لازم را به شرح زیر نموده است:

"در صورتیکه در اثر اجرای طرح های عمرانی و صنعتی و توسعه کشاورزی و سدسازی و تأسیسات مربوطه یا در نتیجه استفاده از منابع آب های سطحی و زیرزمینی در ناحیه یا منطقه ای، قنوت و چاهها و یا هر نوع تأسیسات بهره برداری از منابع آب متعلق به اشخاص، تملک یا خسارتی بر آن وارد شود و یا در اثر اجرای طرح های مذکور، آب قنوت و چاهها و رودخانه ها و چشمه های متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی و حقایبه بران نقصان یافته و یا خشک شوند به ترتیب زیر برای جبران خسارت عمل خواهد شد..."

بدیهی است با توجه به اینکه کلیه دشت های آبی استان کرمان سال هاست که ممنوعه اعلام شده اند و با این وجود غالباً سطح آب در آنها در حال افت شدید می باشد، از نظر قانون هیچ برداشت جدیدی بدون پرداخت خسارت به مالکین قبلی امکان پذیر نخواهد بود. حال با این مقدمه به بررسی اظهار نظرهای مسئولین پروژه های فولاد استان کرمان می پردازیم:

الف- تأمین آب فولاد کرمان از فاضلاب شهر کرمان

سرپرست محترم سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمان در مصاحبه با آن هفته نامه، تأمین آب فولاد کرمان را از فاضلاب شهر کرمان پیش بینی نموده اند. در این رابطه ابتدا باید گفت که هم اکنون درصد قابل ملاحظه ای از آب شرب شهر کرمان از چاه های جدیداً احداث شده در دشت قریه العرب تأمین می شود. از آنجا که دشت قریه العرب و اراضی پایین دست آن از باغین تا کبوترخان که از یک منبع آبی مشروب می شوند، حتی پیش از احداث چاه های جدید جهت تأمین آب شرب شهر کرمان از مناطق ممنوعه این استان بوده، واضح است که انتقال آب از این دشت به شهر کرمان مشمول ماده ۴۴ قانون توزیع عادلانه آب می شود. بنابراین،

مرور زمان در نظام حقوقی ایران

دیدگاه‌های موجود در فقه شیعه نیز مطرح گردیده است.
مقاله حاضر از سایت حقوق دادخواهی به قلم آقایان دکتر علی اصغر حاتمی و محمد وحید ذاکری تلخیص گردیده است.

تاریخی این موضوع و نحوه برخورد قانون و شرع انور با موضوع اختلافات قدیمی و حقوقی در مالکیت اراضی ملکی شدند. بر این اساس در مقاله حاضر ضمن مرور تاریخی و حقوقی چگونگی برخورد با مرور زمان در امورملکی،

به دنبال چاپ سرمقاله ویژه نامه شماره ۶۵ انجمن پسته ایران در آذرماه ۹۰ تحت عنوان "ابهام ابدی در مالکیت اراضی" تعداد زیادی از اعضای انجمن ضمن تماس با دبیرخانه، خواهان دریافت اطلاعات بیشتری از مبانی حقوقی و

یا خیر؟»
در نظریه ۷۲۵۷ مورخه ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ این گونه پاسخ می دهند:
« مواد ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی به بعد در مورد مرور زمان در جلسه فقهاء شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورا، مواد مزبور که مقرر می دارد پس از گذشتن مدتی (ده سال - بیست سال - سه سال - یک سال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی شود، مخالف با موازین شرع تشخیص داده شد.»

تردید نیست که بها دادن به هر ادعای قدیمی و کهنه یا مستندات مغایر با وضع موجود موجب درگیر شدن محاکم در دعاوی قدیمی و بر باد رفته و متکی بر دلائل کمرنگ شده اثبات است. اجازه طرح ادعاهای مربوط به حقوق قدیمی افراد که مدتهای مدید معطل مانده با نظم اجتماعی و عمومی منافات دارد.

نویسندگان حقوقی در نوشته های خود با تعبیر مختلف بر این واقعیت اذعان نموده اند. آنان نیز اعتبار بخشیدن به حقوقی که استفاده از آن به وسیله صاحب حق مدتهای طولانی متروک مانده و آن حق به وسیله دیگران مورد بهره برداری قرار گرفته را مخل نظم می دانند.

به تعبیر یکی از نویسندگان، وظیفه حکومت در احقاق حقوق اشخاص همانند تأمین امنیت آنان اندازه ای دارد.

عدم سماع دعوی (مشمول مرور زمان شده) خواهان، تنها جریمه کاهلی و تنبلی و نتیجه اقدام و عمل خود اوست.

بنابراین حفظ نظم عمومی چنین اقتضا دارد تا بی توجهی افراد را به حقوقی که در دراز مدت از آن حق غفلت نموده اند به استناد و محمل قانونی مشخص که با اصول عقلی و منطقی نیز سازگاری کامل دارد موجب زوال ضمانت اجرای حق و حتی تعلق آن به شخص یا اشخاصی بدانیم که در دراز مدت از آن

« ما که اساساً به عقیده اسلامی خودمان این محاکم عرفی دولتی را خلاف شرع و برای رسیدگی و مداخله در هیچ دعوی صالح نمی دانیم با این حال وقتی خود آنها حاضر شده اند که در یک قسمت از دعاوی (تحت عنوان مرور زمان) مداخله نکنند و صالحیت خود را محدود نمایند دلیل ندارد ما مخالفت کنیم.»

دو سال بعد به موجب قانون ۱۳۰۸، قاعده مرور زمان تعمیم یافت و شامل اموال منقول نیز گردید. سپس در سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۲ اصلاحاتی در آن به عمل آمد تا اینکه بالاخره در سال ۱۳۱۸ با جمع بندی تجاری که در نتیجه اجرای این قوانین به وجود آمده بود، مرور زمان باب مستقل و جامعی را در قانون آیین دادرسی مدنی تحت عنوان باب یازدهم به خود اختصاص داد که این مقررات تا پس از انقلاب اسلامی در محاکم مجری بود.

در طول چهار سال پس از انقلاب اسلامی یعنی تا سال ۱۳۶۱ نیز مصوبات شورای انقلاب در مورد لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی و لایحه تشکیل دادگاههای مدنی خاص در تعیین مهلت برای تجدیدنظر آراء و اصلاح ماده ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت در افزایش مرور زمان دعوی اسناد تجاری، نشانگر پذیرش این پدیده از سوی نهادی است که فقهای بنامی مانند بهشتی و مطهری در آن شرکت داشتند.

بعد از انقلاب اسلامی (از سال ۱۳۶۱) اولین برخورد با پدیده مرور زمان را می توان از سوی فقهای شورای نگهبان دانست.

نظریات شورای نگهبان در دعاوی حقوقی شورا در مورد سؤال مورخه ۶۱/۱۰/۲۷ شورای عالی قضایی بدین نحو که :

« آیا سماع دعوی طلب و دین در دادگاه با توجه به ماده ۷۳۱ و درباره مرور زمان از قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۲ از قانون آیین دادرسی کیفری مخالف با موازین شرع است

مرور زمان برابر ماده ۷۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی سابق «گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضاء آن مدت، دعوی شنیده نمی شود.» و در امور کیفری «گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت تعقیب جرم و یا اجرای حکم قطعی کیفری موقوف می شود.» شک نیست که ظرف زمان منشأ تأثیراتی در عالم حقوق است که فقها همانند حقوقدانان نه تنها منکر آن نشده اند بلکه نقش تعیین کننده ای برای آن در رابطه با حقوق اشخاص قائل اند.

در تاریخ حقوق ایران اگر چه بین حقوقدانان اختلافی نیست مبنی بر آنکه مرور زمان در حقوق جدید متخذ از حقوق اروپاست که آن هم از حقوق رم اقتباس گردیده لکن اسناد مهم تاریخی چنین حکایت دارد که از دیرگاه پدیده مرور زمان، مورد توجه حاکمان مشرق زمین بوده است به وجهی که در فرامین پادشاهان و فرمانروایان نمودهای روشنی از پدیده مرور زمان به عنوان سببی جهت متوقف کردن دعاوی مشمول گذشت زمان به چشم می خورد.

روند وضع و عمل به قواعد مرور زمان در نظام حقوقی ایران همواره با تنشهایی همراه بوده است. قبل از انقلاب اصطلاح «مرور زمان» اولین بار در ماده سوم قانون راجع به مرور زمان غیر منقول مصوب ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶ به کار گرفته شد. در ماده ۳ این قانون که به دنبال تصمیم دولت وقت به ثبت اجباری املاک در کشور و حل مشکلات ناشی از طرح دعاوی بی پایه و قدیمی تصویب شد، آمده است:

« مدت مرور زمان نسبت به قبل از تصویب این قانون از تاریخ منشأ دعوی چهل سال شمسی است... »
پیشنهاد دولت راجع به این اصلاح مهم قضایی در آن زمان مواجه با مخالفت عناصر متشرع گردید، اما ظاهراً بیانات مرحوم سید حسن مدرس آنان را قانع ساخت. دفاع مرحوم مدرس به طرز جالبی از این لایحه صورت گرفت که خلاصه آن چنین است:

حقوق بهره برداری نموده و موجبات بقای آن را فراهم ساخته اند. دو محمل مزبور عبارتند از:

اقدام ذیحق به زیان خویش و کاهش ارزش ادله مثبتة حق. وقتی شخص عاقل و صاحب اختیار کامل، از امتیازی که به او تعلق دارد مدت‌های طولانی استفاده نکند به ویژه که حق مورد بهره برداری دیگران نیز قرار گرفته باشد در درجه اول تردید باقی نمی ماند که ذیحق به زیان خویش عمل نموده و حقی را علاوه بر اینکه معطل گذارده دیگران را نیز به موقع از استفاده حق منع ننموده است، و در درجه دوم دلائلی که آن حق منکی بر آنهاست نیز کم رنگ شده و کارائی لازم را نخواهد داشت. همین دو عامل کافی است تا گذشت زمان را وسیله ای جهت زوال ضمانت اجرای حق به حساب آوریم و قانونگذار را محق در تدوین قوانینی بدانیم که مرور

زمان را موجب سقوط حق دعوی بداند. علاوه بر آن عامل مؤثر دیگری نیز وجود دارد که پایه های حق سابق را سست می نماید. این عامل بر بنیاد فرضی قانونی استوار است، یعنی چنین فرض می شود که ذیحق از حق خویش اعراض نموده است. زمانی که قانونگذار رابطه حقی را که مدتی استفاده از آن معطل مانده نسبت به ذیحق ضعیف تلقی نموده و حق اقامه دعوی جهت احقاق آن حق یا حق مطالبه آن را از ذیحق سلب می کند، بی شک برپایه چنین فرضی عمل می نماید.

در ماده ۲۶۵ قانون مدنی بطور صریح به این موضوع استناد شده است. ظواهر نیز چنین اقتضا دارد که هرگاه ذیحق برای مدتی طولانی استفاده از حق را معطل گذارد و دیگری آن را مورد بهره برداری قرار دهد رابطه آن حق نسبت به ذیحق اولیه کم رنگ و نسبت به متصرف فعلی پر رنگ خواهد شد. از طرف دیگر باید به کاربرد قاعده لاضرر در قلمرو حقوق و اینکه این قاعده هر جا زمینه ورود ضرر و خسارت باشد بر ادله اولیه احکام حکومت دارد، نیز توجه داشت. فقهای معاصر این قاعده را یکی از مبانی تأثیر مرور زمان محسوب داشته اند.

با این استدلال که تکلیف افراد به حفظ اسناد مالکیت خویش برای مدت‌های طولانی از یک طرف و بی توجهی به وضعیت جدید که به نفع فردی دیگر جریان دارد خساراتی به بار خواهد آورد که در این عبارت معروف فقهی می توان تجلی آن را یافت «لو لالیق فلا یبقی للمسلمین سوق» لذا باید به هدف جلوگیری از خسارات مزبور، مرور زمان را موجب سقوط حق سابق و حدوث حق جدید تلقی نمود.

بطور کلی نسبت به مرور زمان و مشروعیت یا عدم مشروعیت آن در فقه دو دیدگاه مختلف وجود دارد:

در دیدگاه نخست، مرور زمان به عنوان پدیده ای مؤثر در ایجاد یا زوال حق تلقی گردیده و مخالفتی با موازین حقوق اسلام ندارد. در دیدگاه دوم، بر مرور زمان در قلمرو حقوق، اثری بار نمی گردد.

در مورد دیدگاه نخست روایات متعددی نقل می شود از جمله یک روایت از سهل بن زیاد که کلینی با چند واسطه از امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (ع) نقل می کند با این عبارت «ان الارض لله تعالی جعلها وقفا علی عبادہ فمن عطل ارضاً ثلاث سنین متوالیه لغيره اذت من یده و دفعت الی غیره و من ترک مطالبه حق له عشر سنین فلا حق له» طبق این روایت برای مرور زمان دو گونه تأثیر مقرر شده است:

الف. عاملی مؤثر جهت ایجاد حق انتزاع یا سلب مالکیت زمین به وسیله دولت. به موجب عبارت اول این روایت «اراضی متعلق به خداوند است و او اراضی را جهت استفاده بندگان خود اختصاص داده است. هرگاه کسی زمینی را سه سال متوالی بلا استفاده رها کند، زمین از مالک اخذ و به دیگری سپرده می شود. این حکم تنها شامل اراضی می گردد.

ب. عاملی جهت سلب یا اسقاط حق بطور قهری. عبارت ذیل این روایت مقرر میدارد هرگاه کسی حق خود را که برگردن دیگری دارد یا حقی که به وسیله دیگری استفاده می شود به مدت ده سال (متوالی) مطالبه نکند، این حق ساقط می گردد. بنابراین جهت اسقاط حق، اعم از منقول یا غیر منقول، مرور زمان ده ساله لازم است.

در بین معاصرین از فقها، صاحب نظرانی هستند که بر مؤثر بودن مرور زمان در ایجاد یا زوال حق نظر موافق دارند و عمده دلیل آنان معقول بودن یا عقلانی بودن این امر است.

از جمله فقیه معاصر آیت الله موسوی بجنوردی، ایشان معتقد است:

«ما وحشت نکنیم اگر دیدیم قانون مرور زمان یک حکم عقلایی است، حالا چه در مسائل کیفری اعم از تعقیب و رسیدگی یا مسائل حقوقی، بگوییم اسلام حکمی ندارد. اینجا ما نیازی نداریم که اسلام بیاورد یک روایتی بیان کند و بگوید من هم مرور زمان را قبول دارم. اگر پذیرفتیم تمام عقلا و تمام نظامهای حقوقی دنیا این مسئله را قبول دارند، باید آن را قبول کنیم، ولو اینکه اسلام در مورد این مسأله به عنوان تأیید مستقل نظری نداشته باشد.»

در دیدگاه دوم مرور زمان تأثیری در حقوق و تعهدات نداشته و مؤثر دانستن آن با موازین شرع مخالف است.

چندین روایت بر اعتبار این دیدگاه دلالت دارد. از جمله روایت نبوی معروف «لا یبطل حق امره مسلم (وان قدم)» یعنی حق یک مسلمان هیچ گاه باطل یا بی اعتبار نمی شود ولو اینکه مدتی (استفاده از آن) معطل بماند.

و همچنین دو روایت منقول از حضرت علی (ع) یکی «الحق القدیم لا یبطله النسی» یعنی حق اشخاص را ولو قدیمی باشد هیچ عاملی از بین نمی برد. و دوم «الحق جدید و ان طالت علیه الایام والباطل مخذول و ان نصره اقوام» یعنی حق همواره تازه است، اگر چه روزگاران بر آن بگذرد و باطل رفتنی است، اگر چه عده ای آن را حمایت کنند. با اندکی تأمل می توان موضوع روایات اخیر الذکر را محل برحقانیت کلام یا ایدئولوژی مبتنی بر مکتب یا شریعت دانست.

بطور کلی از شرح و تبیین مطالب اساسی و قابل توجه در مورد تأسیس «مرور زمان» در گذشته و حال می توان چنین استنباط کرد که:

ارتباط مستقیم پدیده مرور زمان با نظم عمومی ایجاب می کند این تأسیس حقوقی زمانی مطرح گردد که هیأت حاکمه وقت از اجرای آن حمایت نماید. لذا علت عدم طرح آن در فقه امامیه و عدم تعرض امامان (ع) شیعه به پدیده مزبور فراهم نبودن زمینه حکومت عدل برای آن بزرگواران بوده است.

در مواردی که حقوق افراد مدت‌های مدید معطل می ماند و موضوع حق در طول آن مدت‌ها در اختیار و تصرف دیگری قرار می گیرد حکم عقل یا منطق آن است که حق را به همین دلیل (طولانی بودن زمان تعطیل) ساقط و آن را به نفع متصرف برقرار بدانیم.

بدین توضیح که تصمیم دادگاهها نسبت به دعوایی که پس از گذشت مدت‌های طولانی از ایجاد منشأ آن یا تصرف مدعی علیه بر مال دیگری از طرف مدعی مطرح می گردد، در اکثر قریب به اتفاق فروع چیزی جز پذیرش مرور زمان مسقط حق نمی تواند باشد. زیرا خواهان در دعوی مطروحه طبعاً تقاضای خلع ید غاصبانه از ملک مورد ادعای خود را دارد، اعم از اینکه منشأ غصب استیلائی عدوانی مدعی علیه بر ملک یا اثبات ید غیر قانونی بر آن باشد. حال چنانچه مدت مدیدی از تصرف مدعی علیه گذشته باشد و مدعی در طول آن مدت در صدد خلع ید و باز پس گرفتن حق خود برنیامده و دعوایی طرح نکرده باشد، باید گفت مرور زمان تأثیرات مهمی در موجودیت حق یا روند دادرسی دارد.

نمونه برداری برگ، خاک و آب به زبان ساده

ناصر صدقاتی، کارشناس ارشد آبیاری
حسین حکم آبادی، دکترای باغبانی

داشته باشند تا بتوانند برنامه کودی مناسبی را جهت استفاده اصولی از این منابع اجرا نمایند. انجام نمونه برداری از برگ، خاک و آب و تجزیه آزمایشگاهی آنها اطلاعات لازم را در اختیار باغداران قرار خواهد داد. اما چیزی که مهم است اینکه نحوه نمونه برداری در نتایج حاصله جهت ارائه توصیه های کارشناسی اثرگذار می باشد. در این می بحث سعی شده است جهت استفاده باغداران عزیز، نحوه صحیح نمونه برداری از برگ، خاک و آب ارائه گردد.

استفاده علمی و اصولی از منابع آب و خاک، مستلزم افزایش شناخت و آگاهی نسبت به آنهاست. از طرفی با توجه به آنکه از مهم ترین اهداف فعالیت های کشاورزی دستیابی به حداکثر محصول در واحد سطح می باشد، استفاده صحیح و اصولی از کودهای شیمیایی در جهت نیل به این هدف امری ضروری به نظر می رسد. توصیه اصولی کودهای شیمیایی مورد نیاز میسر نیست مگر با شناخت وضعیت برگ، خاک و آب. بنابراین در اولین گام باغداران باید اطلاعات کاملی از کیفیت آب و خاک و نیز وضعیت برگ گیاه از نظر میزان عناصر غذایی موجود،

نمونه برداری از خاک

شناخت همه جانبه خاک از مهمترین عواملی است که ما را در رسیدن به هدف افزایش عملکرد در واحد سطح یاری می کند. جهت آگاهی از وضعیت خاک از نظر بافت، حاصلخیزی، میزان عناصر غذایی مورد نیاز (نیاز کودی)، روش مناسب آبیاری و غیره، باید با انجام نمونه برداری، خاک را در آزمایشگاه تجزیه نموده و با استفاده از نتایج آن برنامه مدیریتی مناسبی را برای آن در نظر گرفت. نتایج تجزیه خاک می تواند در زمینه شرایط خاک از نظر pH، ظرفیت تبادل کاتیونی (توانایی خاک در حفظ و آزادسازی مجدد کاتیون ها در محلول خاک) و شوری که ممکن است جهت تعیین علت کمبود عناصر غذایی مفید باشد، اطلاعاتی در اختیار ما قرار دهد. تجزیه خاک قبل از احداث باغ علاوه بر مشخص کردن وضعیت محل، نیازهای اصلاحی مورد نیاز خاک را نیز مشخص می سازد.

درختان پسته نسبت به شوری و قلیائیت خاک از سایر درختان مقاوم تر بوده ولی ارزیابی دقیق و مناسب مسائل و مشکلاتی که شوری ایجاد می کند تنها با مشاهده رسوب نمک در سطح خاک و یا اطراف قطره چکان ها، امکان پذیر نمی باشد. بنابراین، باید با انجام نمونه برداری شناخت کاملی از وضعیت موجود بدست آورد. صرف نظر از وضعیت و شرایطی که داریم، نمونه گیری خاک باید معرف میانگین شرایط ناحیه مورد بررسی بوده تا نتایج تجزیه های آزمایشگاهی آن از اعتبار لازم برخوردار باشد. نتایج بدست آمده از یک یا دو گودال نمونه برداری معرف کل ناحیه نمونه برداری نمی باشد و علاوه بر گمراه کردن ما، باعث صرفه هزینه نیز می شود. بنابراین باید نمونه برداری به صورت مرکب انجام شود. نمونه مرکب یعنی اینکه بر حسب مساحت باغ، از چندین نقطه نمونه برداری شده و نمونه های مربوط به هر عمق را در نقاط مختلف با هم مخلوط کرده و در پایان یک نمونه که ترکیبی از خاک نقاط مختلف در عمق مشخص می باشد، برای

هر عمق بدست آید.

نکات مهم در نمونه برداری از خاک

باید از هر قسمت باغ که شرایط خاکی یکسانی دارد، حداقل یک نمونه مرکب از اعماق مختلف بردارید. حتی برای باغ هایی با شرایط خاکی بسیار یکنواخت نیز باید حداقل یک نمونه مرکب برای هر ۱۰ هکتار گرفته شود. بنابراین ابتدا باید با توجه به عواملی نظیر شیب، پستی و بلندی، روش آبیاری و وضعیت ظاهری گیاه کشت شده، زمین مورد نظر را به قطعات یکنواخت تقسیم بندی نمود؛

حفر یک پروفیل به عمق تقریبی ۲ متر و طول ۱/۵ متر و عرض ۰/۸ متر در هر ناحیه مورد مطالعه به ما این امکان را می دهد تا وضعیت لایه های خاک را از نظر مسائل مربوط به زهکشی شناخته و در صورت لزوم عمق لازم جهت شکستن لایه های سخت احتمالی مشخص گردد. پروفیل باید عمود بر ردیف

درختان حفر گردد. در غیر این صورت ممکن است پروفیل بر روی چالکود سال های قبل حفر شده و به خوبی وضعیت ساختمان و بسیاری از فاکتورهای مورد نظر خاک را برای ما روشن نکند؛

در موقع نمونه برداری باید دقت شود که رطوبت خاک در حد مناسب باشد. بهترین زمان برای نمونه برداری زمانی است که زمین از نظر رطوبتی به حالت گاورو رسیده باشد؛

باید دقت شود محلی که برای نمونه برداری انتخاب می گردد قبلاً محل انباشتن کودهای حیوانی و شیمیایی و یا مصالح ساختمانی نبوده باشد. بنابراین قبل از برداشت نمونه ها از هر نقطه باید سطح خاک را از خرده های سنگ، آشغال، تکه های چوب و علفهای هرز پاک نمود؛

نمونه برداری خاک معمولاً به صورت لایه هایی به ضخامت ۳۰ یا ۴۰ سانتی متر انجام می گیرد و



محل نمونه برداری در سیستمهای آبیاری تحت فشار

نمونه های بیشتری از درختان در قسمت های مختلف باغ نیاز می باشد.

در شروع فصل رشد روی درخت پسته معمولاً دو نوع شاخه به وجود می آید:

الف) شاخه های بارده که از رشد انتهایی شاخه حامل خوشه به وجود می آیند.

ب) شاخه های بدون بار که شاخه اصلی آنها خوشه پسته ندارد و معمولاً حامل جوانه بارده سال آتی هستند و غالباً پس از تشکیل مغز در پسته، وضع مواد غذایی در این شاخه ها با هم تفاوت پیدا می کند.

نکات مهم در نمونه برداری برگ

نمونه ها از برگ های زیر برگ های انتهایی شاخه های بدون میوه که کاملاً توسعه یافته اند و صرفاً از برگچه های انتهایی، به طور تصادفی و از ارتفاع تقریبی ۱۸۰-۱۲۰ سانتی متری سطح زمین بسته به سن درخت، برداشته می شوند؛

نمونه برداری برگ معمولاً بعد از دوره پر شدن مغز (اواسط تیر ماه تا اواسط مردادماه) انجام می گیرد.

جداول راهنمایی که جهت تفسیر نتایج تجزیه برگ در اغلب منابع ذکر شده بر اساس نمونه برداری در این زمان تهیه شده است. بنابراین نمونه هایی که خارج از این محدوده زمانی تهیه شوند ممکن است غلظت های متفاوتی از عناصر غذایی را نشان دهند و در تفسیر آنها باید دقت کافی انجام گیرد. اما مقایسه درختان سالم و

مریض در هر زمانی می تواند انجام شود؛

معمولاً تعداد ۴ تا ۵ برگ از هر درخت و ۱۰ تا ۲۰ درخت در هر قطعه از باغ نمونه برداری می شود؛

از برگ هایی که چند روز قبل از نمونه برداری با عناصر ریز مغذی (روی، مس، آهن، بر و منگنز) محلول پاشی شده اند، نباید نمونه برداری شود؛

در صورتی که علائم کمبود و یا مسمومیت بر روی برگ درختان مشاهده می شود باید از هر دونوع برگ سالم و مریض بطور مجزا نمونه برداری صورت گیرد؛

نمونه برداری برگ معمولاً باید هر سال انجام شود تا هر دو سال پر محصول و کم محصول را در بر گیرد. چرا که تفسیر نتایج آن باید با توجه به نتایج هر دو سال انجام شود؛

نمونه ها باید در پاکت های کاغذی قرار داده شده و حداکثر ۲۴ ساعت پس از نمونه برداری به آزمایشگاه ارسال گردد. در صورتی که این امر ممکن نیست، حداکثر به مدت دو روز می توان نمونه ها را در دمای یخچال نگهداری کرد. نمونه ها پس از رسیدن به آزمایشگاه باید بلافاصله در دمای طبیعی محیط و دور از تابش خورشید خشک شوند؛

بر روی پاکت نمونه ها مشخصات کامل آنها از قبیل محل نمونه برداری، نام باغ یا باغدار، وضعیت باردهی شاخه و هرگونه اطلاعات لازم جهت شناسایی بهتر نمونه باید درج گردد.

محل تجمع نمک ها انجام می گیرد؛

تکرار نمونه برداری خاک از باغ های موجود، هر دو سال یکبار باید در همان زمان و فصلی که نمونه برداری قبلی انجام شده، صورت گیرد.

نمونه برداری از برگ

با توجه به اینکه در بسیاری از موارد نمونه برداری از خاک و تعیین میزان مواد غذایی آن نمی تواند مقدار مواد غذایی جذب شده و قابل استفاده در گیاه را نشان دهد، بنابراین به منظور پی بردن به نتیجه حاصلخیزی خاک در رشد و نمو گیاهان، بهترین و دقیق ترین راه آنست که قسمتی از اندام های گیاهی بخصوص برگ آن مورد تجزیه قرار گیرد تا روشن شود چه مقدار از مواد غذایی خاک توسط گیاه جذب شده است.

تجزیه برگ در تشخیص مواد معدنی و سمیت برخی از عناصر در درختان، نسبت به تجزیه خاک مفیدتر است. غلظت عناصر غذایی برگ با زمان، سن برگ، موقعیت آن در پوشش گیاهی و وجود یا عدم وجود محصول تغییر می کند.

محدودیت اصلی تجزیه برگ آن است که علت وقوع کمبود عناصر غذایی را برای ما روشن نمی سازد. بنابراین برای حل این مشکل نتایج تجزیه خاک و برگ باید همزمان مورد ارزیابی قرار گیرند. انتخاب روش نمونه برداری نیز بسته به هدف مورد نظر تغییر می کند.

اگر هدف، تشخیص مشکلات مربوط به یک درخت و یا ناحیه خاصی باشد، نمونه برداری از تعداد کمی از درختان مریض و سالم کفایت می کند. ولی اگر منظور ما تعیین وضعیت تغذیه ای یک باغ بزرگ است، به

در مجموع باید نمونه ای مرکب از زیر نمونه ها در هر

قطعه تهیه گردد. یعنی اگر از چند نقطه نمونه برداری می شود باید نمونه های مربوط به هر عمق را در نقاط مختلف با هم مخلوط کرده و در نهایت نمونه ای مرکب از ناحیه مورد نظر برای هر عمق بدست آورد. نمونه برداری خاک معمولاً در باغات پسته تا عمق ۱۲۰ سانتی متری انجام می گیرد؛

در هر قطعه تقریباً یکنواخت به طور زیکزاگ حرکت کرده و از فواصل نسبتاً مساوی تعداد ده نمونه و هر کدام به وزن تقریبی یک کیلوگرم را در یک کیسه پلاستیکی تمیز ریخته و مشخصات قطعه نمونه برداری شده روی آن نوشته شود. برای هر نقطه نمونه برداری معمولاً ۴ نمونه مربوط به ۴ عمق برداشته می شود و پس از مخلوط کردن نمونه های هر عمق با نمونه های همان عمق در نقاط دیگر، یک نمونه مرکب بدست می آید؛

در روش آبیاری غرقابی، آب معمولاً در سطح وسیعی با یکنواختی نسبتاً خوبی پخش می شود. بنابراین نمونه برداری در انتهای قسمت سایه انداز و درفاصله ۱/۵ تا ۳ متری کنار ردیف درختان (بسته به سن درخت) و در جایی که کوددهی انجام شده، بهترین محل بوده و می تواند تشخیص قابل قبولی را از وضعیت تغذیه ای خاک برای ما ارائه دهد.

در روش آبیاری تحت فشار، نمونه برداری در طول الگوی خیس شدگی به طوری انجام می گیرد که ۲/۳ نمونه ها از قسمت مرکزی الگوی خیس شدگی یعنی جایی که بیشترین آب پخش شده را دریافت می کند و ۱/۳ بقیه از قسمت حاشیه الگوی خیس شده، یعنی



برگ سالم نمونه گیری شده

نمونه برداری برگ، خاک و آب به زبان ساده

نمونه برداری از آب آبیاری

در صورتی که آب آبیاری از نظر کیفیت وضعیت مناسبی نداشته باشد، نه تنها شرایط لازم جهت رفع احتیاجات گیاه فراهم نخواهد شد بلکه به مرور زمان خاک باغ ها نیز تخریب می گردد. برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی کشاورزان باید در ابتدا شناخت کافی از کیفیت آب آبیاری خود به دست آورده و سپس در مورد امکان یا عدم امکان استفاده از منبع آب مورد نظر و انجام مدیریت های لازم جهت مصرف آب مذکور تصمیم گیری نمایند. برای به دست آوردن چنین شناختی باید از آب مورد استفاده نمونه برداری شود.

نکات مهم در نمونه برداری از آب آبیاری

ابتدا یک ظرف پلاستیکی به حجم تقریبی ۱ لیتر با آب تمیز (مقطر) و سپس با آب چاه مورد نظر چند بار شستشو داده می شود؛

قبل از برداشتن نمونه آب از چاه باید اجازه داده شود که پمپ حداقل به مدت ۳۰ دقیقه کار کند. در صورتی که شوری آب آبیاری بیش از $1/5 \text{ ds/m}$ باشد، این زمان ۲ تا ۴ ساعت در نظر گرفته می شود. در صورتی که پمپ پس از چند ماه خاموشی شروع به

کار کرده باشد، حداقل بعد از ۳۰ ساعت کارکرد، نمونه برداری انجام می گیرد.

اگر باغ در محلی قرار گرفته که اطراف آن چاه های دیگری وجود دارد، نمونه برداری بهتر است در ماه های تیر و مرداد و زمانی که حداکثر پمپاژ از سفره صورت می گیرد، انجام شود؛

ظرف آب را باید کاملاً از آب پر نمود، در این صورت هوایی در داخل آن باقی نمی ماند. این عمل احتمال رسوب کربنات کلسیم را کم می کند؛

آنالیز نمونه ها باید حداکثر ۳ ساعت پس از نمونه برداری انجام شود. اگر قرار است نمونه ها مدتی قبل از تجزیه نگهداری شوند، برای حداقل کردن تغییرات شوری بهتر است نمونه ها در یخچال و یا درجه حرارت کمتر از 5°C نگهداری شوند. خنک نگه داشتن آب به خاطر جلوگیری از رسوب کربنات ها و به طور کلی تغییرات مقدار کربنات ها می باشد. این مسأله در موقعی که هدف از تجزیه آب، انتخاب آب برای آبیاری تحت فشار باشد ضروری تر به نظر می رسد. از طرفی نگهداری آب در دمای معمولی محیط کار باعث رسوب کلسیم و بی کربنات شده و مقدار شوری آب را کمتر از مقدار واقعی آن نشان می دهد؛

در خیلی از باغات از ترکیب آب دو یا چند چاه و یا مخلوطی از آب چاه و قنات استفاده می شود. در چنین مواردی از آب مخلوط شده قبل از ورود به باغ نمونه برداری می شود؛

در خیلی از موارد باغداران برای تهیه نمونه آب از آب داخلی حوضچه و یا استخر استفاده می کنند. در چنین شرایطی ممکن است به علت عواملی چون تبخیر آب از سطح استخر، رسوب بی کربنات ها و بسیاری از عوامل آلوده کننده دیگر، شوری آب با مقدار واقعی آن متفاوت باشد. پس از گرفتن نمونه های مورد نظر از منبع آب، درب ظرف نمونه برداری را محکم بسته و روی آن مشخصات مربوطه از قبیل نام باغدار، منطقه، شماره چاه یا مشخصات قنات و تاریخ نمونه برداری نوشته شده و جهت تجزیه به آزمایشگاه ارسال می گردد.

در پایان باید خاطر نشان نمود که بدون انجام نمونه برداری صحیح از آب، خاک و برگ درختان پسته و تفسیر نتایج تجزیه آنها، مدیریت مناسب باغ امکان پذیر نمی باشد. بنابراین به کلیه باغداران انجام اصولی آن توصیه می گردد.



محل مناسب برگها جهت نمونه گیری بر روی شاخه درخت

آشنایی با عنصر پتاسیم و مصرف کودهای پتاسیمی در باغات پسته

محمد جمالیزاده

کارشناس ارشد بیماری شناسی گیاهی و

عضو انجمن پسته ایران

مقدار جزئی مورد نیاز درختان پسته هستند و شامل ۷ عنصر می شوند. این عناصر عبارتند از بور، مس، آهن، کلسیم، منگنز، مولیبدن و روی. البته اگر همین مقدار کم هم در خاک موجود نباشد یا در اختیار درختان قرار نگیرد درختان دچار عوارض نامطلوب شدیدی خواهند شد. بنابراین کمبود عناصر میکرو در درختان پسته می تواند بسیار خسارت زا باشد. بر خلاف عناصر پر مصرف که تمام نیاز درختان را نمی توان از طریق محلول پاشی تامین کرد عناصر میکرو را می توان از طریق محلول پاشی بر روی برگ در اختیار درختان پسته گذاشت و کمبودشان را بدین طریق رفع کرد.

از کود دهی جبران کرد. دسته دوم عناصر ماکرو شامل کلسیم، منیزیم و گوگرد هستند. معمولا نیازی به اضافه کردن کود برای جبران کمبود این دسته از عناصر ماکرو نیست چون به وفور در خاک موجود هستند. البته در نواحی با خاکهای اسیدی یا (PH) پایین، برای جبران کمبود دو عنصر کلسیم و منیزیم کودهای حاوی این عناصر باید حتما به خاک اضافه شوند اما در شرایط خاکی غالب باغات پسته کشور به دلیل قلیائیت شدید خاک و PH بالا نیازی به افزودن کودهای کلسیمی و منیزیومی نیست چون به حد کافی در خاک وجود دارند. عناصر غذایی کم مصرف عنصری هستند که به

۱۶ عنصر شیمیایی برای رشد و نمو هر گیاهی منجمه پسته مورد نیاز هستند. این ۱۶ عنصر به دو گروه عناصر پر مصرف و عناصر کم مصرف تقسیم بندی می شوند. عناصر غذایی پر مصرف و عناصر غذایی کم مصرف. عناصر غذایی پر مصرف عنصری هستند که به مقدار زیاد مورد نیاز درختان هستند و سالیانه مقادیر زیادی از این عناصر توسط ریشه های درختان پسته از خاک برداشت می شود تا به مصرف برسند. گروه اصلی عناصر ماکرو شامل ۳ عنصر نیتروژن، پتاسیم و فسفر هستند. معمولا بدلیل اینکه میزان جذب این عناصر توسط ریشه درختان پسته فوق العاده بالاست هر سال باید کمبود این عناصر را با استفاده

عنصر پتاسیم بعنوان یکی از عناصر پر مصرف نقش مهمی در افزایش عملکرد و بازدهی درختان پسته دارد.

نقش عنصر پتاسیم بویژه در سالهای آور بسیار ضروری و مهم است و باید حتما در سالهای آور کودهای پتاسیمی به باغات افزوده شوند. بررسی ها مشخص کرده اند که در درختان پسته بعد از نیتروژن بیشترین مقدار عنصری که سالانه از خاک برداشت می شود پتاسیم است. بیشترین مقدار جذب پتاسیم اساسا در مرحله پر شدن دانه اتفاق می افتد. مطالعات نشان داده که در سالهای باور درختان پسته جذب شده مستقیما در تشکیل جنین یا مغز پسته به مصرف می رسند ولی در سالهای نیاور پتاسیم جذب شده توسط ریشه در سایر اندامها ذخیره می شود. به همین دلیل است که غلظت پتاسیم در برگها در سالهای آور کمتر از غلظت پتاسیم در برگها در سالهای نیاور است. مطالعات نشان داده میزان جذب پتاسیم در سالهای آور در بازه زمانی پر شدن مغز تقریبا بیش از ۲ برابر میزان جذب پتاسیم در سالهای نیاور است.

تغذیه پتاسیمی مناسب درختان پسته کلید بازدهی و افزایش عملکرد در باغات پسته است. مطالعات انجام شده نشان می دهد که بیشترین میزان پتاسیم در برگ در مرداد و شهریور ماه هر سال مقارن با به مغز رفتن یا پر شدن دانه ها در برگ، مشاهده می شود. بنابراین در این دوره زمانی حساس نباید درخت از نظر پتاسیم کمبودی داشته باشد؛ بخصوص پتاسیم موجود در دسترس ریشه ها. مشخص شده که در درختان پسته میزان جذب پتاسیم در اردیبهشت نسبتا پایین است و میزان جذب پتاسیم از خاک در پایین ترین سطح خود قرار دارد. میزان غلظت پتاسیم در برگهای درختان پسته در بهار زیر ۱ درصد برآورد می شود و این غلظت در طی رشد و توسعه میوه به صورت شگفت انگیزی افزایش می یابد؛ به خصوص در ماههای تیر تا شهریور. در نهایت در زمان بلوغ و پایان تشکیل پوست و مغز و اتمام دوره رشد یعنی تقریبا در شهریور، ماکزیمم جذب پتاسیم از ریشه های پسته را خواهیم داشت. غلظت پتاسیم در برگها در مهرماه یعنی دوره پس از برداشت به طور ناگهانی کاهش پیدا می کند؛ بنابراین نیازی به کاربرد کود پتاسه در دوره پس از برداشت در باغات پسته وجود ندارد؛ چه بصورت محلولپاشی و چه بصورت کاربرد در خاک.

کوددهی با استفاده از کودهای پتاسیمی، موجب افزایش مقاومت درختان پسته به تنش های مختلف شامل تنش شوری، کم آبی و سرمازدگی و همچنین افزایش مقاومت در برابر

آفات و بیماریهای مختلف خواهد شد.

اگر پتاسیم کافی در اختیار درختان پسته باشد تعداد خوشه ها و دانه ها و همچنین درصد خندانی و وزن خشک دانه در پسته افزایش چشمگیری خواهد یافت. نکته قابل تأمل در مورد پتاسیم آن است که کمبود این عنصر تقریبا در غالب باغات پسته کشور مشاهده می شود. علامت اصلی کمبود پتاسیم در درختان پسته سوختگی حاشیه برگ است؛ ولی باید توجه کرد که این سوختگی هیچگاه در اوایل فصل دیده نشده، بلکه به مرور مشخص می شود. از پیامدهای دیگر کمبود پتاسیم حساسیت به آفتاب سوختگی و کاهش درجه خندانی میوه های رسیده است. بسیاری از کشاورزان و حتی کارشناسان، کمبود پتاسیم را با تنش شوری اشتباه می گیرند. وجه تمایز این دو آن است که در تنش شوری بر عکس کمبود پتاسیم سیاه شدگی (یا نکروز) حاشیه برگها وجود ندارد.

کودهای پتاسیمی در باغات پسته

در سالیان اخیر کودهای پتاسه مختلفی در نواحی مختلف پسته کاری کشور توسط کشاورزان به مصرف رسیده است؛ از جمله: کلرور پتاسیم، سولفات پتاسیم یا کودهای



علامت برگری کمبود پتاسیم (K) در درختان پسته در مراحل اولیه

ماخذ عکس: Bob Beede, Craig Kallsen, University of California



علامه برگه کمبود پتاسیم (K) در درختان پسته در مراحل پیشرفته
 ماخذ عکس: Bob Beede, Craig Kallsen, University of California

عنصر پتاسیم توسط درختان پسته می شود. متأسفانه این اتفاق زمانی رخ می دهد که درختان بیشترین نیاز را به این عنصر حیاتی دارند. بنابراین کاربرد برگه یا محلول پاشی پتاسیم در تابستان کمک بزرگی به برطرف شدن کمبود پتاسیم در درختان پسته خواهد کرد. با استفاده از روش محلول پاشی، پتاسیم از برگها به سایر قسمت‌های درخت پسته منتقل می شود. کاربرد پتاسیم به صورت محلول پاشی تأثیر چشمگیری روی وزن دانه های پسته و درصد خندانی پسته نشان داده است. در حال حاضر کودهای مختلف پتاسه با مارکهای مختلف در بازار مصرف وجود دارند و می توان با رجوع به بروشور یا دستوالعمل شرکت سازنده یا وارد کننده، از آن کودها استفاده کرد. باید توجه داشت که اختلاط کودهای پتاسه با کیفیت با سمومی که برای مبارزه با آفات مختلف پسته استفاده می شوند، تقریباً هیچ گونه ناسازگاری نداشته و موجب گیاهسوزی یا برگسوزی نمی شود. البته مناسبتر آن است که ابتداء در سطح محدود آزمایش نمود و چنانچه مشکلی پیش نیامد بصورت وسیع کودهای پتاسه را با سموم در تانکر سمپاش ریخت و روی درختان پاشید. بر اساس تحقیقات انجام شده بهترین زمان استفاده از کودهای پتاسه بصورت محلول پاشی هنگام پر شدن دانه ها با اصطلاحاً تشکیل مغز در ماههای تیر و مرداد است؛ چون همانطور که قبلاً اشاره شد بیشترین نیاز و جذب پتاسیم در درختان پسته در این دوره زمانی است. متن کامل مقاله به همراه منابع را می توانید در سایت انجمن به آدرس www.iranpistachio.org/fa/articles ملاحظه فرمایید.

کشکی، سولوپتاس ها و غیره. اگر چه درصد پتاسیم در کودهای کلرور پتاسیم بالاتر از کودهای سولفات پتاسیم می باشد اما بعلاوه قابلیت شدید خاک و آب در اغلب مناطق پسته خیز کشور، ترجیح بر استفاده از کودهای پتاسه به فرم سولفات است. در سالیان اخیر کودهایی با نام سولوپتاس به بازار آمده اند که بسیار تأثیر گذار بوده اند. سولوپتاس ها کودهای پتاسه ای هستند که حاوی قریب ۵۰ درصد پتاسیم در ترکیب خود هستند. برخی از ویژگیهای مثبت این کودها بشرح زیر است:

- هم به صورت کاربرد در خاک، هم از طریق تزریق و حل در جریان آب آبیاری و هم به صورت محلول پاشی کار آبی خودشان را در باغات پسته به اثبات رسانده اند؛
- سولوپتاس ها علاوه بر پتاسیم منبعی غنی از گوگرد هستند و گوگرد موجود در آنها کمک زیادی به رفع کمبود گوگرد در درختان پسته می نماید. میزان عنصر گوگرد در کودهای سولوپتاس حدود ۱۷ درصد است؛
- سولوپتاس یکی از کودهای پتاسه ای است که کمترین میزان شاخص شوری را دارد و با توجه به تجمع املاح و شوری در ناحیه ریشه درختان پسته، افزودن سولوپتاس ها بعنوان کود پتاسه بر خلاف کلرید پتاسیم باعث افزایش یا تشدید شوری و یا ایجاد مسمویت کلر در درختان پسته نخواهد شد؛
- برعکس کود کلرید پتاسیم، سولوپتاس ها با آبشویی به راحتی از دسترس ریشه درختان خارج نشده و دوام خوبی در خاک دارند؛ بخصوص در زمین های با بافت شنی؛
- کود های سولوپتاس هم در آبیاری غرقابی و هم از طریق سیستم های آبیاری تحت فشار قابل استفاده هستند.

باید توجه داشت که مصرف بیش از اندازه کودهای پتاسیمی در خاک موجب کمبود منگنز در گیاه خواهد شد. این مساله بخصوص در مناطق با بافت شنی خاک حایز اهمیت است. در شرایط خاکی بسیاری از باغات پسته در استان کرمان که خاک دارای فسفر بالا است معمولاً کمبودی از نظر عنصر منگنز وجود ندارد و بیشتر کمبود پتاسیم مشاهده می شود. گزار شاتی هم وجود دارد که ثابت می کند مصرف بیش از حد کودهای پتاسیمی موجب کاهش جذب عنصر منیزیم و گاهی عنصر کلسیم در برخی گیاهان شده است (Bennett, ۱۹۹۳).

محلول پاشی درختان پسته با استفاده از کودهای پتاسه

بسیاری از باغات پسته در کشور ما در نواحی خشک و نیمه خشک احداث شده اند. همین موضوع سبب شده که کمبود آب و منابع آبی بعنوان معضل اساسی در نواحی پسته کاری محسوب شود. رطوبت خاک تأثیر بسیار مهمی در کارایی عنصر پتاسیم و جذب بهتر آن دارد و خشکی خاک مخصوصاً در تابستان موجب کاهش جذب



علامه برگه تنش شوری در پسته که اغلب با کمبود پتاسیم (K) اشتباه گرفته می شود
 ماخذ عکس: Louise Ferguson, Blake Sanden and Steve Grattan, University of California

آشنایی با ازت و مصرف کودهای ازته در باغات پسته



کمبرود ازت در شاخه های بارده

ازت از جمله عناصر غذایی پر مصرفی است که نقش کلیدی و عمده ای در تولید پسته ایفا می کند. ازت در طبیعت به سه شکل ازت آلی، ازت گازی و ازت معدنی یافت می شود. منظور از ازت آلی ازت موجود در ترکیبات آلی می باشد که به شکل اسیدهای آمینه، اسیدهای آلی و دیگر ترکیبات آلی یافت می شود.

شکل گازی ازت اهمیت زیادی در تغذیه درخت پسته ندارد. شکل معدنی ازت شامل ترکیبات یونی ازت می باشد که در خاک دیده می شود. بخش عمده ازت خاک به شکل آلی (غیر قابل جذب) و دائماً در حال تبدیل شدن به شکل های مختلف می باشد. به همین دلیل امکان اندازه گیری ازت قابل استفاده و تعیین حد بحرانی ازت در خاک خیلی مشکل است.

برای تعیین نیاز یک باغ پسته به کودهای ازته، سنجش مقدار ازت موجود در برگ ملاک مناسبتری از مقدار ازت خاک می باشد.

علائم کمبود ازت در اوایل فصل رشد از این قرارند:

برگهای پائینی درخت کم رنگ تر، ریزتر و دارای سطح کوچکتر بوده و رشد شاخه و تاج درخت کاهش می یابد. کمبود ازت در اواخر فصل موجب کم مغز شدن و سبکی دانه ها می گردد. نتایج تجزیه برگ انجام شده در اکثر مناطق پسته کاری کشور نشان می دهد که مقدار ازت موجود در برگ کمتر از حد مورد نیاز درخت می باشد. دلیل این کمبود مزمن و همیشگی ازت، فراهم نبودن مقدار کافی ازت در خاک اطراف ریشه و فواصل زمانی آبیاری زیاد باغهای پسته می باشد. دور آبیاری نیز در بیشتر باغها نسبتاً طولانی بوده و لذا مدت زمانی که شرایط برای جذب ازت مهیا می باشد کم است. از طرفی به دلیل طولانی بودن مدار آبیاری، باغداران مجبورند که در هر نوبت آبیاری ارتفاع زیادی آب به باغ بدهند. این مسئله به شستشوی ازت از خاک و کمبود تقریباً همیشگی ازت در باغ کمک می کند.

برای رفع این مشکل چند راه حل توصیه می گردد:

- تزریق کودهای ازته از طریق سیستم های آبیاری قطره ای؛
- تأمین بخشی از نیاز گیاه از طریق محلول پاشی؛
- استفاده از نوعی از کودهای ازته که به تدریج آزاد شده و در اختیار ریشه قرار گیرد. مثل کود ازت با پوشش سولفات پتاسیم.

انواع کودهای شیمیایی ازته مورد استفاده در باغات پسته

اوره: این کود محتوی ۴۶ درصد ازت است. پس از اضافه شدن کود اوره به خاک و انتقال آن به درون خاک از طریق حل شدن در آب آبیاری، مولکول اوره تحت تأثیر آنزیم های موجود در خاک شکسته شده و به آمونیوم قابل جذب برای درخت تبدیل می شود.

نیترات آمونیوم: این کود حاوی ۳۳ درصد ازت است و به دلیل دارا بودن هر دو شکل ازت قابل جذب برای درخت (نیترات و آمونیوم) به راحتی توسط ریشه قابل جذب است.

سولفات آمونیوم: مقدار ازت موجود در این کود ۲۱ درصد می باشد. استفاده از آن در اراضی شور و قلیا نسبت به دو کود قبلی توصیه می شود.

نحوه و زمان مصرف کودهای ازته

به دلیل شستشوی شدن و خارج شدن کود از دسترس ریشه درخت، کودهای ازته را باید در فصل رشد و طی چند نوبت به باغ داد.

برای باغهای پسته حداقل سه دوره دادن کود ازته توصیه گردیده است:

• دوره اول همزمان با شروع فصل رشد از اواخر اسفند تا اواخر فروردین بسته به نوبت آبیاری می باشد. برای دوره اول چنانچه تأمین آب امکان پذیر باشد دادن کود های ازته در نیمه دوم فروردین تأثیر بیشتری دارد.

• دوره دوم در زمان مغز رفتن باید داده شود و سعی شود قبل از مغز رفتن تا اوایل دوره مغز رفتن

این نوبت ازت به باغ داده شود.

• دوره سوم که مصادف با خاتمه فصل برداشت می باشد از اهمیت زیادی برخوردار است و باید با اولین آب بعد از برداشت به باغ داده شود. درختان پسته ای که زیر بار محصول بوده اند قسمت عمده مواد غذایی را که در برگ در طول فصل رشد تولید شده به خوشه هایی اختصاص داده اند که برداشت میوه از آنها انجام شده است. این عامل موجب شده است که ذخیره مواد غذایی در ریشه و جوانه ها به مراتب کمتر از مقدار مورد نیاز برای شروع رشد سال بعد باشد.

در اواخر اسفند که تقریباً همراه با شروع دوره رشد است، بخش هوایی درخت پسته یک تا دو هفته زودتر از ریشه ها شروع به فعالیت کرده و وارد مرحله رشد سریع جوانه ها می شود. در طی مدتی که جوانه های زایشی و رویشی شروع به رشد کرده ولی سیستم ریشه ای آنچنان فعال نیست که بتواند نیاز بخش هوایی درخت را برطرف کند، درخت از ذخیره مواد و عناصر غذایی سال قبل استفاده می نماید. زمانی که دوره سوم کود ازت پس از برداشت به باغ داده می شود خوشه ها کامل شده اند و لذا کود پس از سنتز در برگ و ریشه، در خود درخت ذخیره شده و برای رشد جوانه ها در اوایل سال بعد قابل استفاده می باشد.

جمع آوری و تلخیص

دبیرخانه انجمن پسته ایران

کاربرد اسید سولفوریک در باغات پسته با هدف اصلاح شرایط pH خاک

یاسر دادبین، عضو انجمن پسته ایران
محمد علی انجم شعاع، عضو انجمن پسته ایران

وضعیت خاک در باغات پسته می نمایند که یک اشتباه بزرگ است. چون آهک، pH خاک را بشدت بالا می برد و نه تنها بهبودی در شرایط خاک در مناطق پسته خیز بوجود نمی آورد بلکه بشدت قلیائیت خاک را افزایش می دهد.

راههای مختلفی برای اصلاح شرایط خاک و بهبود وضعیت pH توصیه می گردد. یکی از این راهها استفاده از گچ خام است که موجب می شود pH خاک به سمت اسیدی شدن سوق پیدا کند. روش دیگری که در سالهای اخیر در برخی مناطق پسته کاری استان کرمان و توسط برخی باغداران بکار برده می شود استفاده از اسید سولفوریک است.

علیرغم آنکه سالهاست که استفاده از اسید سولفوریک، در کشورهای مختلف دنیا و بعضی نقاط کشورمان برای اصلاح خاکهای کشاورزی مرسوم است اما استفاده از آن در باغات پسته ایران سابقه چندانی نداشته و محدود به تعدادی از باغدارانی است که به صورت تجربی به این امر اقدام نموده اند. لذا در مقاله حاضر که حاصل تجربیات عملی یکی از باغداران عضو انجمن در باغات پسته باقرآباد غفوری در شهرستان کرمان می باشد، سعی شده برخی از نکات قابل توجه در زمینه خرید، حمل، نگهداری و طریقه استفاده از اسید سولفوریک به اعضای محترم انجمن ارائه شود.

یکی از فاکتورهای اساسی در جذب مواد غذایی توسط درختان از خاک، pH خاک است. pH خاک به صورت مستقیم روی میکروارگانیزم های موجود در خاک و همچنین جذب مواد غذایی مختلف تاثیر می گذارد.

pH خاک مشخص می کند کدام عناصر توسط ریشه ها جذب شوند و کدامیک جذب نشوند. عناصری مانند روی، منگنز، آلومینیوم، مس و کبالت در شرایط pH اسیدی، بسیار قابل جذب هستند و برعکس در pH بالا، نمی توانند توسط گیاهان جذب شوند. این اتفاقی است که در شرایط خاکی باغات پسته استان کرمان صورت گرفته است و موجب شده که بدلیل pH بالای خاک، کمبود عناصر کم مصرف تقریباً در تمامی باغات پسته مشاهده شود. خاکهای به شدت قلیایی شده استان کرمان دارای مقادیر بالایی از یونهای بیکربنات هستند که متاسفانه تاثیر منفی روی رشد و نمو درختان گذاشته اند و همچنین در جذب سایر عناصر مورد نیاز درختان پسته نیز اختلال ایجاد کرده اند.

به طور معمول، در pH پایین یا شرایط اسیدی، عناصر پر مصرف کمتر توسط درختان جذب می شوند و برعکس، در شرایط PH بالا، عناصر کم مصرف شانس کمتری برای جذب توسط ریشه درختان دارند.

در این رابطه برخی کشاورزان اقدام به اضافه کردن آهک برای بهتر شدن

خرید: در خرید اسید سولفوریک بایستی به باقیمانده فلزات سنگین مانند مس و جیوه، باقیمانده مواد مضر مانند سیانور و درصد خلوص اسید (که در قیمت موثر است) توجه شود.

باغداران برای پی بردن به خلوص اسید میتوانند از رابطه بین وزن و لیتر استفاده نمایند. هرچه خلوص اسید بالاتر باشد وزن آن نیز بیشتر خواهد بود. به طور مثال اگر یک ظرف ۲۰ لیتری را در نظر بگیریم اسید با خلوص ۹۸ درصد، وزنی در حدود ۳۸ کیلوگرم دارد و هرچقدر خلوص آن کمتر شود از وزن آن نیز کاسته میشود.

لازم به ذکر است که در بازار کرمان به طور معمول اسید سولفوریک از دو مبدا کارخانجات مس سرچشمه و پترو شیمی بندر امام تامین می گردد.

حمل و نگهداری: برای حمل و نگهداری اسید سولفوریک میتوان از مخازن فلزی با ضخامت بالا (۶ میلیمتر) و یا مخازن پلاستیکی استفاده نمود. در صورت مصرف اسید برای باغات با مساحت بالا، پیشنهاد میشود یک منبع فلزی ترجیحاً با ظرفیت بالای ۱۸ هزار لیتر در محل مزرعه نصب شود و اسید از آن مخزن با ظرف های پلاستیکی به کرت های باغات دارای سیستم غرقابی منتقل شود. در غیر این صورت بهترین راه، خرید اسید با ظرف های پلاستیکی ۲ لیتری و حمل و نگهداری آنها در این ظروف تا زمان استفاده می باشد. پیشنهاد میشود:

به دلیل جرم حجمی بالا و خطرناک بودن

اسید، حتماً از ظروف پلاستیکی با کیفیت عالی استفاده گردد.

لازم است منابع فلزی نگهداری اسید به دلیل جرم حجمی بالا و فشاری که به منبع وارد می کنند، پایین تر از سطح زمین قرار گیرند. چون پمپ های معمولی قادر به پمپاژ اسید نمی باشند لذا برای برداشتن اسید از این مخازن، بایستی هوا از بالا به مخزن تزریق شده و لوله ای از پایین منبع به سطح زمین آمده و مخزن تخلیه شود یا اینکه در جلوی مخزن محلی به اندازه ی ارتفاع آن در زمین حفر شود.

نحوه ی اسید دهی در سیستم های غرقابی

بهتر است از منبع پلاستیکی شیردار نسبتاً کم حجم و قابل حمل برای اضافه کردن اسید به آب ورودی به کرت ها استفاده شود.

بهتر است به شیر خروجی، یک شیلنگ پلاستیکی اضافه شود و هنگام اسید دادن، شیلنگ کاملاً در آب قرار گیرد.

برای کنترل PH آب، بهتر است کشاورزان از PH متر دیجیتال که طرز استفاده بسیار ساده ای دارد استفاده نمایند.

پیشنهاد میشود تخلیه اسید بعد از گذشت یک پنجم از زمان شروع آبیاری، آغاز شود. به طور مثال در کرتی که آبیاری آن ۳ ساعت طول میکشد، بهتر است اسید دهی بعد از ۳۵ دقیقه از شروع آبیاری آغاز گردد و تا پایان آبدهی ادامه داشته باشد. با این

روش همگن ترین محلول را خواهیم داشت.
نحوه اسید دهی در سیستم های آبیاری تحت فشار

در سیستم تحت فشار نباید غلظت اسید بیش از حد باشد زیرا پایین آمدن بیش از حد مجاز PH، اثر نامطلوبی بر روی اتصالات فلزی گذاشته و همچنین به دلیل حجم کم آب ممکن است به ریشه درختان نیز آسیب زده شود.

در سیستم قطره ای بهتر است تانکر مخصوص کوددهی سیستم، تا نصف از آب پر شده و اسید به آن اضافه شود.

بهتر است اسیددهی کمی پس از شروع آبیاری، آغاز شده و حتماً قبل از پایان آبیاری، قطع شود تا در صورت باقی ماندن اسید در سیستم، اتصالات فلزی و قسمتهای فلزی صافیها آسیب نبینند.

در سیستمهای آبیاری تحت فشار استفاده از اسید سولفوریک باعث جلوگیری از تجمع بیکربنات و سایر املاح در لوله ها و قطره چکانها میشود.

توصیه های عمومی

تمام کسانیکه در مراحل مختلف با اسید سولفوریک سر و کار دارند باید توصیه های ایمنی مربوطه را آموزش دیده و رعایت کنند.

استفاده از دستکش های پلاستیکی مناسب، عینک، چکمه و لباس مناسب ضروری می باشد.

ظروف پلاستیکی و منبع پلاستیکی مربوط به مزرعه بایستی به طور منظم از جهت سالم بودن

کودهای کلاته

اگر روی برچسب برخی کودها دقت کنیم به واژه کلات (chelate) برخورد می‌کنیم. اما فرق کودهای کلاته با کودهای معمولی در چیست و کودهای کلاته چه محاسنی دارند؟

کلمه کلات (chelate) به معنای چنگ زدن و نگهداشتن چیزی توسط چنگال است. کلات سازی زمانی صورت می‌پذیرد که مولکولهای بزرگ مخصوص دارای چندین نقطه اتصال با یک عنصر کم مصرف متصل می‌شوند. فرم کلات یک عنصر فرمی حفاظت شده است و سایر عناصر نمی‌توانند مزاحمتی در جذب یک عنصر کلات شده ایجاد کنند. فرم کلات یک عنصر در مقایسه با فرم معمولی آن بسیار راحت تر و سریعتر توسط گیاه جذب می‌شود.

جذب بسیاری از عناصر توسط ریشه در نتیجه اختلاف بار الکتریکی عنصر با کانال‌های جذبی موجود در ریشه صورت می‌پذیرد. عنصری که به فرم کلاته در آمده باشد پتانسیل بار بیشتری ایجاد خواهد کرد و در نتیجه بیشتر و بهتر از کانالهای ریشه عبور می‌کند. در شرایط غالب خاک و آب باغات پسته کشور (pH بالای خاک و آب) یونهای فلزی مانند آهن و روی در بسیاری از موارد برای ریشه‌ها غیر قابل جذب هستند؛ اما وقتی که فرم کلاته این عناصر بعنوان کود در اختیار درختان قرار گیرد به راحتی قابل جذب می‌شوند. عناصری که به فرم کلات در می‌آیند در مقایسه با عناصری که بصورت غیرکلات یا آزاد در خاک وجود دارند ثبات بیشتری داشته و با آبشویی کمتر از دسترس ریشه‌ها خارج خواهند شد.

چک شوند.

از نگهداری ظروف پلاستیکی (به دلیل صدمه دیدن ظروف) در آفتاب جدا خودداری شود.

اگر در زمان استفاده از اسید قسمتی از بدن به اسید آغشته شد باید آن را چند بار با آب شست. نباید در موقع پاک کردن اسید محل آغشته شده با اسید را مالید درچنین مواقعی میتوان از وازلین استفاده کرد.

هیچ وقت نباید آب را به اسید اضافه کرد زیرا واکنش نشان داده و به بالا می‌پاشد.

اسید زودتر از آب یخ میزند، لذا اگر در زمان غرقابی زمستانه اقدام به اسید دهی شود، باید توجه نمود که امکان اسیددهی در شب‌ها و روزهایی که دما به زیر صفر می‌رود وجود ندارد.

اگر در فصل رشد درختان از اسید استفاده می‌شود، بهتر است محل ورود اسید نزدیک کنده‌ها نباشد.

لازم به ذکر است که در باغات باقرآباد غفوری، در سال ۱۳۸۷ مقدار ۲۵۰ کیلوگرم در هکتار، در سال ۱۳۸۸ مقدار ۴۰۰ کیلوگرم در هکتار و در سال ۱۳۸۹ مقدار ۵۰۰ کیلوگرم در هکتار اسید همراه با آبشویی زمستانه مصرف شده و نتایج بشرح زیر به دست آمده است:

در مقایسه با باغهای شاهد، شوره‌های سطح زمین کمتر میباشد.

بعد از اسیددهی، زمینهای سنگینی که در گذشته و بعد از آبیاری، آب به مدت زیادی در آنها باقی می‌ماند، نفوذپذیری مطلوبی برای آب پیدا میکنند.

به نظر میرسد که زردی بعضی از درختان نیز بهبود پیدا کرده است. البته این میزان تاثیر اسید بر این مورد با توجه به سایر عملیات باغی انجام شده به طور واضح معلوم نیست.

آشنایی با بیماری گموز یا شیره سیاه پسته

محمد مرادی قهدریجانی، دکترای بیماری شناسی گیاهی
حیدر معصومی ریسه، کارشناس گیاه پزشکی

توجه بیماری در برخی مناطق پسته کاری کشور و ضرورت آشنایی با چگونگی مدیریت آن، در مقاله حاضر سعی گردیده است تا اطلاعات لازم در ارتباط با این بیماری، علائم و نحوه پیشگیری و مدیریت آن در اختیار باغداران پسته قرار گیرد.

از استان کرمان گزارش شد. مستوفی پور در سال ۱۳۴۸ برای اولین بار گونه ای از قارچ فیتوفتورا را از طوقه و ریشه درختان پسته در قزوین جدا کرد و بیماری زایی آن را در گلخانه به اثبات رسانید. این گونه *P. citrophthora* بود. نظر به خسارت قابل

در بین بیماری های پسته در ایران، پوسیدگی طوقه و ریشه ناشی از گونه های مختلف قارچ فیتوفتورا باعث خسارت شدید در باغ های آلوده می گردد و لذا دارای اهمیت ویژه ای است. بیماری انگومک یا گموز پسته در ایران، اولین بار در سال ۱۳۳۹

علائم بیماری

علائم بیماری پوسیدگی طوقه و ریشه پسته در باغ متنوع و بصورت سبز خشک شدن درختان، کاهش پوشش برگ و کلروزه و نکروز شدن برگها است. تغییر رنگ و زردی برگها از انتهای برگ شروع شده و پس از مدتی تمام سطح برگ را فرا گرفته و باعث بدشکل شدن و ریزش برگها می گردد که در نهایت با پیشرفت بیماری، قارچ عامل بیماری باعث خشک شدن درخت می شود.

درختان در باغ های آلوده ممکن است علائم متفاوتی را نشان دهند، در درختانی که بر روی پایه های حساس پیوند خورده اند، علائم به صورت

سبز خشک شدن کل درخت است. ولی در درختانی که دارای مقاومت بالا به بیماری می باشند علائم به صورت کاهش پوشش برگ، خشکیدگی سرشاخه، کم شدن میزان محصول، تغییر شکل برگ و مرگ تدریجی درخت مشاهده می شود.

علائم پوسیدگی ریشه بر روی درختان پسته به صورت کم شدن پوشش برگ، زردی، کاهش میزان محصول، تغییر شکل برگها و مرگ تدریجی درختان می باشد. به هر حال در مواردی ممکن است این علائم با علائم پوسیدگی طوقه همپوشانی داشته باشد، مخصوصا زمانی که ریشه های اصلی آلوده باشند. الگوی خشک شدن درختان در باغ های

آلوده متفاوت است و معمولا در روی یک ردیف، درختان یکی پس از دیگری خشک شده که نشان دهنده انتقال عامل بیماری از طریق تماس ریشه ای، انتقال فعال عامل بیماری و یا عملیات خاک ورزی می باشد.

در بیشتر موارد، آلودگی از طوقه و یا ریشه های اصلی شروع شده و به جهت های مختلف روی آنها توسعه می یابد. حاشیه محل آلودگی طوقه و ریشه معمولا با برداشتن پوست بافت آلوده مشخص می گردد. در محل طوقه و یا تنه در ارتفاع ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتری از سطح خاک، قطرات صمغ به صورت ریز و درشت در سطح یا در شکافهای پوست درختان



علائم بیماری گموز پسته روی درختان و برگها

صورت گرفته حاکی از وجود منابع مقاومت در تعدادی از پایه ها و یا ارقام پسته می باشد.

نقش بافت خاک در مدیریت بیماری گموز پسته
یکی از مهمترین موارد در خصوص بیماری پوسیدگی طوقه و ریشه پسته ناشی از قارچ فیتوفتورا، بافت و ساختمان خاک و چگونگی قرار گرفتن لایه های خاک در یک باغ آلوده می باشد که شدت و خسارت بیماری را تحت تاثیر قرار می دهد. در باغ هایی که دارای بافت خاک رسی بوده و یا میزان رس خاک توام با عمق خاک افزایش می یابد، این شرایط باعث افزایش ظرفیت نگهداری آب در خاک، افزایش خفگی ریشه ها و حساس شدن ریشه به آلودگی می گردد. در باغ هایی که یک لایه سنگین در روی سطح خاک (عمق ۲۰ تا ۴۰ سانتیمتری) دارند و یا در مواردی که درختان عمقی کاشته شده باشند، پوسیدگی طوقه بیشتر شایع می باشد. وجود لایه سخت زیرین که در هنگام کاشت شکسته نشده است، باعث تشدید بیماری می گردد. در بیشتر موارد برداشت خاک سطحی بین ردیف ها تا عمق ۳۰ تا ۵۰ سانتیمتری به نحوی که درختان به اندازه ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر و یا بیشتر بالاتر از محل آبیاری قرار گیرند باعث کاهش قابل ملاحظه در مرگ و میر درختان می گردد. در باغ هایی که طوقه آنها در زیر سطح خاک قرار دارد و یا دارای لایه سخت زیرین می باشند. حفر یک کانال به عرض ۷۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر و عمق ۱ تا ۲ متر در فاصله بین ردیف ها و انتقال خاک به خارج از باغ و پرکردن کانال حفر شده با خاک بدون آلودگی و سبک به نحوی که شیب ردیف ها به سمت مرکز ردیف باشد باعث کاهش خسارت بیماری می گردد. این موضوع از تجمع آب در اطراف ریشه های طوقه و ریشه های درختان که حساس به آلودگی می باشند، جلوگیری می نماید. لازم به ذکر است که در چنین باغ هایی، برداشت خاک سطحی نیز می تواند در کاهش خسارت بیماری قابل ملاحظه باشد. در درختان آلوده و یا تمامی درختان در یک باغ آلوده، کنار زدن خاک اطراف طوقه و ریشه های درختان نیز مفید می باشد. این عملیات زمانی می تواند موثر واقع شود که ریشه های اصلی درختان در معرض هوا قرار گیرند.

یکی از فاکتورهای تاثیر گذار در شدت و میزان خسارت این بیماری مقدار آب آبیاری و سیستم مورد استفاده می باشد. در باغ های آلوده باید از غرقاب های سنگین و یا روش آبیاری گردشی استفاده نگردد. در مواردی که میزان خسارت بیماری شدید باشد، کاهش میزان و دور آبیاری مفید است. در این صورت باید فاکتور رشدی گیاهان در نظر گرفته شود. استفاده از سیستم های آبیاری تحت



نمایی از چگونگی گسترش مرگ و میر درختان در باغ های آلوده به صورت متوالی بر روی ردیف ها

وارد چرخه تولید اقتصادی محصول می شوند از بین می روند.

سیکل زندگی عامل بیماری هنوز در مناطق پسته کاری کشور به خوبی مشخص نشده است. گونه های عامل بیماری روی سطوح بافت های آلوده تولید اندام های تولید مثل رویشی و زایشی نموده که در شرایط مناسب جوانه زده و در شرایط غرقابی یا خاک اشباع شده از آب به صورت فعال و با شنا کردن باعث ایجاد آلودگی های جدید می شوند. این موضوع شاید چگونگی خشک شدن درختان در روی یک ردیف یکی پس از دیگری را توضیح دهد که ریشه ها در درختان مجاور در یک ردیف در زیر سطح خاک در نزدیکی و یا تماس با یکدیگر قرار دارد. به هر حال انتقال غیر فعال عامل بیماری در یک باغ با عملیات خاک ورزی غلط، آب آبیاری، ریختن خاک اطراف درختان آلوده در بین ردیف ها، انتقال خاک آلوده به باغها و آلوده بودن ادوات و وسایل کشاورزی صورت می گیرد. لازم به ذکر است که انتقال غیر فعال می تواند قارچ را تا کیلو مترها منتقل کند. خسارت بیماری در خاک های سنگین و با زهکش نامناسب شدید می باشد.

مدیریت بیماری

روش های مختلفی جهت مدیریت بیماریهای ناشی از قارچ *Phytophthora* در مناطق و یا باغ های آلوده پیشنهاد شده است، ولی بیشترین تاکید بر روی استفاده از ارقام مقاوم و پیشگیری می باشد. متأسفانه تاکنون استفاده از پایه های مقاوم برای این بیماری در پسته عملی نشده است. هر چند تحقیقات

ظاهر می شود. چنانچه پوست قسمت آلوده برداشته شود، صمغی شیری رنگ به بیرون تراوش می گردد که پس از مدت کوتاهی به رنگ خاکستری تا سیاه تغییر می یابد. رنگ بافت آلوده در محل طوقه ممکن است از قهوه ای روشن تا سیاه متغیر باشد، در حالی که در بافت ریشه بصورت قهوه ای روشن تا تیره دیده می شود.

سرعت مرگ درختان آلوده در اثر پوسیدگی طوقه و ریشه بسته به سن آنها متفاوت است. درختان جوان دارای آلودگی شدید، سریعاً خشک شده، در حالیکه درختان مسن آلوده ابتدا کاهش پوشش برگی و خشکیدگی سرشاخه ها را پیدا کرده و به تدریج بعد از ۱ تا ۳ سال می میرند.

الگوی خشک شدن درختان، میزان خسارت بیماری و چگونگی گسترش آن در باغ های آلوده متفاوت بوده و تا حد زیادی به مدیریت باغ در طول سال از جمله عملیات خاک ورزی، خصوصیات فیزیکی خاک (نفوذپذیری)، نحوه آبیاری و کنترل بیماری ارتباط دارد.

خسارت این بیماری بسته به شرایط از ۱ تا ۲۰ درصد متغیر می باشد، که این موضوع بستگی به شدت بیماری، عملیات خاک ورزی، چگونگی آبیاری و نسبت تعداد درختان خشک شده در سال به درختان سالم همان سال دارد. به هر حال ارزش اقتصادی باغ آلوده به شدت کاهش می یابد که غیر قابل جبران است. از طرف دیگر واکاری در باغ های آلوده نیز هزینه های زیادی دارد و درختان واکاری شده نیز در معرض خطر بوده و به محض اینکه

آشنایی با بیماری گموز یا شیره سیاه پسته



نمایی از برخی باغات آلوده

محل طوقه و ریشه می باشد. حذف و ریشه کنی درختان بیمار خشک شده در باغ، نیاز به توجه خاص دارد و باید درختان، همراه با خاک اطراف طوقه و ریشه به بیرون از باغ منتقل و معدوم شوند. در اکثر موارد ضدعفونی محل درختان بیمار خشک شده با قارچکش ها چندین موثر نبوده و عامل بیماری بعد از چند سال درختان جایگزین را مورد حمله قرار داده و از بین می برد. جهت ضد عفونی محل درختان بیمار، روش آفتاب دهی خاک توام با استفاده از کود های حیوانی نسبت به استفاده از قارچکش ها برتری دارد. یکی از روش های مبارزه با این بیماری، تزریق مواد به تنه درختان است. در این روش قارچکش ها با استفاده از دستگاههای خاص و مواد مخصوص به تنه درختان تزریق می گردد. متن کامل مقاله به همراه منابع را می توانید در سایت انجمن به آدرس www.iranpistachio.org/fa/articles ملاحظه فرمایید.

برای مبارزه با بیماری می توان به آن اشاره نمود. مرحله قسمت های آلوده طوقه و ریشه درختان با استفاده از قارچکش های مختلف همچون مخلوط بردو، اکسی کلراید مس و یا قارچکش های موثر دیگر می باشد که به طور معمول توسط باغداران استفاده می گردد. در بعضی از موارد از آهک هم برای ضدعفونی طوقه و ریشه استفاده می گردد. در اینجا اشاره به این نکته مهم می باشد که درخت پسته دارای پوست نسبتاً سخت و غیر قابل نفوذ می باشد و این امر باعث شده است که کاربرد قارچکش ها بر روی طوقه و ریشه درختان غیر موثر یا کم تاثیر گردد. ممکن است این روش فقط بر روی درختان جوان که پوست آنها نفوذپذیری بیشتری دارند تا حدودی موثر باشد و بر روی درختان بالغ غالباً غیر موثر است. لذا یکی از روش های موثر جهت کنترل بیماری پوسیدگی طوقه و ریشه، کاربرد قارچکش های سیستمیک و حفاظتی در

فشار به لحاظ اینکه باعث کاهش میزان آب مصرفی نسبت به آبیاری غرقابی، کاهش زمان تماس طوقه و ریشه با آب و عدم اشباع خاک به مدت طولانی می گردند، برتری دارند. باید به این نکته توجه داشت که معطل بیماری با وجود استفاده از سیستم های آبیاری تحت فشار به طور کامل قابل حل نمی باشد و به صورت نسبی میزان مرگ و میر در باغ کاهش می یابد. درختان موجود در مسیر آب آبیاری نیز از معطلات دیگر می باشد. در صورت آلودگی این درختان به بیماری، دو معضل پیش می آید: در مرحله اول بر روی بافت درختان بیمار، قارچ تولید اندام های تولید مثل رویشی نموده که با آب به راحتی به باغ های زیر دست منتقل می گردد. در مرحله دوم درختان خشک شده، توسط باغداران از خاک بیرون کشیده شده و مقدار زیادی از خاک آلوده در جوی باقی می ماند، که با آب به صورت غیر فعال منتقل می شوند. از روش های دیگری که

تأثیر pH در کار آبی سموم مورد استفاده در باغات پسته

محمد جمالیزاده

کارشناس ارشد بیماری شناسی گیاهی و

عضو انجمن پسته ایران

سم پاشی رخ می دهد.

مطالعات نشان داده اند بهترین pH برای آب سم پاشی بین ۴ تا ۷ است. این محدوده pH آب در بسیاری از نواحی پسته خیز کشور یک رؤیاست و بهترین راه حل، آن است که قبل از اضافه نمودن سم به تانکر، pH آب داخل تانکر توسط pH متر کنترل شود و در صورت وجود pH بالا، با استفاده از بافرهای (مواد شیمیایی) مخصوص، pH را به زیر ۷ کاهش داده و پس از آن سم را به آب اضافه کرده و سریعاً سم پاشی را انجام داد.

بافرهای ترکیبات شیمیایی اسیدی کننده ای هستند که به تانکر حاوی آب قبل از اضافه کردن سم افزوده شده و باعث پیشگیری از شکسته شدن سم می شوند. بافرها تا حدی از هدر رفتن سم توسط تبخیر هم جلوگیری می کنند؛ عبارتی اضافه کردن بافرها به محلول سم در صورت پاشش روی درختان، ماندگاری بیشتری به سم داده و تا حدی از تبخیر سم بر اثر حرارت خورشید جلوگیری می کنند. بافرها موجب می شوند که pH تا حد ۶ تنزل پیدا کند. میزان اضافه کردن بافر بستگی به عواملی چون pH آب، حجم آب درون تانکر و میزان غلظت بافر دارد.

بطور کلی حشره کش ها در مقایسه با قارچ کش ها و علف کش ها نسبت به پدیده هیدرولیز شدن حساس ترند.

روی برچسب بسیاری از سموم خارجی برخلاف سموم ایران درجه یا میزان هیدرولیز شدن سم در pH های مختلف درج شده است و کشاورز با توجه به درجه هیدرولیز شدن سم، می تواند سم را انتخاب کند. درجه هیدرولیز یا شکسته شدن سموم در آب به زمانی اطلاق می شود که ۵۰ درصد یک سم هیدرولیز یا شکسته شود. بعنوان مثال این زمان برای سمی مانند دی متوات (dimethoate) در pH ۹ برابر با ۱ ساعت است. بعبارت ساده تر در pH برابر ۹، سم دی متوات بعد از گذشت ۱ ساعت ۵۰ درصد خاصیت خودش را از دست داده و هیدرولیز می شود. این در حالی است که در pH برابر با ۶ هیچ مشکلی برای این سم پیش نیامده و سم خاصیت خودش را حفظ می کند.

متن کامل مقاله به همراه منابع را می توانید در سایت انجمن به آدرس www.iranpistachio.org/fa/articles مشاهده فرمایید.



سؤال بسیار مهم و اساسی که در رابطه با کنترل شیمیایی آفات مختلف پسته به ذهن متبادر می شود این است که چرا برخی سموم آفات را کنترل نمی کنند و یا چرا نتیجه استفاده از سموم مختلف رضایت بخش نیست؟ به صورت طبیعی باید گزینه ها و احتمالات مختلفی را برای پاسخ به این سؤال مطرح کرد از جمله آنکه آیا پس از سم پاشی بارندگی اتفاق افتاده یا سم کیفیت نداشته یا آفت نسبت به سم مقاوم شده و سؤالات مختلف دیگر.

بررسی های مختلف نشان داده اند که مقاومت آفات نسبت به سموم، اصلی ترین دلیل عدم کارایی سموم است؛ بصورتی که پسپل پسته در پاره ای از موارد بصورت کامل نسبت به سم آمیتراز و سایر سموم از جمله زولون مقاوم شده است.

از مقاومت آفات نسبت به سموم که بگذریم یکی از مسایلی که از دید باغداران مغفول مانده، pH آبی است که سم به آن اضافه شده و نهایتاً روی درختان پاشیده می شود.

متأسفانه آبی که از اغلب چاههای کشاورزی استانهای پسته خیز کشور بیرون می آید (بر خلاف تصور عموم که فکر می کنند اسیدی است) بشدت قلیایی بوده و pH آن بشدت بالاست. بررسی ها نشان داده اند که pH بالای آبی که بمنظور سم پاشی و پر کردن تانکرهای سم پاش استفاده می شود متأسفانه موجب شکسته شدن فرمولاسیون سموم مورد استفاده و کاهش تأثیر آنها بر روی آفت می شود.

در pH های بالاتر از ۷ (آب های قلیایی) تأثیر بسیاری از سموم ارگانوفسفات و کربامیدی روی آفت کاهش پیدا می کند. کاهش یافتن اثر سموم در نتیجه pH بالای آب را اصطلاحاً هیدرولیز شدن یا شکسته شدن آلکالینی می نامند.

واکنش هیدرولیز شدن بستگی به چند فاکتور اساسی از جمله میزان حساسیت سم مورد نظر نسبت به آب دارای pH بالا، مدت زمانی که سم با آب تماس دارد (بهتر است سم اضافه شده به آب سریعاً استفاده شود)، درجه حرارت محلول سم و درجه pH خود سم دارد.

در pH های بالاتر از ۸، سم به سرعت توسط آب هیدرولیز می شود. نکته جالب اینجاست که به ازای هر ۱ درجه افزایش pH آب، میزان شکسته شدن سم ۱۰ برابر افزایش پیدا می کند.

برخی آفت کش ها به محض اضافه شدن به آب دارای pH بسیار بالا، به سرعت تجزیه می شوند. در این شرایط، حتی قبل از شروع سمپاشی، سم کشنده به یک ماده بی اثر غیر کشنده بدل می شود. مطالعات نشان داده که باقی ماندن سم در داخل تانکر بعد از گذشت چندین ساعت ممکن است تا حدود ۵۰ درصد از کشندگی سموم را کاهش داده و حتی بسته به نوع سم پس از گذشت ۲۴ ساعت مخلوط سم داخل تانکر کاملاً روی آفت بی اثر شود.

در بسیاری از نواحی دنیا که کشاورزی پیشرفته و مکانیزه دارند کشاورزان قبل از سم پاشی، pH تانکر حاوی سم را توسط دستگاهی بنام pH متر کنترل می کنند تا از میزان تأثیر سم اطمینان حاصل نمایند. متأسفانه ماکزیمم pH آب کشاورزی در تابستان، درست در فصل اوج نیاز به

کاربرد فرمون در مدیریت تلفیقی پروانه چوبخوار پسته

محمد شجاع الدینی

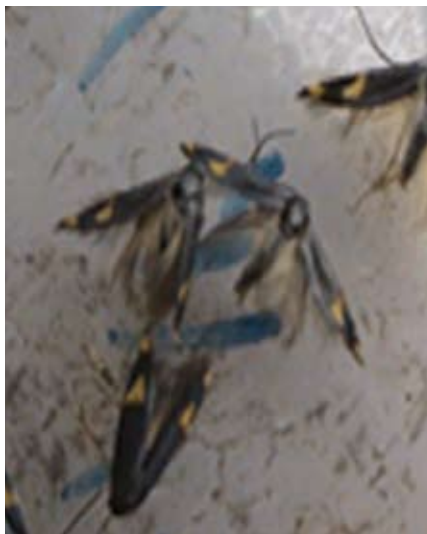
عضو هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

و تله های قیفی استفاده کرد.

علی رغم در جریان بودن تحقیقات در این زمینه، به نظر می رسد شواهد موجود برای اثبات یا رد کارایی روشهای کنترل فرمونی کافی نباشد اما به طور قطع با استفاده از تله های فرمونی می توان به وجود و یا فقدان این آفت در باغ و همچنین تشخیص پیک پروازی حشره چوبخوار و تعیین زمان شروع سمپاشی پی برد. زمان استفاده از این تله ها از اواسط اسفندماه تا هفته دوم فروردین ماه بسته به میانگین دما و زمان مناسب شدن شرایط محیطی برای ظهور حشرات کامل آفت دارد.

در هر منطقه، استفاده درست و علمی این تله ها باید از طریق مشورت با کارشناسان گیاه پزشک آن منطقه انجام پذیرد. کارشناسان هر منطقه می توانند با استفاده از این تله ها، آلودگی احتمالی منطقه و باغات را مشخص کرده و در صورت بالا بودن جمعیت، زمان دقیق مبارزه شیمیایی را مشخص کنند.

علی رغم آنکه فرمونها می توانند در جذب درصدی از حشرات نر موثر باشند اما انتقاداتی به شرح زیر نیز به این روشها وارد شده است: این نوع فرمون ها، تنها حشرات نر را جذب می کنند در حالیکه خسارت آفت مربوط به تخم ریزی حشره ماده و در نتیجه تغذیه و حفر کانال توسط لاروهای خارج شده از تخم ها است.



حشرات کامل نر پروانه چوبخوار، شکار شده در تله فرمونی

تغذیه و حفر کانل درون سر شاخه است. در مورد خوشه ها، تغذیه آفت باعث قطع آوندها و در نتیجه باعث خشکیدن میوه های نارس می شود. پس از آن لارو وارد چوب سرشاخه می شود و با حفر کانل درون شاخه باعث توقف رشد و خشکی آن می شود.

فرمون چیست و چگونه عمل می کند؟

فرمون جنسی پروانه چوبخوار، ماده ای فرار است که حشره ماده آن را به منظور جلب جنس نر به محیط می فرستد. حشرات نر با دریافت این ماده، مسیر خود را به سمت جفت پیدا می کنند. با دانستن این موضوع، محققین توانسته اند این ماده را از بدن حشره ماده استخراج و فرمول شیمیایی آن را شناسایی کنند. در قدم بعد، این ماده به میزان زیاد و به روش های مصنوعی ساخته شد.

طی سال های اخیر انواعی از فرمون جنسی برای این آفت ساخته و به کشور وارد شد. متأسفانه باغداران بسیاری، بدون آگاهی از روش استفاده و گاه بر اساس توصیه های غیر علمی، به کاربرد نادرست و زیان آور این محصولات روی آورده اند که گاه باعث افزایش خسارت آفت شده است.

کاربرد صحیح فرمون پروانه چوبخوار پسته

از فرمون مصنوعی می توان در انواع تله های مختلف از جمله تله مثلثی (دلتا)، تله تشک

پروانه چوبخوار پسته یکی از آفات کلیدی درختان پسته در ایران به شمار می رود. این آفت تا قبل از سال ۱۳۵۰ خسارت زیادی در باغ های پسته نداشته است اما کاربرد بی رویه حشره کش های شیمیایی بخصوص در ماه های اسفند تا اردیبهشت و در طی سال ها باعث تضعیف و از بین رفتن دشمنان طبیعی این آفت شد. در نتیجه آفت آزادانه جمعیت خود را افزایش داده و به مناطق غیر آلوده نیز وارد شد.

در حال حاضر، پروانه چوبخوار پسته در کلیه مناطق پسته کاری ایران گسترش دارد. این حشره سالیانه یک نسل دارد و زمستان را به صورت لارو کامل در داخل سرشاخه ها به سر می برد. در اواخر زمستان، لاروهای کامل با ایجاد سوراخ روی شاخه ها از آن ها خارج شده و در محل مناسب تبدیل به شفیره می شوند. لاروها قبل از شفیره شدن، در اطراف خود یک پیله هرمی شکل ایجاد کرده و پیله ها در سطح زیری شاخه ها تشکیل می گردند. پس از چند هفته، حشرات کامل ظاهر می شوند و جفت نر و ماده پس از جفت گیری، تخم های خود را روی شاخه های جوان همان سال و در محل اتصال دمبرگ به شاخه و یا روی محور خوشه می گذارند. خسارت آفت شامل تغذیه از محور خوشه ها، ریزش دانه ها و همچنین خشکی سرشاخه ها در نتیجه



خسارت ناشی از تغذیه لارو درون سرشاخه



پیله شفیرگی پروانه چوبخوار پسته روی سرشاخه



خسارت ناشی از تغذیه لارو از محور خوشه

به علت همجواری باغات مالکین مختلف و احتمال عدم مبارزه یکسان و همزمان ممکن است روشهای فرمونی منجر به جذب حشرات نر از باغات مجاور و احتمالاً افزایش تعداد جفتگیری با ماده ها در مسیر حرکت به سمت فرمون (قبل از شکار شدن) و در نتیجه افزایش خسارت شود.

مدیریت تلفیقی بهترین راهبرد در کنترل پروانه چوبخوار پسته

تجربه نشان داده است که کاربرد مجموعه ای از روش های کنترل در قالب یک برنامه به جای کاربرد یک روش خاص (مانند سمپاشی)، می تواند خسارت هر گونه ای از آفات را به طور موثرتری کاهش دهد. در مورد پروانه چوبخوار، مجموعه روش های زیر را می توان برای کاهش موثر جمعیت آفت بکار برد:

کنترل مکانیکی و باغی: در باغات آلوده، هرس سرشاخه های خشک شده در زمستان و خارج کردن آن ها از مزرعه می تواند جمعیت لاروهای کامل درون شاخه ها را بطور موثر کاهش دهد. همچنین در سطوح محدود می توان پیله های تشکیل شده روی سرشاخه ها را در اواخر اسفند بطور مکانیکی از شاخه ها جدا کرد. این پیله ها را باید پس از گردآوری از سطح باغ معدوم کرد. انجام این روش ها به تنهایی هرگز برای کاهش خسارت آفت کافی نخواهد بود و مبارزه شیمیایی در باغات دارای آلودگی شدید، توصیه می شود.

کنترل شیمیایی مبتنی بر ردیابی: اثربخشی مبارزه شیمیایی با این آفت به دو عامل مهم شامل

می کنند لذا نمی توان آنها را پس از ورود به محور خوشه و سرشاخه بوسیله سمپاشی از بین برد. بنابراین تعیین زمان دقیق سم پاشی قبل از ورود لارو به عمق بافت گیاه، بر اثر بخشی آن، تاثیر قابل توجه دارد. به این منظور با کمک کارشناسان گیاه پزشکی منطقه و با ابزار تله های فرمونی می توان زمان دقیق مبارزه شیمیایی را مشخص کرد.

میزان اثربخشی سم و نیز زمان دقیق سمپاشی بستگی دارد. در خصوص انتخاب سم، با توجه به غیر استاندارد بودن برخی سموم شیمیایی موجود در بازار، مشورت با کارشناسان کشاورزی می تواند باغداران را در انتخاب موثرترین سم کمک کند. در مورد زمان سمپاشی باید در نظر داشت که چون لاروهای آفت بعد از خروج از تخم، در داخل محور خوشه یا سرشاخه تغذیه

ایجاد شهرک صنعتی تخصصی پسته توسط شرکت شهرکهای صنعتی کرمان

سنتی و ۸۷۵ واحد صنعتی فرآوری در استان است و در حال حاضر بین ۵۰ خوشه صنعتی کشور، بزرگترین خوشه از نظر تعداد ذینفعان است. وی به واحدهای قابل استقرار و قابلیت های آنها در این شهرک اشاره کرد و افزود: نمایشگاه، آزمایشگاه، کارخانجات، مجتمع ها و کارگاههای شکست و بسته بندی مغز و تولید محصولات جانبی، ماشین سازی مربوط به پسته، بازارچه تخصصی، واحدهای مکانیک خندان با تکنولوژی جدید از جمله مواردی است که می توانند در این زمینه فعالیت کنند.

همچنین در جریان این مراسم بزرگترین واحد بسته بندی پسته در زمینی به مساحت ۲۱۰۰۰ مترمربع و زیربنای حدود ۶۵۰۰ متر مربع با حضور مسئولین شهرستان رفسنجان کلنگ زنی شد.

افزوده ایجاد شده به منطقه برگردد. ایشان از ایجاد مرکز خدمات فناوری و کسب و کار در این شهرک خبرداد. این مرکز سرویس دهنده خدمات نرم افزاری و مشاوره ای و آموزشی تخصصی در زمینه پسته است. در این مجموعه ایجاد نمایشگاه محصولات، برنامه ریزی شده است تا واحدهای مستقر در شهرک بتوانند نمونه محصولات خود را نمایش بگذارند. ساخت سالن کنفرانس مجهز جهت برگزاری جلسات ملی و بین المللی در زمینه پسته در نظر است. قاسم نژاد از پسته، خرما و سنگ به عنوان سه مزیت مطلق استان کرمان نام برد و تأکید کرد: ایجاد شهرک های تخصصی موجب استفاده مطلوب از میراث های استان می شود.

وی در ادامه بحث توسعه خوشه صنعتی پسته گفت: خوشه صنعتی پسته دارای ۶۵۰ واحد

اولین شهرک تخصصی پسته کشور به منظور استقرار حلقه های مقفوده و بازرگانی در زنجیره ارزش کسب و کار پسته و ایجاد مرکزی برای هم افزایی دانش بین واحد ها در شهرک صنعتی شماره ۲ رفسنجان به مساحت ۱۴ هکتار کلنگ زنی شد.

حمید قاسم نژاد مدیرعامل شرکت شهرکهای صنعتی کرمان ایجاد شهرک تخصصی پسته را در راستای توسعه خوشه صنعتی پسته عنوان کرد و گفت ایجاد این شهرکها با ایجاد زیر ساختهای مناسب، موجب افزایش و هدایت سرمایه گذاران در صنعت پسته خواهد شد. ایشان عنوان کرد ایجاد این شهرک به جهت فراهم نمودن شرایط لازم جهت استقرار واحدهای فرآوری و بسته بندی و همچنین فروش پسته به مصرف کننده و توزیع کننده نهایی می باشد تا ارزش

درسهایی از تاریخ مبنای کاهش یا افزایش نرخ دلار

طرفی افزایش هزینه های جاری دولت، منجر به تشدید تورم گردید. یکی از راههای پیشنهادی در آن زمان برای جلوگیری از افزایش تورم، کاهش ارزش برابری دلار در برابر ریال و در واقع ارزان کردن دلار بود. موضوعی که امروز نیز به شکلی در کشور شاهد آن هستیم. نظر به مشابهت برخی از مباحث مطرح در کشور در آن دوره با دوره فعلی در ارتباط با نحوه برخورد با نرخ ارز و رابطه آن با تورم، بخشهایی از کتاب خاطرات ایشان را انتخاب کرده ایم که تقدیم می گردد. کتاب خاطرات و شرح حال 'محمد یگانه' توسط مرکز مطالعات خاورمیانه، دانشگاه هاروارد و به صورت گفت و گو تنظیم شده است.

دبیرخانه انجمن پسته ایران

محمد یگانه فرزند حاج محمد اسماعیل شکرچی که بعدا به یگانه تبدیل شد، از دولتمردان حکومت محمدرضا پهلوی بود. او فارغ التحصیل دانشگاه حقوق تهران و دانشگاه کلمبیا در کشور امریکا است و از سال ۱۹۴۹ وارد سازمان ملل متحد گردید. محمد یگانه در بخشهای مختلف اقتصادی در حکومت محمدرضا پهلوی مشغول به کار گردید که مهمترین آن‌ها رئیس کل بانک مرکزی، وزیر آبادانی و مسکن (۱۳۴۸)، وزیر مشاور کابینه هویدا و وزارت دارایی دولت شریف امامی بود. دوره مسئولیت ایشان در بانک مرکزی مصادف با افزایش قیمت نفت و افزایش قابل توجه و چهار برابری درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت بود. در آن دوران عدم تعادل بین امکانات زیر بنایی کشور و بودجه عمرانی و فقدان امکانات و برنامه متناسب برای هزینه کرد این منابع ارزی، و از

مبنای اختلاف نظر درباره نرخ مبادله دلار چه بود آقا؟

بعد از این که قیمت نفت بالا رفت و درآمد ارزی ما رفت بالا، تقریباً چهار برابر شد، در این موقع برنامه هایی که ما داشتیم تصمیم گرفته شد که اینها تجدید نظر بشود، برنامه پنجساله و آمدند در همان سال تجدید کردند و هزینه های عمرانی را تقریباً برای سه سال بعدی سه برابرش کردند، برای مدت پنج سال شد تقریباً دو برابر. نتیجه این کار این شد که ما وقتی خواستیم خیلی سریع برویم جلو و چون امکانات این مقدار هزینه را نداشتیم با توجه به زیربنایی که در کشور وجود داشت، اگر شما کالا وارد می کردید بنادر ظرفیت نداشتند و راه آهن و یا جاده ها نمی توانستند این را بکشند. یا شما می خواستید ساختمان بیشتری بکنید در کشور، مصالح ساختمانی و غیره وجود نداشت و از این قبیل مسایل. از طرفی دولت خرج را زیاد کرد و از طرف دیگر supply عرضه کالاها به حد لازم نبود. بنابراین در کشور عدم تعادلی به وجود آمد و تورم شروع کرد تشدید پیدا کردن. برای این که جلوی این تورم گرفته بشود در آن موقع فکر می کردند چون مقدار کالاهایی که در ایران مصرف می شود از خارج می آید بنابراین اگر قیمت دلار بیاید پایین و قیمت ریال برود نسبت به دلار بالا، در آن صورت قیمت ها ارزان می شود و این جلوی تورم را می گیرد. مردم می توانند فرض کنید تلویزیونی که می خرد یا این اتومبیلی که می خرد که قطعاًش از خارج وارد شده یا کالاهای دیگر، ارزان بخرند و مصرف بکنند و به این ترتیب جلوی تورم تا حدی گرفته بشود. و البته در تئوری اقتصادی هم وجود دارد که معمولاً کشورهایی که عدم تعادل ارزی دارند فرض کنید آن کشوری که مزاد ارزی دارد

این برای این که تعادل ایجاد بشود در اقتصادش، قیمت پول خودش را بالا می برد یا آن کشوری که برعکس کمبودی دارد در مبادله ارزی خودش، می آید قیمت پول خودش را پایین می آورد، قیمت ارز خارجی را می برد بالا که به این ترتیب مردم کم خرج بکنند برای خرید کالاهای خارجی، کالاهای وارد شده، به این ترتیب یک نوع تعادل جدیدی به وجود بیاید؛ این هم مبنای تئوریش. ولی شرایط ایران یک شرایط دیگری بود ما دردی که داشتیم، درد ما ناشی از این بود که دولت آمده بود بیش از حد امکان تعهداتی به وجود آورده بود برای خودش، برای اجتماع و خرج زیادی می شد که امروز اگر چنانچه ما قیمت دلار را می آوردیم از هفت تومان و نیم به پنج تومان، باز می بایستی سال آینده از پنج تومان بیاوریم روی فرض کنید سه تومان باز بیاوریم پایین تر. بنابراین پایین آوردن قیمت دلار و بالا بردن قیمت ریال مساله گرفتاری های اقتصادی ایران را حل نمی کرد. این یک طرف قضیه بود و از طرف دیگر چنین کاری تاثیر داشت از یک طرف در صادرات ما و از یک طرف در تولیدات ما. البته افرادی می گفتند ما چنان صادراتی نداریم که اگر این قیمت های فرض کنید دلار قیمتش آمد پایین، ما نتوانیم صادر بکنیم. چقدر، فرض کنید هفتصد هشتصد میلیون دلار صادرات داریم، این هم از بین برود در مقابل بیست میلیارد دلاری که از نفت می گیریم چیزی نیست و ممکن است از هشتصد میلیون دلار بيفتد ششصد میلیون دلار اشکالی ندارد. در صورتی که ما می خواستیم صادرات ما روز به روز توسعه پیدا بکند. این البته تاثیرش روی صادرات قابل تحمل بود که اگر این صادرات هم از بین می رفت هیچی نمی شد، ولی به آینده ایران، تاثیر داشت نسبت به آینده ایران که

ما می خواستیم خودمان را از اتکاء به نفت بکشیم بیرون. ولی از نقطه نظر تولیدات، شما می آمدید با پایین آوردن نرخ دلار، کالای خارجی را ارزانتر می کردید. دیگر در ایران کالای داخلی نمی توانست رقابت بکند با کالای خارجی. ما رفته بودیم دنبال ایجاد ماشین آلات، دنبال ایجاد صنایع مادر، دیگر اینها هیچوقت نمی توانستند رقابت بکنند، اقتصادی باشند چنین طرحهایی، در مقابل کالاهایی که از خارج وارد می شوند. این بود وضع و گرفتاری که ما داشتیم. در آن موقع قرار شد که به این مساله رسیدگی بشود؛ در شورای اقتصاد چنین تصمیمی گرفته شد. من رییس بانک مرکزی بودم و مسئول ارزی و در شورای اقتصاد آقای هوشنگ انصاری بودند وزیر اقتصاد، معاونشان هم آقای حسنعلی مهران بودند که صاحب نظر بودند در این مطالب، و بعد وزرای اقتصادی دیگر بودند، آقای نجم آبادی که وزیر صنایع بودند و آقای مهدوی وزیر بازرگانی بودند، آقای مجیدی هم وزیر مشاور و مسئول امور سازمان برنامه. در عین حال آقای اصفیاء هم به این قبیل مسایل، مسائل اقتصادی و عمرانی رسیدگی می کردند؛ ایشان وزیر مشاور بودند. اینها عضو شورای اقتصاد بودند، به اضافه یک دو نفر، وزیر انرژی و آب و برق و همچنین وزیر کشور که آموزگار بود. ولی با این که وزارت کشور مسائل اقتصادی را به عهده نداشت، ایشان هم عضو بودند. ولی در جلسه ای که در دفتر آقای انصاری برای رسیدگی به این مساله تشکیل شد که در آن سعی کرده بودند جمشید آموزگار که می دانستند نسبت به این مساله حتماً نظر مخالفی خواهد داشت، ایشان را گذاشتند کنار و جلسه ای بود که وزیر دارایی و این آقایانی که به آنها اشاره کردم، آقای اصفیاء و مهران و نجم آبادی و مجیدی و مهدوی، مذاکراتی

از این دید سعی می کردند پایین بیاورند برای این که مواد اولیه، قطعات، ماشین آلات و یا کالاهای مصرفی ارزانتر وارد بشود منافعتشان برود بالا. تقریباً در تایید موقعیت وزیر اقتصاد و وزارت بازرگانی و وزارت صنایع بود که این وزراء هم منعکس کننده نظرات بازار بودند و یا صاحبان صنایع. منتهی من از طرف بانک مرکزی سعی کردم مساله را به حد خودش محدود بکنم که گرفتاری ما در اینجا چه هست. گرفتاری ما عبارت از رابطه بین ارزهاست. اگر رابطه بین ارزهاست و این نوسانات ارزی است و دلار است، ما می آییم یک راه حلی پیدا می کنیم به عوض این که خودمان ریال را به دلار وابسته بکنیم که کرده ایم ما می آییم این رابطه را قطع می کنیم از دلار و این را وصل می کنیم یعنی parity ایجاد می کنیم بین ریال و Special Drawing Right که مال IMF است که این مجموعه های ارزشی در حدود شانزده تا ارز بود در آن موقع، که به این ترتیب نوسانات از بین می رفت. ایران اولین کشوری بود که پول خودش را با SDR برقرار کرد و بعد از ایران کشورهای دیگر در IMF این کار را کردند. تعدادی، که این هم از نقطه نظر سیاسی این قدم اقتصادی که گرفته شد چندان خوشایند آمریکایی ها نبود که بعداً حتی صحبت ایجاد رابطه بین قیمت نفت و SDR حق برداشت مخصوص به فارسی می گویند، حق برداشت مخصوص به آن فکر شد که به آن مربوط بشود، که آن هم حکایت جداگانه ای دارد. بنابراین من آمدن این...

به این ترتیب رابطه ای بین ریال و حق برداشت مخصوص ایجاد شد، منتهی دلار به صورت پول به اصطلاح می گویند Intervention Currency که به آن طریق معاملات انجام می شود و به همان طریق ماند. ولی مقررات ما این طور بود که اگر این قیمتش از حدودی بالا و پایین رفت ما می بایستی رابطه ای بین ریال و دلار را عوض بکنیم بر اساس رابطه ای که ریال با حق برداشت مخصوص دارد. و این کار عملی می شد تا این که در سال های بعد از انقلاب به آن توجهی نشد، تا این که آقای نوبری آمدند سرکار و مجدداً این موضوع را عنوان کردند و مثل این که به عنوان ابتکاری از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی، در حالی که این عمل و ایجاد رابطه بین ریال و حق برداشت مخصوص در سال ۱۹۷۴ یا ۷۵، ۷۵ بود اگر اشتباه نکنم، این اقدام شده بود و تمام مدارک را گزارشات IMF صندوق بین المللی پول این را نشان می دهد.

برگرفته از کتاب "خاطرات محمد یگانه" گردآوری شده توسط ضیاء صدقی و حبیب لاجوردی

نشر ثالث، ۸۴/۲/۲۱، صفحات ۱۴۹ تا ۱۵۵

معمولاً وزیر اقتصاد و دارایی از نقطه نظر موقعیتش در موقعیت بهتری قرار گرفته با تماس های روزانه با تماس های هفته ای چند باری که با شاه دارد بتواند مطالب خودش را بیشتر و بهتر بیان بکند تا رییس بانک مرکزی که تماس کمتری با شاه داشت و غیره. بنابراین رییس بانک مرکزی در آن موقع در موقعیت نامساعدی قرار گرفته بود برای به عرض رساندن مطالب و یا موقعیت و پوزیسیونی که بانک مرکزی دارد. این بود که در این مورد من صلاح دیدم که یکی از اعضای دیگر شورای اقتصاد را کنار گذاشته بودند که آقای جمشید آموزگار باشند موضوع را با ایشان مطرح بکنم و ببینم از ایشان می شود کمک گرفت در بیان مطالب به حضور شاه. ایشان هم در این باره کمک هایی کردند برای briefing و موقعی که ما به حضورشان رسیدیم ایشان هم از طرف وزیر اقتصاد خوب brief شده بودند و هم از طرف، نظرات ما را از طریق آموزگار. ولی در آن جلسه چند کلمه ای که هم وزیر اقتصاد صحبت کرد و بعد رییس بانک مرکزی، ایشان (شاه) می دانستند اوضاع و احوال از چه قرار است و نخست وزیر هم وارد جریان کرده بودند ایشان را، ایشان (شاه) گفتند خودشان: **"من در این باره فکرهای خودم را کردم و به این نتیجه رسیدم"**. تقریباً نکاتی بود که بانک مرکزی داشت که: **"آیا اگر ما می خواهیم قیمت دلار را بیاوریم پایین به خاطر این که پولی از ارزی از نفت به دست ما می رسد که آن بالا رفته، حالا فردا اگر این پایین بیاید، فردا اگر چنانچه تولیدات نفت ما از بین برود که خواهد رفت و بعد از بیست سال سی سال چهار سال نخواهیم داشت در آن صورت ما بایستی چه کار بکنیم؟ بایستی قیمت دلار را بشکنیم به آسمان؟ این به نظر به صلاح نمی رسد. همان قیمتی که وجود دارد بهتر است که باشد"**.

بنابراین ایشان به صورت common sense طرف یا نظر بانک مرکزی را تایید کردند. این بود گرفتاری که ما داشتیم. البته یک مساله دیگری داشتیم که آن را هم بایستی بگویم. فشارهایی بود که از طرف تجار می آمد، یا صاحبان صنایع. آن هم به این ترتیب بود، قیمت دلار نسبت به ارزهای دیگر آمده بود پایین و قیمت مارک و فرانک و غیره و اینها همه شان رفته بودند بالا نسبت به دلار، دلار خیلی تضعیف شده بود. ما هم در اختیار تجار برای این که بتوانند جنسی از آلمان وارد کنند یا از ژاپن وارد بکنند به یین و یا این که ارزهای اروپایی می بایستی دلار بگیرند و بروند بعد یین و فرانک و مارک و غیره و اینها به آنها تبدیل بکنند یا استرلینگ، آن وقت قیمت کالاهایی که از آن کشورها وارد می کردند بالطبع بیشتر از باقی می شد. بنابراین آنها

شد در این باره و اصفیاء معمولاً گوش می کرد. در این مذاکرات نظر خودش را سعی می کرد وقتی که تمام مسایل مطرح شد بگوید، و سعی بکند نظرها را به همدیگر نزدیک بکند و اینها. بنابراین در این جلسه مطلبی نگفت. مجیدی فکر می کرد که حرف بانک مرکزی صحیح است و به صلاح کشور نیست، ولی وزرای اقتصادی دیگر، وزرای صنایع و اقتصاد و همچنین بازرگانی به رهبری وزیر اقتصاد، اینها می خواستند دلار قیمتش بیاید پایین. آن جلسه به جایی نرسید و به نخست وزیر گزارش شد. جلسه بعدی داشتیم در منزل مجیدی، صبح روز جمعه و در آنجا فشار خیلی خارج از حد و خارج از نزاکت به رییس بانک مرکزی شد و حتی

از جانب کی؟

از جانب هوشنگ انصاری، که: **"بله من وزیر اقتصاد هستم مسئول امور اقتصادی کشور و می خواهم این عملی بشود و بانک مرکزی هم موظف است این دستورات را اجرا بکند"**. و مجیدی هم تا حدی که طرف بانک مرکزی را می گرفت همان در منزل خودش مورد تهدید قرار گرفت که آقای انصاری به ایشان گفتند که: **"من می خواهم تکلیف تو را روشن بکنم در این مورد که شما چه دارید می گوید و پوزیسیونتان به طور دقیق چه هست و غیره"**. البته تمام مسئولیت را در اینجا من به عهده گرفتم که این اصلاً به سازمان برنامه مربوط نیست، ایشان هم هر نظری دارند داشته باشند؛ ولی مساله اساسی این است که من به عنوان رییس بانک مرکزی مسئولیت های قانونی دارم. اگر شما می خواهید این کار را عملی بکنید خودتان بروید عمل بکنید و اگر می خواهید رییس بانک مرکزی این کار را عملی بکند در آن صورت این من نخواهم بود که چنین کار ناصحیحی برای مملکت خودم انجام بدهم. این از دید من کار بسیار ناصحیح و به ضرر کشور است و نمی بایستی عملی بشود، و حتی اگر نفت ما نداشتیم بایستی قیمت ریال می آمد پایین و قیمت دلار بالا می رفت. بالاخره بعد از تصادماتی که در اینجا وجود داشت این جریانها در حدود چند هفته طول کشید و مجدداً به نخست وزیر گزارش شد، و نخست وزیر هم معمولاً سعی می کرد در این قبیل موارد خودش را از جدال کنار نگه دارد و طرفی را نگیرد و مساله را محول کند به شاه که شاه تصمیم بگیرد. بعد ایشان در آن جلسه تصمیم گرفتند موضوع را ببرند پیش شاه که در آن جلسه ایشان باشند و وزیر اقتصاد و دارایی و رییس بانک مرکزی، در حضور شاه مطالب خودشان را بگویند و آن وقت شاهنشاه تصمیم بگیرند. البته این را هم بایستی بگویم

بحران ارز و ضرورت بازسازی شیوه مدیریت

محمد حسین کریمی پور
رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق ایران

شاخص مهم ملی را از تعادل خارج کرده است.
در دنیا سه ابزار برای مقابله با بحران ارزی به کار گرفته شده اند:

اول، افزایش نرخ بهره: دولت این ابزار را به کار رفته است، اما باید اخطار وزیر اقتصاد را در محدودیت آن جدی گرفت. افزایش نرخ بهره ذاتاً اقدامی ضد تولیدی است و می تواند رکود را تشدید کند.

دوم، استفاده گسترده از ذخایر: تحریم ها اتخاذ چنین گزینه ای را سخت تر از همیشه کرده است. واقعیت آن است که حتی بدون تحریم، ادامه وضع اسراف آمیز قبلی مشکل بود. محاسبات می گوید برای حفظ نرخ ارز در محدوده ۱۱۰۰ تومان به روش عرضه نامحدود، امسال به عرضه بیش از یکصد میلیارد دلار ارز به بازار نیاز داشتیم.

سوم، اعتبار مقام پولی: این دارایی ملی نیز آسیب دیده و مانور محدودی دارد.

به نظر می رسد مدیریت وضع موجود محتاج بازسازی اساسی و بسیار عمیق شیوه مدیریت ماست. ما محتاج آنیم که با عزم و اراده در چند جناح، به موازات هم اقدام کنیم.

اولاً، وقوع "بحران ارزی"، جدیت آن و پتانسیل تبدیل آن به بحران اقتصادی بزرگتر را بپذیریم. از خیال پردازی، آسان گیری و هدف گیری بازگشت به ارز تک نرخ نامحدود مثلاً ۱۲۰۰ یا ۱۴۰۰ تومانی بپرهیزیم.

ثانیاً، سال ۱۳۹۱ را سال مهار "بحران ارزی" قرار داده و اولویت اصلی و حاکم اقتصادمان را مهار این بحران قرار دهیم. بپذیریم که برای مهار آن باید هزینه های سنگینی پرداخت.

ثالثاً، بپذیریم در اقتصاد کلان و در مدیریت کشور باید به نظام برنامه ای برگردیم. بپذیریم با منابع محدود نمی توان اهداف نامحدودی را هدف گرفت. اقتضات و درسهای علم اقتصاد را به رسمیت بشناسیم. بپذیریم اداره اقتصاد کار متخصصین است.

رابعاً، بادقت، فرصت جویی و حساسیت به فضای بین المللی و امکاناتی که برای گشایش پیش روی ما قرار می دهد، نگرسته، با جرأت و ابتکار از آن بهره بریم. در داخل نیز، از وحدت و نمایش اقتدار ایران غافل نباشیم. بدانیم که روز کارزار و گردنه خطرناکی است. غفلت ایرانیان از حفظ ایران، می تواند پشیمانی سنگینی به بار آورد.

کاهش شفافیت اقتصادی: توقف انتشار منظم اطلاعات و شاخص های اقتصادی ملی توسط بانک مرکزی و دولت سبب شده فضای اقتصاد ملی برای فعالان تیره و پیش بینی مشکل باشد. در چنین فضایی حساسیت بازار به متغیر حساسی مثل ارز، بالا می رود.

نحوه اجرای هدفمندسازی یارانه ها: این طرح حجم زیادی از پول را به جامعه تزریق کرد اما بخش حمایت از تولید آن اجر نشد. یعنی جناح تقاضا تقویت شد اما مکانیسم های طراحی شده برای تقویت جناح عرضه، اجرایی نشد. چنین عملکردی بی تردید اثرات توری دارد.

سیاست های اجرایی غلط: اعلام حذف صفر از پول ملی، کاهش نرخ سود سپرده، دستورالعمل های عجیب پیرامون سپرده های ارزی، پلیسی کردن بازار ارز، تعلل طولانی مدت در عکس العمل نسبت به فرار ارز و دهها مورد دیگر، گواه بر سیاست های اجرایی غلط بانک مرکزی و دولت در مدیریت زمینه های بحران و سپس در اداره بحران است.

کاهش اعتبار مسئولین اقتصادی: نحوه عملکرد مسئولین اقتصادی بالاخص رئیس بانک مرکزی به عنوان "مقام پولی کشور" و بی اعتبار شدن پیش بینی های آنها، اثر روانی بدی بر بازار گذاشت. اعتبار مقام پولی هر کشور، عامل موثر در ایجاد اطمینان و ثبات در بازار ارز است.

تحریم های جدید: در دنیا تعداد محدودی بانک بین المللی که همگی آمریکایی و اروپایی هستند مسئول انتقال بین بانکی ارزهای معتبرند. تحریم های اخیر اروپا، دسترسی ایران برای انتقال پول نفت خود از طریق باقیمانده این بانک ها را قطع کرد. یعنی غرب نه تنها سعی می کند مشتریان نفت ایران را منصرف کند بلکه دسترسی ایران به ارز معتبر ناشی از معاملات باقیمانده را هم محدود کرده است. یعنی ایران برای انتقال و استفاده از ارز خودش هم، دچار محدودیت شده است. مدل کروگمن می گوید: "وقتی مردم حس کنند ذخایر ارزی به سوی محدودیت می رود، پیش دستی می کنند."

در اقتصاد، کسر (ذخایر ارزی دولت/حجم نقدینگی کشور)، شاخص مهمی است. در این کسر چه در صورت و چه در مخرج نه تنها "میزان" بلکه "میزان سیالیت" نیز مهم است. در حالیکه تحریم ها میزان و سیالیت صورت را کاسته، سیاستهای مالی - پولی دولت به شدت میزان و سیالیت مخرج را افزوده و این

عارضه ای که اقتصاد ایران را در سال ۱۳۹۰ به شدت ملتهب کرد، در ادبیات اقتصادی، بحران ارز یا Currency Crisis خوانده می شود. این عارضه وطنی مشخصات واضح هر سه نسل بحرانهای ارزی شناخته شده دنیا را یکجا جمع کرده است.

بحران ارزی نسل اول بر اثر ناسازگاری بین سیاستهای پولی-مالی با سیاست ارزی کشور رخ می دهد.

بحران مکزیکی یک نمونه کلاسیک است. وقتی دولت مکزیکی از یک سو جهت تأمین کسر بودجه به رشد پایه پولی روی آورد و از سوی دیگر همچنان سیاست کنترل نرخ ارز را در پیش گرفت، زمینه برای حمله سوداگران به بازار ارز و فروپاشی غیرقابل کنترل نرخ برابری را فراهم آورد. نسل دوم بحران، مولود "انتظارات سرمایه گذاران" است. نسل سوم، ناشی از کارکرد ضعیف و بیمار سیستم بانکی و مشکلات ناشی از آن است.

مهم ترین علل وقوع این عارضه اقتصادی برای ایران عبارتند از:

رشد شدید نقدینگی: گرچه رشد بیرویه نقدینگی از بیماریهای مزمن غالب دولتهای ایران است، اما جهت شدید چند سال اخیر هیچ سابقه و مانند تاریخی ندارد. میزان نقدینگی که در سال ۱۳۸۴ به ۶۷۰ هزار میلیارد ریال می رسید در سال ۱۳۹۰ به بیش از ۳۳۰۰ هزار میلیارد ریال رسید. یعنی به ازای هر ریال موجود در سال ۱۳۸۴، تنها در طول ۶ سال، ۴ ریال جدید به بازار وارد شد!

اصرار دولت بر ثبات مصنوعی نرخ ریال: در کشوری با جهش معنی دار رشد نقدینگی و تورم پایای دو رقمی، برخلاف تکلیف واضح برنامه چهارم در افزایش نرخ ارز متناسب با مابه التفاوت تورم محلی و جهانی، دولت بر ثبات مصنوعی نرخ ارز اصرار می ورزید. ارز در دنیای امروز یک کالا است که نمی تواند از تورم معاف فرض شود. این سیاست اشتباه سبب ذخیره پتانسیل جهش قدرتمندی در ارز شد.

وابستگی شدید اقتصاد ایران به واردات: به موازات کاهش میزان رابطه سیاسی ایران با بسیاری از قدرتهای اقتصادی دنیا، واردات کشور جهش صعودی شدید داشت. میزان واردات که در سال ۱۳۸۳ برابر با ۳۴/۵ میلیارد دلار بود، در سال ۱۳۸۹ به ۶۴ میلیارد دلار رسید. امروز اقتصاد ایران بسیار بیش از قدیم به واردات وابسته است.

بررسی التهابات و تاثیرات بازار ارز در جلسه اعضای انجمن

پنهان کاری راه حل نیست

اثرات آن بر بازار پسته ایران را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دادند. در پایان جلسه نیز به سوالات شرکت کنندگان پاسخ داده شد. نظر بر اهمیت موضوع، چکیده ای از گزارش هفته نامه استقامت در این رابطه که در شماره ۳۳۱ مورخ ۹۰/۱۱/۳۰ این نشریه به چاپ رسیده است جهت اطلاع اعضای انجمن ارائه می گردد.

دبیرخانه انجمن پسته ایران

در روز چهارشنبه ۹۰/۱۱/۲۶ اعضای انجمن پسته ایران در جلسه ای با موضوع "تحلیل نوسانات نرخ ارز بر بازارهای داخلی و خارجی پسته ایران" که به دعوت انجمن برگزار شد حضور یافتند. در این جلسه که پس از نوسانات شدید چند ماه گذشته نرخ ارز و به درخواست تعداد زیادی از اعضای انجمن پسته برگزار شد، آقای محسن جلال پور رییس هیات مدیره و آقایان سید محمود ابطی و مهدی آگاه اعضای هیات مدیره انجمن، وضعیت بازار ارز و

نشان می دهد که پس از افزایش قیمت های داخلی، پسته های لوکس (درجه یک) و پسته های درجه ۳ کم تر شاهد افت مصرف بودند، تا پسته های درجه ۲ که معمولاً توسط اقشار متوسط مصرف می شود. تاثیر نوسانات نرخ ارز بر بازار بین المللی پسته از نگاه آقای آگاه عضو هیات مدیره انجمن مهدی آگاه عضو دیگر هیات مدیره انجمن پسته ایران نیز در این نشست در خصوص اثر نوسان نرخ ارز بر بازار بین المللی پسته گفت: در عرصه بین المللی فقط قیمت است که عرضه و تقاضا را متعادل می کند و تغییر قیمت بین المللی پسته نیز خود مستلزم تغییر در میزان عرضه صادراتی و یا تغییر در میزان تقاضای جهانی پسته است.

آگاه تاکید کرد: تفاوت پسته با بسیاری از کالاهای دیگر در این است که افزایش قیمت داخل نمی تواند تا قریب ۱۰ سال موجب افزایش تولید گردد. لذا افزایش در عرضه پسته صادراتی در اثر تغییر نرخ ارز می تواند از محل کاهش مصرف داخلی تامین گردد. بر این اساس با توجه به ۱۵۰ هزار تن تولید سال جاری و ۳۰ هزار تن سهم مصرف داخل (معادل ۲۰ درصد تولید)، کاهش مصرف داخل به علت افزایش قیمت داخلی، نمی تواند بیش از ۵ هزار تن باشد. اگر مجموع صادرات ایران و آمریکا را در سال جاری حدود ۲۸۰ هزار تن بدانیم، میزان عرضه به علت افزایش نرخ ارز، به ۲۸۵ هزار تن خواهد رسید. یعنی افزایشی کم تر از ۲ درصد. بدیهی است که چنین افزایش ناچیزی در عرضه، نمی تواند موجب کاهش قیمت پسته در بازار بین المللی گردد.

ایشان در ادامه خاطر نشان کردند که در کوتاه مدت یعنی دوره ی چند روزه، نوساناتی در قیمت بین المللی به علت بی ثباتی نرخ ارز مشاهده گردید اما در میان و بلند مدت افزایش نرخ ارز به طور کامل به افزایش قیمت های داخلی منجر گردیده، و باغدار برنده ی اصلی خواهد بود. خوشبختانه تقاضا برای پسته در بازارهای بین المللی روزافزون بوده و منجر به قیمت های دلاری بالا برای این محصول شده است.

واردات کشور ۴۶ میلیارد دلار بود. به دلایل فوق بایستی اثرات روانی تحریم را نیز اضافه کرد که باعث شد بازار مصنوعی برای طلا و ارز ایجاد شده و نسبت تقاضا برای طلا و ارز در مقایسه با مدت مشابه سال قبل افزایش یابد. آقای جلال پور رییس هیات مدیره انجمن پسته ایران بر این نکته تاکید کردند که مسئولین بایستی واقعیت اثرات مخرب تحریم های استکبار جهانی را به مردم گوشزد نموده و مطمئن باشند که همان طور که در دوران دفاع مقدس ملت فداکاری کرد، هنوز هم آماده فداکاری است. باید اعلام شود که در حال جنگ هستیم. چرا که پنهان کاری راه حل مساله نیست.

تاثیر ارز بر بازار داخلی پسته از نگاه آقای ابطی عضو هیات مدیره انجمن

سید محمود ابطی با اشاره به این که آقای عزمی در سال ۱۳۴۰ میزان مصرف داخل را ۵ هزار تن اعلام کرده است، افزود: در سال ۱۳۶۲ سازمان برنامه، مصرف داخلی پسته را حدود ۱۵ هزار تن اعلام کرد و این عدد در سال ۱۳۷۶ به حدود ۳۵ هزار تن رسید. او با اشاره به قانون آدام اسمیت که می گوید آنچه که قیمت را مشخص می کند بازار است و این دست های نامرئی بازار است که سرنوشت همه چیز را به دست می گیرد، گفت: واقعیت این است که مصرف داخلی پسته چیزی حدود ۲۰ درصد تولید است. ابطی با بیان این که بازار آجیل در رکود است، گفت: قیمت بعضی از آجیل ها در اثر تغییر نرخ برابری دلار و ریال به شدت بالا رفته است. او با اعلام این که بیش ترین افزایش قیمت را در بادام هندی شاهد بودیم، گفت: بعد از بادام هندی بیش ترین افزایش را در قیمت پسته داشتیم. او با بیان این که پسته سلطان آجیل هاست، خاطر نشان کرد: وقتی پسته ارزان شود، سریعاً جایگزین آجیل های دیگر می شود و وقتی هم گران شود، تقاضا در بازار داخل به شدت حساسیت نشان می دهد. بر این اساس بررسی بازار داخلی در هفته های اخیر

دلایل جهش ارز از نگاه رییس هیات مدیره انجمن
 دو دسته عوامل در بروز این اتفاق نقش داشت. دسته اول عوامل استراتژیک است که مهم ترین عامل، نداشتن مدل توسعه اقتصادی است و دسته دوم دلایل ناشی از تصمیم گیری های اقتصادی و شرایط روز کشور مثل نقدینگی اضافی و تحریم ها و اثرات روانی تحریم هاست.

مهم ترین عامل استراتژیک، عدم تدوین یک سند اقتصادی کامل در ۳۲ سال گذشته است. در خصوص تصمیم گیری های غلط اقتصادی می توان مواردی بشرح زیر را برشمرد:
 از سال ۱۳۸۰، نرخ ارز، شناور مدیریت شده اعلام شد. قانون برنامه توسعه می گوید هر ساله بانک مرکزی باید نرخ تورم داخلی و خارجی را تفریق، و نرخ ارز را به همان میزان افزایش دهند، متأسفانه به دلیل عدم رعایت این قانون، نرخ ارز به فتر فشرده ای تبدیل شد که بانک مرکزی با شرایط پیش آمده توان کنترل آن را نداشت و فتر باز شد و با جهش قیمت ارز مواجه شدیم. طی سال های ۸۰ تا ۸۸، رشد ۲/۵ درصدی نرخ ارز را شاهد بودیم، در حالیکه تورم داخلی براساس آمار بانک مرکزی طی این مدت ۳۵۰ درصد بود.

طی سال های اخیر بویژه از سال ۱۳۸۴ به بعد، کل نقدینگی کشور از ۶۷۰ هزار میلیارد تومان به ۵ برابر در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. متأسفانه این نقدینگی به سمت تولید سوق داده نشده است در حالیکه بخش خصوصی کشور معتقد است، این نقدینگی باید به سمت تولید هدایت شود نه مصرف. در طرح هدفمندسازی یارانه ها نیز، یارانه ها به سمت مصرف سوق یافت که هم باعث افزایش نقدینگی شد و هم تولید به جهت عدم حمایت، کم رنگ شد.

توسعه واردات کشور با دلارهای نفتی یکی دیگر از اقدامات اقتصادی اشتباه بود. در سال ۸۹ که ۶۴ میلیارد دلار واردات کشور بود، دولت ۶۴ میلیارد دلار ارز فروخت، این در حالی است که در سال ۹۰ بانک مرکزی ۶۵ میلیارد دلار عرضه کرد، اما کل

گذشته تولید و تجارت پسته

تجرباتی نیازمند نقد

نمونه استانی انتخاب گردید. در ادامه بحثی که تحت عنوان «گذشته چراغ راه آینده» با آقای مهدی آگاه در ویژه نامه شماره ۶۵ داشتیم با ایشان به گفتگو نشستیم. آقای ابطی سخنان خود را توضیح بیشتر مطالبی می‌داند که در آن مصاحبه ارائه شده بود.

امید است سلسله مباحث و گفتگوهای انجمن با صاحبزنان پسته کشور به نقد تاریخ پر فراز و نشیب تولید و تجارت پسته کشور کمک نماید. بر این اساس انجمن از مشارکت همه فعالان در این مباحثات استقبال می‌نماید.

حمید فیضی

دبیرانجمن پسته ایران

محمود ابطی دانش آموخته اقتصاد از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰ خورشیدی است. رفسنجانی است و بهمین دلیل به زادگاه خود و مسائل آن علاقمند بوده و از دوره دانشجویی اطلاعاتی در مورد پسته جمع‌آوری کرده است. حاصل کار او تالیف دو کتاب است، او تاریخ اقتصادی رفسنجان را در سال ۱۳۷۲ و اقتصاد پسته را در سال ۱۳۸۵ منتشر کرده است. حدود ۱۵ سال در تعاونی تولیدکنندگان پسته رفسنجان که زمانی بزرگترین شرکت پسته ایران بود مسئولیت مالی داشت و هم اکنون به کار خرید و فروش پسته در داخل و خارج از کشور مشغول است و ضمناً عضو هیئت مدیره انجمن پسته ایران نیز هستند. او در سالهای ۸۷ و ۸۸ بعنوان صادرکننده

سياه بنابراین آیا می‌شود این طور گفت که افزایش سطح زیرکشت به دنبال افزایش تقاضا صورت گرفته است؟

چون از هنگامی که شخصی تصمیم بگیرد پسته کاری بکند تا زمانیکه به محصول برسد چند سال طول می‌کشد، تأثیر تقاضا بر عرضه پسته (یعنی بر تولید) مثل سایر محصولات کشاورزی نیست. اما به هر حال پسته به دلایلی مثل طعم عالی و بی نظیر آن، قابلیت نگهداری طولانی، زیبایی خود محصول و راحتی مصرف آن و ارزش غذایی بالا و ... هیچ وقت با مشکل کمبود تقاضا مواجه نشده است. در نتیجه در طی سالیان گذشته عرضه و تقاضا در کنار هم افزایش یافته‌اند. اما در چند نوبت افزایش سطح زیر کشت پسته از روال عادی خود خارج شده و افزایش زیادی یافته است.

سياه بنابراین ما در ارتباط با افزایش سطح زیر کشت با نقاط عطفی روبرو هستیم؟

بله. دقیقاً همین طور است که شما می‌فرمائید. ما در دو مقطع با نقطه عطف روبرو هستیم. یکی در اواخر دهه سی و اوایل دهه چهل و دیگری در دوران انقلاب.

در مقطع اول به دلیل ناگهان سطح زیر کشت افزایش یافت. اولاً چون باغات به موجب قانون اصلاحات ارضی شامل تقسیم نمی‌شدند، اراضی زیادی تبدیل به باغ شدند تا تقسیم نشوند. ثانياً بهره برداری از آبهای زیرزمینی توسط موتورهای آبکشی رواج یافت. تا قبل از آن آبهای زیر زمینی از طریق قنات‌ها استخراج می‌شدند. با این روش به سرعت و با هزینه کم، آب بدست آمد و اراضی زیادی زیر کشت پسته رفت. بطوریکه در اوایل دهه پنجاه تعداد واحدهای بهره برداری به حد

زعیم الله در رفسنجان هستیم. اشخاصی مثل ایشان نه تنها در رفسنجان بلکه در سطح ملی در شمار تجار بزرگ بودند، هنوز هم در رفسنجان شما می‌توانید آثار به یادگار مانده از آنها را مشاهده بفرمائید. در منابع تاریخی معتبری این مطالب آورده شده است.

من اگر بخواهم همه آنها را شرح بدهم قصه طولانی می‌شود. همین قدر بگویم که در آن دوره به قول قدما قیمت املاک رفسنجان یک به ده افزایش یافت، بزرگران این بلوک (رفسنجان) اغلب حاجی شدند و ... به ویژه رفسنجانی‌ها در زمان جنگهای داخلی آمریکا (۱۸۶۵-۱۸۶۰ میلادی) سود سرشاری از راه تجارت و تولید پنبه بدست آوردند.

در آن زمان نساجی صنعت مهمی بود، آمریکا منبع تامین ماده اولیه کارخانجات نساجی بود اما در طول چند سال جنگهای داخلی، تولید پنبه در آمریکا متوقف شد. در نتیجه قیمت پنبه حدود ده برابر افزایش یافت و سرمایه زیادی در مناطق پنبه خیز از جمله رفسنجان تمرکز یافت.

بعد از اینکه جنگهای داخلی آمریکا تمام شد پنبه دیگر رونق سابق را نداشت. اما حالا دیگر تجارت خارجی به حدی توسعه یافته بود که کالای صادراتی مثل پسته امکان یافته بود که به بازارهای جهانی راه یابد. می‌دانیم پسته کاری نیاز به سرمایه اولیه کافی دارد و این جزئی از طبیعت پسته است. همانطور که عرض شد در رفسنجان سرمایه اولیه کافی وجود داشت.

اگر بخواهم خلاصه بگویم، وجود سرمایه اولیه کافی، زمین مناسب برای کاشت پسته و نامناسب برای کاشت سایر محصولات و رونق تجارت خارجی روی هم رفته باعث شدند رفسنجان مرکز تولید پسته ایران بشود.

سياه گفته می‌شود تولید پسته در ایران وقتی افزایش یافت که مردم فهمیدند برای پسته بازار وجود دارد، به نظر شما آیا اول تولید افزایش یافت و به دنبال آن بازار به وجود آمد یا این رابطه برعکس بوده است؟

پسته یک محصول کشاورزی است و تولید و مصرف آن قدمت بسیار زیادی دارد. قطعاً می‌توان گفت پسته از زمانهای بسیار دور در ایران مصرف می‌شده است و لااقل از ۵۰۰ سال گذشته به این طرف کمابیش صادر هم می‌شده است. اما از قرن نوزدهم به دنبال صنعتی شدن اروپا، تجارت جهانی به وضع جدیدی مطرح شد. اروپایی‌ها در جستجوی بازار برای کالاهایی بودند که بصورت انبوه تولید می‌شد. از آن زمان بود که تجارت جهانی توسعه اساسی یافت و آن دسته از محصولات ایران که قابلیت داشتند به طور جدی وارد بازار جهانی شدند.

پسته جزء محصولاتی بود که این قابلیت را داشت. بهمین خاطر از آن به بعد تولید آن بطور عمده نه برای مصرف تولیدکننده بلکه برای عرضه در بازار مطرح شد و در فاصله زمانی نسبتاً کوتاهی رفسنجان مرکز تولید پسته ایران شد. من نمی‌خواهم وارد جزئیات تاریخی بشوم اگر علاقمند باشید جزئیات را بدانید می‌توانید به نوشته‌های من مراجعه بفرمائید، من این حرف‌ها را مفصل و مستند نوشته‌ام.

سياه چرا رفسنجان مرکز پسته ایران شد؟

می‌دانیم رفسنجان، در میان مناطق قدیمی پسته ایران مثل دامغان، قزوین و ... در تولید پسته سابقه کمتری دارد. تقریباً تا اواخر قرن نوزدهم در رفسنجان بیشتر پنبه کشت می‌شده و تجارت آن بسیار رونق داشته است. در آن دوران ما شاهد وجود تجار بزرگی مثل حاج آقا علی

ممکن است شما بگویید زیاده روی کردند و باعث شدند قیمت بیش از حد بالا رود و سطح زیر کشت افزایش یابد. این بحثی جدی است. اما در بازار آن روز عرضه و تقاضا مطرح نبود. در آن بازار، مسایل همه سیاسی بودند.

سیاه بهتر نیست بگوییم توسعه بی رویه؟ آیا فکر نمی کنید این توسعه بی رویه منجر به هجوم کشاورز به منابع آب شد و این آثاری که الان می بینید مثلا نابودی منابع آب نتیجه آن باشد؟

بله. من توسعه بی رویه را تایید نمی کنم اما کارکرد تعاونی را باید در دو مرحله ببینید. یک مرحله چند سال اول بعد از انقلاب تا سال ۶۵ که با سیاستی که دولت داشت که صادرات اساساً یک کار غلطی است، با پیمان ارزی و نرخی که برای صادرات گذاشت و عملاً صادرات را غیر ممکن کرده بود، عملاً نیاز به کسی داشتید که بتواند این کارها را انجام بدهد. نقش تعاونی در این مقطع ارزنده بود. اگر تعاونی نبود اصولاً پسته از بین رفته بود.

سیاه اما عملاً در عرضه و تقاضا دخالت کردند؟

بله. شرایط خاصی بود. اقتصاد شرایط عادی نداشت.

اگر از پسته حمایت نمی شد احتمالاً درختهای پسته تبدیل به یک چیز دیگر می شدند. در آن دوره اقدامات تعاونی نه تنها باعث شدند که درختهای پسته از بین نروند بلکه باعث توسعه کشت پسته نیز شدند. بعدها به تدریج اشخاص جدیدی در بخش خصوصی بوجود آمدند. این نکته را هم یادآوری بکنیم که تعاونی هیچگاه انحصار کامل پسته را در دست نداشته است. در سال های بعد از انقلاب بطور متوسط ۵۰ درصد و فقط در یک سال ۷۰ درصد پسته توسط تعاونی صادر شده است.

آن موقع صادر کنندگان طرفدار تعاونی بودند زیرا تعاونی یک چتری بالای سر آنها بود. صادرکنندگان چون نقدی خرید می کردند می توانستند ۴۰ تا ۵۰ دلار کمتر از قیمت تعاونی بفروشند و سود خوبی هم ببرند.

سیاه فکر نمی کنید اگر می خواست توسعه ای اتفاق بیفتد باید بر اساس بازار عرضه و تقاضا می بود؟

بازار اروپا به دلیل همین سیاست تعاونی توسعه پیدا کرد. اگر سیاست توسعه بازار را در اروپا بد بدانیم، سیاست تعاونی هم بد بوده است. این که بازار اروپا به این شکل درآمد تبعات کار تعاونی بود.

بعد از انقلاب اغلب صادرکنندگان قدیمی یا نبودند یا اینکه در شرایطی نبودند که پسته صادر کنند. تب خودکفایی همه را فرا گرفته بود و اصولاً صادرات را کار شایسته ای نمی دانستند. مسئولین نگران بودند که از راه صادرات خروج سرمایه صورت بگیرد. پیش از انقلاب چند شرکت وجود داشتند که پسته صادر می کردند. شرکت صادرات پسته ایران، شرکت تعاونی، شرکت پارس و... از میان اینها یک شرکت، تعاونی و بقیه خصوصی بودند. در شرایطی که شرکت های خصوصی از کار مانده بودند، این شرکت تعاونی بود که سهامداران آن تعداد زیادی از مردم بودند و مدیران آن می توانستند علاوه بر مقبولیت عام مورد قبول مسئولین مملکتی هم باشند. بنابراین کاملاً طبیعی بود که این شرکت فعال مایشاء پسته ایران بشود و همینطور هم شد.

در آن زمان دولت برای جلوگیری از خروج ارز مقررات سختی وضع کرد. این مقررات تا سالها ادامه داشت و مرتباً تغییر یافت. شرح آن بسیار مفصل و خود مطلبی جداگانه است. اما هرچه که بود در آن شرایط و با آن مقررات فقط شرکتی مثل تعاونی می توانست فعال باشد که کار آن، هم مورد تأیید مسئولین مملکتی باشد و هم، مردم به آن اعتماد داشته باشند.

سیاه در آن سالها قیمت پسته در بازار داخلی هم رشد قابل توجهی یافت. چطور این اتفاق افتاد؟

در آن سالها تعاونی قیمت پسته را تعیین می کرد. سوال این بود که پسته را باید با چه قیمتی خرید. در سال اول قیمتی که تعاونی برای پسته تعیین کرد، مورد قبول اتحادیه خشکبار نبود، آنها قیمت را زیاد می دانستند.

قیمتی که تعاونی در سالهای اول می گذاشت همیشه از قیمت بازار روز بالاتر بود. تعاونی اصلاً بحثش این نبود که پسته در بازار جهانی به چه قیمتی فروش می رود. می گفتند تولید پایین تر از این قیمت صرف ندارد. دیگران می گفتند که با این قیمت هایی که شما گذاشته اید نمی توانید پسته ها را بفروشید. مدیران تعاونی ایستادگی کردند و گفتند نه. همین است که ما می گوییم.

در سال های اولیه پس از انقلاب پسته چندان هم صادر نمی کردند. وامهای کلان می گرفتند و پسته را انبار می کردند اما نمی توانستند صادر کنند. عملاً صادرات پسته از سال ۶۵ به بعد شروع شد. اگر تعاونی خدمتی به پسته کرده باشد که به نظر من کرد و باعث شد که پسته نابود نشود، همین جا بود. تعاونی با نفوذی که داشت نگذاشت قیمت پسته پایین برود.

اشباع رسید و منطقه ممنوعه شد. این وضع ادامه داشت تا اینکه در آستانه انقلاب و چند سال بعد از آن که ادارات ذریبط از کارکرد خود بازمانده بودند، دوباره تعداد زیادی واحد کشاورزی ایجاد شد و ناگهان سطح زیر کشت افزایش فوق العاده یافت.

سیاه در آن سالها پسته به چه مقاصدی صادر می شد؟

به استناد آنچه مرحوم جمال زاده در گنج شایگان می گویند، در اوایل قرن میلادی گذشته اگر خشکبار ایران را پنج قسمت بکنیم؛ چهار قسمت آن به روسیه و یک قسمت آن به هندوستان صادر می شده است. به عبارتی قسمت عمده خشکبار به روسیه صادر می شده است.

بعد از انقلاب ۱۹۱۷ بلشویکی در روسیه، معلوم است که روسیه دیگر نمی توانسته خریدار پسته ایران باشد. بنابراین از همان سالها پسته ایران به دنبال بازار جدید بود. این بازار می توانست آمریکا باشد و همین طور هم شد.

اینجا لازم است چند نکته را عرض بکنم. یکی اینکه شواهدی وجود دارد که در آن سالها مقداری از پسته ایران به کشورهای عربی (به مرکزیت بیروت) صادر می شده است. نکته دیگر اینکه پسته بیشتر از مرکز (تهران) صادر می شده است تا مناطق پسته خیز. تا آنجا که می دانیم در اوایل سال های ۱۳۰۰ از مناطق پسته خیز بطور مستقیم دونفر پسته صادر می کرده اند. یکی مرحوم غلامرضا آگاه که خود تولید کننده و صادرکننده و ساکن منطقه پسته خیز هم بوده اند و دیگری شخصی ارمنی بنام آقای دکتر "دیگران آغاجانیان" که به رفسنجان می آمد و از آنجا بیشتر برای شرکت اطمینان بطور مستقیم پسته به آمریکا صادر می کرد. نکته آخر اینکه صادرات پسته حجم چندان هم نداشته است. براساس آمار موجود در آن سالها حدود ۵۰۰ تن پسته در سال صادر می شده است. این وضعیت کمابیش تا زمان انقلاب ادامه پیدا کرد و هر چه تولید افزایش یافت بازار آمریکا به راحتی آن را جذب کرد.

پس از انقلاب وضعیت تغییر یافت. پسته ایران راهی بازار اروپا شد. چگونگی آن را جناب آقای آگاه توضیح کافی و روشن داده اند. نکته ای که من می توانم اضافه کنم این است که شرح بیشتری بدهم راجع به اینکه پسته از ایران در چه شرایطی و به چه صورتی صادر می شد و اینکه تعاونی چه نقشی داشته است.

سیاه بعد از انقلاب چه تغییراتی در صادرات پسته اتفاق افتاد؟

ملاحظات در آمار صادرات غیر نفتی کشور

محسن جلال پور

نایب رییس اتاق ایران و رئیس هیأت مدیره انجمن پسته ایران

در تمامی قاره های دیگر افت ۱۰ تا ۴۸ درصد را تجربه کرده ایم. تعداد مقاصد از ۱۶۶ کشور در سال ۸۸ به ۱۵۵ کشور در سال ۸۹ کاهش یافته و تنوع کالاها از ۳۳۲۷ کالا به ۳۰۶۷ کالا کاهش یافته است.

بی تردید بخشی از این عقب نشینی از تاثیرات مضایق دشمنی است. اما در این باب نیز محتاج بررسی و یافتن راهکار هستیم.

پنجم. چهار کشور چین، عراق، امارات و هند مجموعاً ۵۵ درصد صادرات کشور را جذب می کنند. ۱۰ کشور اول مقاصد روپهم ۷۸ درصد صادرات ما را جذب می کنند. این وابستگی به ۱۰ کشور اول نسبت به سال ۸۹، رشد ۳۸ درصدی داشته است. بی تردید تمرکز مقاصد صادراتی برای یک اقتصاد رو به رشد خبر خوبی نیست. باید علل این روند منفی، رسیدگی و برایش چاره جویی شود. در پایان بار دیگر تاکید می کنم که جهش صادراتی ایران نشان داد ما می توانیم تولید و صادراتی در کلاس جهانی داشته باشیم. این خبر که صادرات غیر نفتی از مرز ۴۱ میلیارد دلار گذشته و ما جزء ۲۵ کشور اول صادرکننده شده ایم، بی تردید باعث خوشحالی و مباهات است.

باید دست به دست هم داد و با مطالعه و تدبیر بیشتر و کار سخت تر و سخت تر و رفع بیش از پیش موانع، برای تداوم رشد، بالندگی و رقابتی شدن تولید و صادرات تلاش کرد.

دست بنگاه های مردمی است. پس فضای صادرات هم از فضاهایی است که باید اجرای اصل ۴۴ و ریل گذاری جدید اقتصاد رهبری را در آن جدی گرفت. علل ضعف حضور مردم در تولید صادراتی باید مورد بررسی و درمان قرار گیرد.

سوم. بعضی از بخشهای صادراتی که در آن مزیت رقابتی داشته ایم، علائم خطرناکی نشان می دهند. فرش با ۵ درصد افت نسبت به مدت مشابه سال قبل، تنها ۵۷ درصد اهداف ۱۰ ماهه را عملی کرده است. کشاورزی، با ۱۲ درصد افت نسبت به مدت مشابه سال قبل، تنها ۷۴ درصد اهداف ۱۰ ماهه را محقق کرده است. معدن با ۱۶ درصد افت نسبت به مدت مشابه سال قبل، تنها ۷۲ درصد اهداف ۱۰ ماهه را محقق کرده است. صنعت گرچه نسبت به سال گذشته رشد داشته اما نسبت تحقق اهدافش ۸۱ درصد است.

واقعیت آن است که اگر رشد قیمت نفت در میعانات و پتروشیمی نبود، عدد کلی رشد صادرات افت جدی داشت.

در کشاورزی و فرش بخش بزرگی از مشکل را باید در رقابتی نبودن تولید ملی و مشکلات ساختاری جستجو کرد. به هر حال افت در این بخشهای مهم محتاج رسیدگی و بررسی است.

چهارم. باید به ترکیب صادرات و بالاخص ماتریکس مقاصد هم دقت نمود.

درحالیکه رشد صادرات ما به آسیا ۲۹ درصد بوده،

صادرات غیر نفتی ایران در ۱۰ ماه اول سال ۱۳۹۰ با احتساب میعانات گازی و پتروشیمی به رقم ۳۵/۲ میلیارد دلار رسید. بدین ترتیب به احتمال زیاد، هدف گذاری ۴۱ میلیارد دلاری سال ۱۳۹۰ محقق خواهد شد. اگر بیاد بیاوریم که ۱۰ سال پیش این رقم به ۴/۵ میلیارد دلار هم نمی رسید متوجه کار بزرگی که به وقوع پیوسته خواهیم شد. این ثمره تلاش مشترک تولید کنندگان، بازرگانان و حاکمیت ایران اسلامی است.

تداوم این حرکت مبارک ملی، بالاخص در دورانی که کشور ما در معرض فشار دشمنان قرار دارد محتاج تلاش دوچندان، تیزبینی و تدبیر است. ضمن تبریک این پیروزی و احترام به دستاوردهایمان مایلیم برخی نقاطی را که در این حرکت باید مورد آسیب شناسی قرار گیرد را بشرح زیرمورد توجه قرار دهم:

اول. گرچه تحقق آمار ۱۰ ماهه با احتساب میعانات گازی ۱۰۳ درصد و از هدف گذاری ۱۰ ماهه برنامه جلوتر است اما بدون احتساب میعانات، میزان تحقق هدف فقط ۸۶ درصد است.

در سال های اخیر این از معدود مواردی است که از تحقق برنامه کمی عقب افتادیم. همیشه با فاصله زیاد جلو بودیم. میزان تحقق صادرات بدون میعانات در برنامه چهارم ۱۴۹ درصد، در سال ۸۸ معادل ۱۶۶ درصد و در سال ۸۹ معادل ۱۸۶ درصد بوده است. عدد ۸۶ درصد ده ماهه ۹۰ محتاج رسیدگی است. علل این عقب نشینی باید مورد بررسی و درمان قرار گیرد.

دوم. تقریباً تمام تولید میعانات و پتروشیمی صادراتی یعنی ۸/۵ و ۱۱/۷ میلیارد دلار در بنگاه های دولتی و شبه دولتی بعمل می آید. می شود گفت بخش بزرگی از تولید مربوط به صنعت (۹/۸ میلیارد دلار) و معدن (۱/۸۵ میلیارد دلار) نیز متعلق به همین بنگاه هاست. اگر این تعریف را بپذیریم که بنگاه غیردولتی بنگاهی است که بخش دولتی یا نهاد ها، قدرت تعیین مدیر آن را ندارند، درمی یابیم که سهم بخش غیردولتی و غیرعمومی (یعنی سهم مردمی که بصورت خصوصی و تعاونی در تولید حضور دارند) در تولید صادراتی ایران به زحمت به ۱۰ میلیارد دلار می رسد. اگر به لیست ۱۰ کالای اصلی صادراتی توجه شود ملاحظه می گردد که ۸ قلم یعنی، سایر میعانات گازی، پروپان، متانول، پلی اتیلن، بوتان، کوداوره و قیر در دست بنگاه های دولتی و فقط پسته و زیورآلات در



آمار صادرات پسته در بهمن ماه ۱۳۹۰

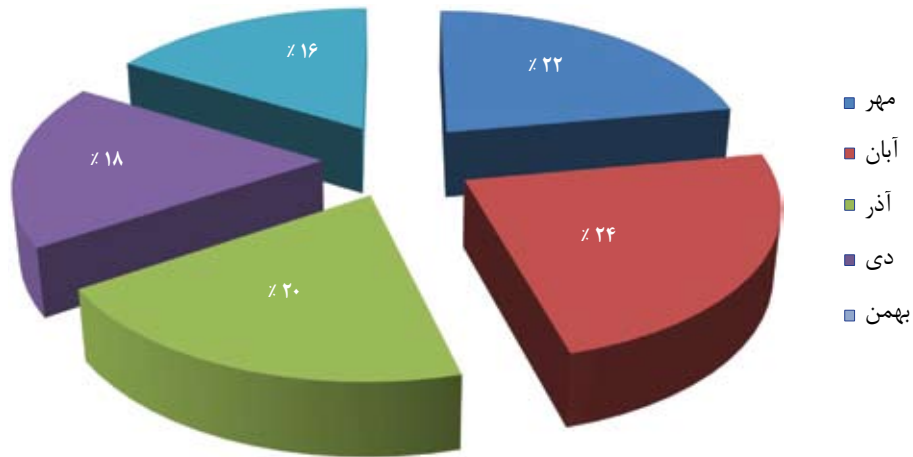
- براساس آخرین آمار منتشره گمرک جمهوری اسلامی ایران، در بهمن ماه ۱۳۹۰ مقدار ۱۲۲۳۴ تن انواع پسته صادر گردیده است.
- این میزان صادرات نسبت به بهمن ماه ۱۳۸۹ با ۹۴۶۷ تن صادرات، ۲۹ درصد رشد نشان می دهد. جمع صادرات ۵ ماهه مهر تا بهمن سال ۱۳۹۰ برابر با ۷۴۰۸۳ تن بوده که نسبت به مدت مشابه سال ۱۳۸۹ با ۱۰۰۷۶۱ تن، ۲۶ درصد کاهش داشته است. بیشترین کاهش صادرات در بازار های شرق دور و برابر با ۴۴ درصد بوده است.
- پس از آن شبه قاره هند با ۳۰ درصد کاهش، و شمال آفریقا و بازارهای صادرات مجدد نیز هر یک با ۷ درصد کاهش صادرات، قرار دارند. در مقابل، مقدار صادرات به اروپا بدون تغییر بوده و صادرات به کشورهای مشترک المنافع نیز ۱۴ درصد رشد داشته است.
- علیرغم کاهش مقدار صادرات ۵ ماهه نسبت به دوره مشابه سال قبل، سهم صادرات به مقاصد مختلف، وضعیت متفاوتی به شرح زیر را نشان می دهد:
- صادرات به شرق دور، از ۵۴ درصد سهم در سال ۸۹ به ۴۱ درصد سهم در دوره مشابه سال ۹۰ رسیده است.
 - سهم صادرات به بازارهای صادرات مجدد از ۱۲ درصد به ۱۱ درصد افزایش یافته است.
 - سهم خاورمیانه از کل صادرات ۵ ماهه از ۸ درصد در سال ۸۹ به ۱۰ درصد در سال ۹۰ رسیده است.
 - سهم صادرات به شبه قاره هند از ۶ درصد به ۵ درصد کاهش داشته است.
 - از کل صادرات پنج ماهه، ۵۸۸۳۱ تن (معادل ۷۹ درصد) انواع پسته خندان، ۵۹۴۶ تن (معادل ۸ درصد) انواع پسته ناخندان، ۵۳۷۶ تن (معادل ۷ درصد) مغز پسته، ۸۹۹ تن (معادل ۱/۲ درصد) مغز سبز پسته و ۳۰۳۲ تن نیز دیگر انواع پسته بوده است.
 - مهمترین مقاصد صادرات پسته ایران در دوره ۵ ماهه مورد بحث، کشورهای شرق دور با ۳۰۲۵۷ تن (معادل ۴۱ درصد)، بازارهای صادرات مجدد با ۱۱۱۴۹ تن (معادل ۱۵ درصد)، کشورهای مشترک المنافع با ۱۰۱۵۱ تن (معادل ۱۴ درصد)، ۱۵ کشور اصلی عضو اتحادیه اروپا با ۸۴۳۹ تن (معادل ۱۱ درصد) و کشورهای خاورمیانه با ۷۵۷۱ تن (معادل ۱۰ درصد)
- سهم صادرات به بازارهای صادرات مجدد از ۱۲ درصد به ۱۱ درصد کاهش یافته است. ۵ ماهه مورد بحث کمترین صادرات در ماه بهمن انجام شده است. در مقابل بیشترین صادرات این دوره در آبان ماه انجام شده است.
- بررسی وضعیت صادرات به بازارهای مختلف در ماههای مختلف این دوره بیانگر نکاتی به شرح زیر است:**
- بیشترین مقدار صادرات به شرق دور، درمهرماه و کمترین آن در آذرماه بوده است.
 - در بازارهای صادرات مجدد، بیشترین صادرات در ماه آذر و کمترین آن در مهرماه ثبت شده است.
 - سومین مقصد مهم پسته ایران کشورهای مشترک المنافع بوده است. بیشترین صادرات به این مقصد در آذرماه و کمترین آن در دی ماه اتفاق افتاده است.
 - صادرات به ۱۵ کشور اصلی عضو اتحادیه اروپا در آذرماه بیشترین مقدار را داشته است. کمترین صادرات به این مقاصد در مهرماه بوده است.
 - میزان صادرات به کشورهای خاورمیانه تقریباً با یک روند منفی از مهر تا بهمن کاهش یافته است. بیشترین کاهش حدود ۵۰ درصد و در فاصله ماههای بهمن و دی اتفاق افتاده است.

مهمترین مقاصد صادرات پسته ایران در ماههای مهر تا بهمن سال محصولی ۱۳۹۰

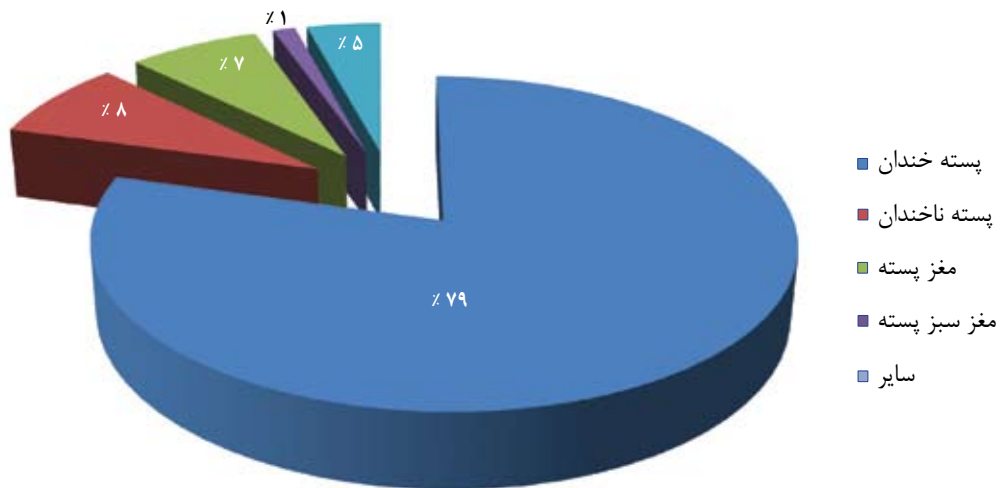
واحد: تن

ماه	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	جمع
شرق دور	۹۰۶۵	۸۲۵۳	۳۶۶۴	۴۶۸۲	۴۵۹۴	۳۰۲۵۷
بازارهای صادرات مجدد	۱۴۲۱	۱۹۷۰	۲۹۳۷	۲۵۰۵	۲۳۱۶	۱۱۱۴۹
کشورهای مشترک المنافع	۱۶۷۱	۲۶۸۶	۲۸۱۶	۱۲۵۰	۱۷۲۸	۱۰۱۵۱
۱۵ کشور اصلی عضو اتحادیه اروپا	۱۱۶۹	۱۵۴۳	۲۲۵۱	۱۹۶۱	۱۵۱۶	۸۴۳۹
خاورمیانه	۲۲۰۳	۱۵۴۳	۱۵۹۳	۱۴۷۳	۷۵۸	۷۵۷۱
شبه قاره هند	۷۷۸	۸۷۵	۸۷۶	۷۲۳	۷۳۳	۳۹۸۵
شمال آفریقا	۳۸	۲۷۲	۳۰۷	۱۵۹	۲۰۳	۹۷۹
سایر	۱۲۵	۳۳۶	۳۶۸	۳۳۷	۳۸۶	۱۵۵۲
جمع	۱۶۴۷۰	۱۷۴۷۸	۱۴۸۱۲	۱۳۰۹۰	۱۲۲۳۴	۷۴۰۸۳

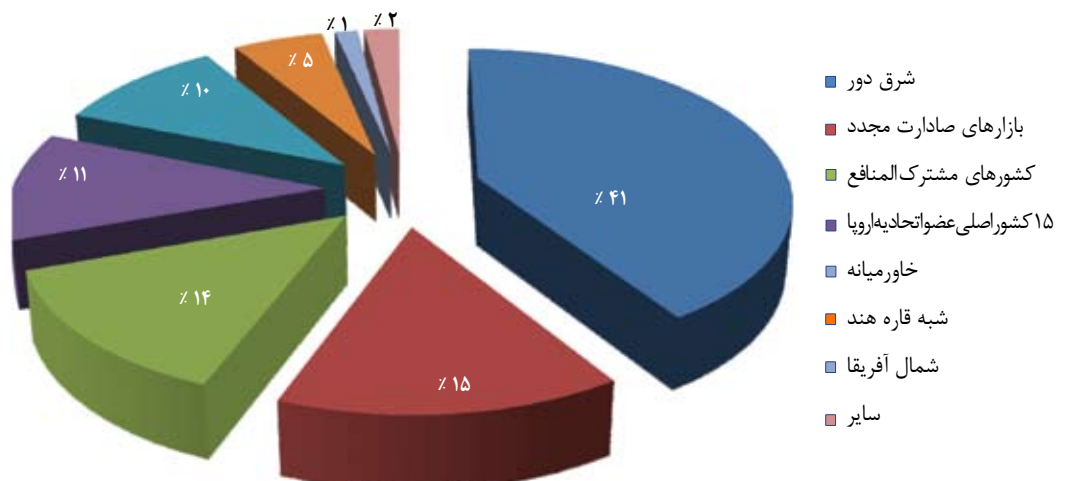
سهم ماههای مختلف در صادرات دوره پنج ماهه مهر تا بهمن سال محصولی ۱۳۹۰



سهم صادرات انواع پسته در دوره پنج ماهه مهر تا بهمن سال محصولی ۱۳۹۰



مهمترین مقاصد صادراتی پسته ایران در دوره پنج ماهه مهر تا بهمن سال محصولی ۱۳۹۰



بازخوانی تاریخ پسته کشور بازارهایی که از دست رفت

پسته ایران بهانه ای شد تا بخشی از تاریخ تحولات صادرات پسته ایران را با ایشان مرور نماییم. در این گفتگو بارها از پیشکسوتانی که در ایجاد بازار پسته ایران نقش داشته اند به نیکی یاد می کند و تأکید دارند که: "کسانی که امروز در کار پسته فعالیت دارند باید بدانند که این افراد چه زحماتی برای پسته کشیدند و چه خدماتی داشتند." امید است مجموعه گفتگو های ویژه نامه پسته با فعالان و پیشکسوتان صنعت منجر به بازخوانی بخشی از تاریخ پسته کشور گردد.

حمید فیضی
دبیر انجمن پسته ایران

علی اکبر طاووسیان تاجر خود ساخته ایست که از ۱۶ سالگی وارد فضای کسب و کار و تجارت در بازار تهران گردید. ابتدا با مرحوم حاج مصطفی یزدی زاده که در تجارت خشکبار و بویژه گردو فعال بود، کار خود را شروع کرد. چند سال بعد و در ۱۵ مرداد ۱۳۳۹ خورشیدی به شرکت صادراتی پسته ایران، که تازه تأسیس شده بود، پیوست و تا سال ۱۳۵۷ و به مدت ۱۸ سال در تجارت پسته با این شرکت همکاری کرد و پس از جدایی از شرکت، تاکنون و به مدت ۳۳ سال است که به عنوان حق العمل کار در بازار تهران مستقیماً در کار تجارت پسته فعال هستند. حضور ایشان در شرکت صادراتی



پسته ایران هستند. بازار آمریکا بازار باارزشی است. با اینکه من دیگر در کار صادرات نیستم اما اگر باب آن باز شود وارد میدان می شوم.
Sina شرکت صادرات پسته ایران چند برند هم معرفی کرد.

بله. شرکت در راستای تبلیغ برای پسته دو برند آپادانا و آریا را معرفی کرد که در یکی پسته فندق مرغوب و در دیگری پسته بادامی اعلاء بسته بندی می کرد. این دو نوع بسته بندی در ابتدا به عنوان کادو و هدیه به سفارتخانه ها، شرکتهای خارجی و حتی دربار ارسال می گردید. بعداً شرکت، ماشین آلات برشته کنی و بسته بندی سلوفان و وکیوم را از یک شرکت آمریکایی خریداری نمود و این نوع بسته بندی را به بازار داخل و خارج ارائه کرد. از جمله به مقدار محدود به کشورهای دیگر به ویژه انگلیس نیز صادر کرد. ولی در این زمینه توفیق چندانی نداشت و بعداً این ماشین آلات را به شرکت کشت و صنعت جیرفت فروخت.

Sina چرا صادرات این برندها به مقدار محدود انجام می شد؟

کلاً صادرات پسته شور و فرآوری شده در خارج چندان مشتری ندارد، به دلیل ذائقه مصرف کنندگان، که در هر کشوری مردم ذائقه خود را دارند. تعرفه واردات پسته شور و فرآوری شده هم بالا است. دلیل دیگر آن است که شرکتهای خارجی هم به دنبال این هستند که ارزش افزوده این کار را نصیب خودشان کنند.

Sina سابقه شرکت در بازار اروپا به چه سالهایی بر می گردد؟

درست یادم هست که تقریباً ۵ سال پس از آمدن من به شرکت صادرات پسته ایران در حوالی سال ۱۳۴۴ خورشیدی، شرکت، مرحوم آقای ایرج آگاه را که در

جنگ جهانی دوم برمی گردد. در آن زمان بازرگانان سوری از شهر حلب مقدار کمی از این محصول را به آمریکا صادر می کردند. من بر این باور هستم که سربازان آمریکایی که در زمان جنگ جهانی دوم به منطقه و ایران آمده بودند در بازگشت به کشورشان پسته ایران را به عنوان سوغات و ره آورد سفر به آمریکا می بردند و با آشنایی بعضی اشخاص با این محصول، تقاضا برای خرید پسته ایران آغاز شد.

شرکت صادرات پسته ایران از همان ابتدای امر، شعبه ای در نیویورک به مدیریت آقای علی اکبر امین تأسیس کرد که کار بازاریابی و تماس با مشتریان و فروش پسته را پیگیری می کردند. شرکتهای خریدار پسته ایران در آمریکا عمدتاً عبارت بودند از: شرکت برادران زالوم (Zaloom Brothers)، شرکت پسته جرمک (Germak Pistachio)، شرکت فیستا (Fiesta Co.) و ایندیران (Indiran Co.) و در آستانه انقلاب شرکت پارامونت هم از ایران پسته می خرید. در آن زمان ۹۰ درصد صادرات پسته ایران به آمریکا توسط شرکت صادرات پسته ایران انجام می شد.

Sina میزان تولید و صادرات ایران در آن سالها چقدر بود؟

فکر میکنم در اوایل دهه ۴۰ تولید پسته حدود ۵۰۰ تن بود که در آستانه انقلاب به ۲۴۰۰۰ تن رسید. میزان صادرات شرکت در آستانه انقلاب حدود ۱۲ هزار تن بود که ۹۰ تا ۹۵ درصد آن به آمریکا صادر می شد.

Sina رقم قابل توجهی است. فکر می کنید پسته ایران هنوز در ذهن آمریکایی ها باشد؟

بله. به طور قطع. من معتقدم هنوز کسانی هستند که دوست دارند پسته ایران را مصرف کنند. من مطمئنم اگر شرایط فراهم شود آمریکایی ها متقاضی

Sina شرکت صادرات پسته ایران از شرکتهایی است که گفته می شود در ایجاد بازار جهانی پسته ایران نقش مهمی داشته و در این زمینه پیشتاز بوده است، شما به عنوان یکی از قدیمی ترین افرادی که با این شرکت کار می کردید چه سابقه ای از این موضوع دارید.

بعد از جنگ جهانی دوم در استان کرمان اقدام به باغ ریزی و توسعه سطح زیر کشت پسته شد. در این راستا می توان گفت مرحوم حاج غلامرضا آگاه پیشتاز این امر و مشوق و راهنمای دیگر افراد در انجام این کار بودند. با توسعه روزافزون باغات پسته، تولید آن از مصرف داخلی فراتر رفت و باغداران را بر این داشت تا به فکر صادرات آن به خارج از کشور بیفتند.

در بدو امر چند خانواده از باغداران که بعضاً در امر تجارت هم فعالیت داشتند هر کدام به طور جداگانه ولی به مقدار کم شروع به صادرات این محصول کردند. پس از مدتی این خانواده ها تشخیص دادند که اگر به صورت متشکل این کار را ادامه دهند به سود آنها خواهد بود. لذا در سال ۱۳۳۸ خانواده های آگاه، مرشد، برخوردار و امین شرکتی به نام شرکت صادرات پسته ایران تأسیس نمودند که مدیریت آن را مرحوم جواد مرشد که به حق می توان ایشان را پدر پسته ایران لقب داد، عهده دار شدند.

Sina همکاری جنابعالی با این شرکت از چه زمانی شروع شد؟

من در ۱۵ مرداد ۱۳۳۹ به این شرکت پیوستم.

Sina سابقه صادرات شرکت به آمریکا به چه زمانی برمی گردد؟

فکر میکنم آشنایی آمریکایی ها با پسته به قبل از

شعبه نیویورک فعالیت داشتند به هامبورگ فرستاد تا در آنجا اقدام به بازاریابی کند. برای این کار پسته فندقی مرغوب و درجه یک در ایران برشته می شد و در محموله های ۵ تنی فله با هواپیما به هامبورگ ارسال می شد. آقای آگاه آنها را در بسته های ۳۰ گرمی سلوفان در اروپا بسته بندی می کرد و به صورت رایگان در فروشگاهها قرار می داد تا مردم با پسته ایران آشنا شوند.

این اقدام چه تأثیری در توسعه بازار اروپا داشت؟

خیلی مؤثر بود. اگر چه این کار به تدریج انجام شد اما اروپایی ها اصلاً پسته را نمی شناختند. آقای آگاه زحمات زیادی کشیدند. به عقیده من کسانی که امروز در کار پسته فعالیت دارند باید بدانند که باز شدن این بازار بر روی پسته ایران به ابتکار شرکت پسته صادرات ایران و با فعالیت و فداکاری مرحوم آقای ایرج آگاه انجام گردیده است. پس از اقدامات آقای آگاه و آشنا شدن برخی از مصرف کنندگان آلمانی با پسته ایران، فردی به نام مالینوفسکی (Malinowski) در هامبورگ اولین خریداری بود که اقدام به خرید پسته از شرکت نمود و شرکت های دیگر نیز بعداً خریدار پسته و مغز پسته ایران شدند. البته باید بگویم که مرحوم آقای غلامرضا آگاه بنیانگذار این حرکت بودند و قبل از جنگ جهانی دوم به اروپا سفر کردند و فعالیتهایی برای شناساندن پسته به اروپائیان نمودند و پسته را به عنوان هدیه به شخصیت های اروپایی ارائه می کردند. گفته می شود حتی برای تبلیغ، آن را برای هیتلر هم فرستاده بود. اینکه به دست او رسید یا نه نمی دانم.

آیا به کشورهای دیگر هم صادرات می کردید.

در سال ۱۹۶۵ در یک نوبت ۵ تن پسته به شرکتی به نام گوشو (Gosho) در ژاپن صادر شد و مورد قبول واقع شد. این فعالیت ادامه پیدا نکرد چون شرکت مزبور به طور مستقیم در این امر فعالیت نمی کرد. ولی این اقدام باعث شد بابتی در این زمینه باز شود و دیگر شرکتهای ژاپنی نیز شروع به خرید پسته ایران کردند. باید اضافه کنم که یکی از افرادی که تأثیر بسیار مهمی در توسعه صادرات به ژاپن داشت مرحوم آقای اسماعیل رحمانیان بود که برای این کار زحمات بسیاری کشیدند. به لبنان هم صادرات داشتیم اما توفیق چندانی نصیب شرکت نشد. تجار دیگری بودند که به این بازارها صادرات داشتند. در واقع ما از کشورهای مختلف از جمله کشورهای عربی تقاضا داشتیم اما آقای جواد مرشد به ما می گفتند دیگران هم باید سهمی داشته باشند و تقاضاهای وارده از دیگر کشورها را به صادرکنندگان

دیگر ارجاع می دادند. **این فعالیتها تا زمان انقلاب ادامه داشت. چرا فعالیت شرکت صادرات پسته ایران کاهش پیدا کرد؟**

خوب شرکا به دلیل اختلاف سلیقه هایی که وجود داشت از هم جدا شدند.

آیا این اتفاق تأثیر منفی بر فعالیت های شرکت باقی نگذاشت؟

بله بر فعالیت شرکت تأثیر منفی داشت اما هر کدام از آقایان به طور جداگانه فعالیتها را ادامه می دادند و با تأسیس شرکتهای جداگانه نقش مهمی در توسعه بازار داشتند. از جمله آقای ایرج آگاه که در اروپا شرکت پسته کویر را تأسیس نمودند و با شرکت "امنی نات" در آلمان مشارکت نمودند و آقای اکبر امین که در آمریکا شرکت هما را تأسیس کردند و فعالیت درخشانی داشتند.

شما تا کی با این شرکت کار می کردید؟

تا سال ۱۳۵۷ خورشیدی. در آستانه انقلاب بود که با موافقت آقای مرشد من هم جدا شدم و کار مستقل را در بازار تهران به عنوان حق العمل کار شروع کردم.

بعد از انقلاب خیلی از افرادی که در کار صادرات بودند عملاً با از گردونه خارج شدند یا به طور مستقیم کار نمی کردند. چه اتفاقی افتاده بود؟

شرایط تغییر کرد. رفتار مقامات با تجارت به کل غیرحرفه ای شد. برخی از مسئولین به کار تجارت هم به عنوان یک کار انقلابی نگاه می کردند. در صورتی که تجارت با نگاه انقلابی سازگاری ندارد. تجارت یکی کار علمی و حرفه ای است. در آن سالها موضوع پیمان ارزی مطرح شد و عملاً تنها کسانی کار می کردند که می توانستند با آن کنار بیایند.

چگونه می توانستند با آن کنار بیایند؟

یکی از راهها، همکاری صادرکننده با تعاونی های مرزنشینان بود. این تعاونی ها می توانستند کالا را صادر و با ارز حاصل از آن کالاهای مورد نیاز را وارد کنند. خیلی از شرکتهای صادراتی، پسته خود را به این تعاونی ها می فروختند و در دوی آن را دوباره از این تعاونی ها می خریدند و از آنجا مجدداً به کشورهای دیگر و از جمله به اروپا صادر می کردند. صادرکنندگان بایستی ارز حاصل از صادرات را به بانک مرکزی و به قیمت رسمی می فروختند در صورتی که پسته به قیمت تمام شده داخلی تهیه و صادر می شد و این قیمت با قیمت ارز رسمی تفاوت داشت. به طور کلی صادرکننده حتی تا مرز ضرر نیز فعالیتش را ادامه می دهد ولی حاضر نیست ضرر کند و این تفاوت ارز رسمی و قیمت تمام شده

داخلی منجر به ضرر می شد. در آن زمان نقش واسطه ای دویی تازه شروع شده بود. در اوایل دهه ۶۰ دویی یک بیابان بود و توسط ایرانی ها آباد شد. در واقع اگر تجارت را تسهیل کرده بودیم دویی به معنی فعلی وجود نداشت که حالا برایمان شاخ و شانه بکشد. البته این را هم اضافه کنم که این مسئله باعث شد پسته با کیفیت مختلف و توسط افراد غیرحرفه ای صادر شود و حتی در مواردی پایین تر از قیمت معمول به فروش برسد. شرکت صادرات پسته ایران در آستانه انقلاب پسته ۲۴/۲۶ فندقی را به قیمت ۷۴۰۰ دلار هم به آمریکا صادر کرد. در صورتی که در سالهای اول پس از انقلاب به قیمت تنی ۳۰۰۰ دلار هم صادر شد.

سوئیچینگ و سپردن پیمان روبل هم یکی از راههای کار کردن در آن زمان بود؟

بله. ولی خیلی ادامه نداشت و فقط برخی صادرکنندگان توانستند از این روش استفاده کنند.

ورود شرکت تعاونی به صادرات پسته از کی شروع شد؟

شرکت تعاونی قبل از انقلاب و به کوشش آقای دکتر رفیعی که نماینده رفسنجان بود و بعضی از مالکان دیگر تأسیس شد. کارهایی انجام شد اما عمده فعالیت آنها بعد از انقلاب صورت گرفت. نمی دانم از چه طریق، ولی من را به آقای شیخ حسین هاشمیان معرفی کرده بودند. ایشان هم من را به رفسنجان دعوت کردند و از من خواستند که نمایندگی تعاونی را در امر صادرات به عهده بگیرم. دو سالی با آنها کار می کردم. ولی به دلیل اختلاف دیدگاهی که با حاج حسین هاشمیان داشتم از آنها جدا شدم. ایشان اعتقاد داشتند که در رابطه با تجارت باید انقلابی عمل کرد. فکر می کردند که مثلاً باید ۴۰۰۰ تن پسته را یکجا بفروشد. این دیدگاه در مقامات هم بود. خوب به یاد دارم در جلسه ای در وزارت بازرگانی که من هم همراه آقای هاشمیان حضور داشتم به آنها پیشنهاد دادم برای حفظ صادرات مملکت، ارز حاصل از صادرات را از پیمان ارزی مستثنی کنند و به قیمت گرانتر بخرند. بعضی افراد حاضر در جلسه مخالفت کردند و گفتند ما حاضر نیستیم یک ریال از بیت المال را این گونه به هدر بدهیم. به آنها گفتم که این سیاست باعث قاچاق کالا وارز می شود. اما کسی قبول نکرد و دو سه سال بعد قاچاق پسته رواج پیدا کرد و آقایان برای پیدا کردن راه حل جلساتی تشکیل دادند. در واقع عده ای پسته را قاچاق می کردند و از این طریق یا سرمایه شان را خارج میکردند و یا با ارز حاصل، کالا خریداری و به داخل کشور قاچاق می کردند و از این طریق سود می بردند. دولت بعد از آنکه متوجه قضیه شد به صادرکنندگان

سراسر کشور هر چه دلشند به بازار تهران می فرستادند. حق العمل کارهای پسته امانت دار بودند، پسته را می فروختند و درصدی حق الزحمه می گرفتند. الان با وجود آنکه وسایل ارتباطی زیاد شده و شهرستانی ها می توانند به طور مستقیم و از مراکز تولید خرید کنند، ولی هنوز عده ای پسته شان را به تهران می فرستند تا به صورت مدت دار بفروشند. چون وضع مالی این افراد بد نیست و می توانند صبر کنند و پسته را با قیمت گران تری بفروشند. اما در منطقه نمی توانند این کار را بکنند، تجربه نشان داده هر کس در منطقه با مدت بخرد نمی تواند سودش را ببرد.

سیاه درصد سود شما چقدر است؟

۲ درصد از صاحب کالا حق العمل می گیریم. در واقع معادل ۲ درصد قیمتی که می فروشیم. یک درصد هم دلال ها برای بازاریابی جنس می گیرند. اینها افرادی هستند که نمونه پسته که به آن مستوره می گویند را از حق العمل کارها می گیرند و برای آن مشتری پیدا می کنند. در گذشته از این یک درصد، ۰/۱ درصد سهم شاگرد حجره بود.

سیاه آیا شما با باغدار قرار داد دارید؟

نه، باغدار، پسته را بدون قرارداد به نام ما می فرستد و ما تحویل می گیریم. از جنس نمونه می گیریم و بعد از درجه بندی و انس گیری قیمت گذاری می کنیم و مشخصات پسته و قیمت حدودی را به صاحب کالا اعلام می کنیم. وقتی مشتری پیدا شد، قیمت فروش را به صاحب کالا اعلام و موافقتش را می گیریم و در صورت تأیید باغدار، سه برگ فاکتور (برای مشتری، صاحب کالا و خودمان) صادر می کنیم.

سیاه در حال حاضر در سرای امید چند نفر حق العمل کار فعال هستند؟

حجره ها زیاد است. ولی ۷ تا ۸ نفر عمده هستند.

سیاه امسال وضعیت پسته در بازار تهران چه طور است؟

امسال جنس زیادی به تهران نیامده، چون محصولی نداشتیم.

سیاه آیا فکر میکنید این شرایط مربوط به امسال است یا کلا فرستادن جنس به تهران کم شده است؟

در واقع تهران از مرکزیت افتاده است و فکر می کنم در آینده پسته کمتری به تهران خواهند فرستاد، چون خیلی از صادرکنندگان راسا در منطقه جنس مورد نیازشان را می خرند.

سیاه می توان گفت که آینده حق العمل کاری پسته در تهران روشن نیست؟

بله. حتی برخی فکر می کنند باید کارشان را در کرمان و رفسنجان ادامه دهند.

موضوع خوششان نمی آید. آنها می خواهند با سلیقه خودشان پسته را عرضه کنند و البته ارزش افزوده را هم نصیب خودشان کنند لذا اگر مسائل اقتصادی و سیاسی ما حل شود مطمئناً بازار پسته ایران در اروپا توسعه خواهد یافت.

سیاه یکی از مواردی که در نمایشگاه آنوگا مطرح می شد آن بود که شرکتهای ایرانی قرارداد طولانی مدت نمی بندند و به تعهداتشان هم پایبند نیستند. این موضوع درست است؟

بله. حتماً هست. چون به دلیل تورم داخلی و اخیراً هم نوسانات نرخ ارز کسی نمی تواند قرارداد طولانی مدت ببندد. البته به اعتقاد من در تجارت حرفه ای اگر قرارداد بستی باید آن را در هر شرایطی انجام دهی. اما متأسفانه عده ای غیر حرفه ای وارد این کار شده اند و چندان به اخلاقیات توجه ندارند.

سیاه یعنی چه؟ چه اخلاقیاتی؟

ببینید امروز برخی افراد برای رقابت با دیگران برخی اصول اخلاقی را زیر پا می گذارند.

سیاه آیا رقابت چنین رفتاری را ایجاب می کند؟

رقابت در تجارت بازار آزاد یک اصل است که می تواند معقول یا غیر اخلاقی باشد. به عنوان مثال عملکرد خوب و ارائه کالا با کیفیت برتر و ارائه آن با قیمت مناسب تر از رقیب، می تواند مورد قبول باشد. ولی اگر رقابت به منظور نارو زدن به دیگران و با هدف ضرر و زیان رساندن و از میدان به در کردن آنها باشد غیر اخلاقی به حساب می آید.

سیاه واقعیت آن است که در حال حاضر عرضه پسته کمتر از تقاضا است و پتانسیل مصرف نیز خیلی زیاد است. چرا این افراد تلاش نمی کنند بازار جدید ایجاد کنند؟

آن طور نیست که تلاش نکنند. بلکه تلاش آنها ممکن است با عدم توفیق مواجه شود. من معتقدم اگر بتوانیم بازارهای فعلی را حفظ کنیم و صادرات با ریسک کمتری مواجه باشد ما به خوبی می توانیم تولیدمان را صادر کنیم.

سیاه آقای طاووسیان اگر اجازه دهید کمی هم به بازار داخلی و به ویژه موضوع حق العمل کاری بپردازیم. اصولاً امروزه تجار زیادی در مناطق تولید پسته فعال هستند با این وجود هنوز هم تعداد زیادی از باغداران محصول خود را برای حق العمل کارها در تهران می فرستند. دلیل آن چیست؟

قبلاً تهران مرکز تجاری بود. وقتی می خواستند از یک شهرستان کالایی بخرند، می آمدند تهران. حتی برای پسته ای که در کرمان و رفسنجان تولید می شد، به تهران می آمدند. بنابراین تولیدکنندگان

اجازه داد که پیمان ارزی را به بانک فروخته و واریزنامه بگیرند و آن را در بازار به واردکنندگان بفروشند. به تدریج قیمت این واریزنامه ها افزایش یافت و صادرکنندگان از این طریق بخشی از هزینه ها را جبران می کردند.

سیاه علی رغم همه این شرایط در اوایل انقلاب سطح زیرکشت زیاد شد و به تدریج صادرات هم توسعه قابل توجهی یافت.

بله. چون آبهای زیرزمینی را بالا کشیدند و باغریزی کردند. باغهای پسته توسعه پیدا کرد، ولی در نهایت منابع زیرزمینی از بین رفت و الان پسته ایران با یک فاجعه روبروست و باغها با خطر خشک شدن روبرو هستند.

سیاه صادرات به اروپا تقریباً از صفر در طی دو دهه به رقم قابل توجهی در حدود ۱۰۰ هزار تن رسید و بعد به دلایلی که می دانیم از جمله موضوع آفلاتوکسین، کاهش یافت. بعد از گذشت ۱۵ سال از موضوع آفلاتوکسین، ما هنوز به طور جدی به بازار اروپا بازنگشته ایم. به نظر شما دلیل آن چیست؟

به نظر من یک بخشی از آن مربوط به آفلاتوکسین است، اما بخش دیگر آن سیاسی است. به دلیل روابط ما با آنهاست.

سیاه چرا سیاسی؟

ببینید. در یک جلسه ای که اتاق ایران و فرانسه داشت من هم حضور داشتم و سفیر فرانسه کلی در مورد صادرات فرانسه به ایران صحبت کرد. من به ایشان گفتم آقای سفیر اینجا اتاق ایران و فرانسه است، پس سهم ایران چه می شود؟ به او گفتم شما در مورد پسته ایران برخورد تبعیض آمیز دارید و پسته آمریکا را تصادفی چک می کنید و پسته ایران را تماماً چک می کنید. در جواب به مدت ۲۰ دقیقه راجع به حساسیت فرانسه و اروپا در خصوص سلامت مردم صحبت کرد اما اضافه کرد که اگر روابط شما با اتحادیه بهبود یابد مشکلات حل خواهد شد.

سیاه اما امروز صادرات به اروپا آسان تر شده است. پس از مصوبات کدکس، ۵۰ درصد محموله ها چک می شود. حدود مجاز هم آسانتر شده است.

کدکس مربوط به سال ۲۰۰۸ است. هنوز مدت زیادی از آن نگذشته و از طرفی مسائل سیاسی ما هم حادتر شده است. البته دلایل تجاری هم هست. در واقع کشورهای پیشرفته امکاناتی دارند که ما نداریم. با این وجود فکر می کنم تقاضا برای پسته ایران در اروپا افزایش یافته است هم به دلیل کیفیت و مزه پسته ایران و هم به دلیل عملکرد پسته آمریکا در بازار اروپا. شرکت پارامونت تلاش میکند پسته را با برند خودش وارد اروپا کند و اروپائیان از این

گزارش پسته آمریکا در ماه ژانویه

ترجمه و تلخیص: دبیرخانه انجمن پسته ایران



میزان ۳۶ هزار تن (۷۹ میلیون پوند) است. تامین محصول تنها بخشی از این معادله است و تقاضا تعیین خواهد کرد که آیا این حجم محصول تقاضا را پوشش می دهد یا بیش از تقاضا خواهد بود. توانایی تامین کنندگان برای بازاریابی، رقابت قیمتی با سایر خشکبارها، نرخ برابری ارز، و رکود خرید اروپا و همچنین تعدیل قیمت ها در طی ماههای باقی مانده از سال محصولی جاری و در ابتدای سال محصولی آینده (۲۰۱۲/۱۳) فاکتورهای هستند که تقاضا را تحت تاثیر قرار می دهند.

قیمت های پسته در بازار برای ماه ژانویه ملایم و در طی سال محصولی نسبتا بدون تغییر بوده است. پسته خام خندان انس (US extra No.1) ۲۱/۲۵ تا ۸/۴ به قیمت ۳/۶ تا ۳/۸ دلار در هر پوند (معادل ۷/۹ تا ۸/۴ دلار در هر کیلو) و مغز پسته بسته به کیفیت، رنگ و مواد خارجی به قیمت ۶/۲ تا ۶/۵ دلار در هر پوند (معادل ۱۳/۶ تا ۱۴/۳ دلار در هر کیلو) ارائه شد.

ماخذ:

Nichols farms, Market Report, Volume 9, Issue 2 ,
February 20, 2012
Primex International Trading Corp February 16, 2012

سرمایه بیشتری نسبت به درختان مسن تر دارند) چشم انداز ثبت رکورد محصول سال ۲۰۱۲ مطلوب است. در زمستان سال جاری میزان بارش کمتر از حد نرمال بوده است، اما پس از دو سال بسیار پر باران، اکثر مخازن آب نزدیک یا بالاتر از سطح متوسط قرار دارند، در نتیجه دسترسی به آب یک عامل محدود کننده برای محصول سال ۲۰۱۲ نخواهد بود.

با توجه به چشم انداز محصول قابل توجه سال ۲۰۱۲، اضافه محصول پسته خندان در سال ۲۰۱۱/۱۲ (سال محصولی جاری) به یک مسئله مهم تبدیل می شود. با توجه به میزان اضافه محصول پسته خندان در سه سال زراعی گذشته و با توجه به آنکه میزان صادرات و مصرف پسته خندان به میزان ۱۱ درصد بیش از سال محصولی قبل (۲۰۱۰/۱۱) بوده است لذا منطقی است که وضعیت مشابهی برای محصول تعادلی پیش بینی گردد. بنابراین به احتمال زیاد اضافه محصول سال جاری بین ۲۹ تا ۳۲ هزار تن (۶۵ تا ۷۰ میلیون پوند) خواهد بود. این رقم از لحاظ تاریخی، عدد بزرگی است اما کمتر از اضافه محصول سال قبل به

کل بارگیری ماه ژانویه (برای صادرات و مصرف داخل) برابر با ۴۱ میلیون پوند (حدود ۱۹ هزار تن) بوده که نسبت به ژانویه سال قبل ۸ میلیون پوند (معادل ۳/۶ هزار تن) یا ۲۲ درصد بیشتر است. مصرف داخل و صادرات، هر یک ۴ میلیون پوند (معادل ۱/۸ هزار تن) بیشتر بوده است. رشد مصرف داخل و صادرات نسبت به ژانویه سال قبل به ترتیب ۲۰ و ۲۴ درصد می باشد.

کل بارگیری سال محصولی جاری تا پایان ماه ژانویه برابر با ۱۸۰ میلیون پوند (حدود ۸۲ هزار تن) بوده که نسبت به سال گذشته، ۲۹ میلیون پوند (حدود ۱۳ هزار تن) یا ۱۵ درصد افزایش داشته است. بارگیری محموله های داخلی تا ۲۲ میلیون پوند (حدود ۱۰ هزار تن) یا ۳۱ درصد و بارگیری محموله های صادراتی ۶ میلیون پوند (حدود ۳ هزار تن) یا ۵۵ درصد بیش از سال گذشته است.

چشم انداز محصول سال ۲۰۱۲ قوی است. ساعت های سرمایه در سراسر نواحی تولید پسته کالیفرنیا بیشتر از ساعات لازم برای شکستن خواب و گلدهی مطلوب است. با توجه به سطح زیر کشت بالای باغ های جوان (که به طور کلی نیاز به ساعات

داستان مغز سبز قالی کرمان با گره های پسته

برده است. آنجا که به عنوان یکی از تولیدکنندگان عمده و پیشرو مغز سبز، آنچنان دقتی در تفکیک درجات مختلف رنگ به کار می گیرد که گویی فرشی از رنگ سبز می بافت. نام جهانگیر ارجمند و برند Happy Nut امروز یکی از نامهای مطرح صنعت مغز سبز ایران در بازارهای جهانی است. در گفتگوی حاضر مسائل گذشته و امروز صنعت مغز سبز ایران مورد بحث قرار گرفته است.

حمید فیضی

دبیر انجمن پسته ایران

نام خانواده ارجمند با قالی کرمان گره خورده است. نامی که برای سالهای متمادی یکی از بهترین برند های قالی بود و آوازه آن به اقصی نقاط جهان نیز رسیده بود. امروز اگر چه روزهای پرشکوه در صنعت قالی کرمان به خاطره ها پیوسته اما هنوز هم نام ارجمند در کرمان یادآور دورانی آمیخته با هنر، سختکوشی و نیکوکاری است و علیرغم آنکه دیرزمانی است که داری به این نام ارجمند برپا نمی شود اما هنوز هم نشانه های آن در جای جای خطه کرمان دیده می شود. شاید جهانگیر ارجمند نیز تعهد، دقت و حساسیتش به رنگ را از پدر بزرگ خود به ارث

اما حق العمل کار بود و می خواست بار را زودتر رد کند. اما من دلم می خواست بارم را به بهترین قیمت بفروشم.

بعد از مدتی تعدادی از شرکتهای خارجی همراه با آقای ورگین برای بازدید از کار من به ایران آمدند. وقتی خارجیا انبار من را دیدند خیلی خجالت کشیدم. اما وقتی از انبار بیرون آمدند خیلی خوشحال و راضی بودند. به آنها گفتم ببخشید اگر انبار ما خیلی خوب نبود اما داریم انبار جدیدی می سازیم.

در جواب گفتند خیلی ممنونیم که ما را احقر فرض نکردید و پرسیدند با دستکش پلاستیکی میشود مغز سبز جمع کرد؟ گفتم نه. گفتند ما هم می دانیم. قبل از شما به کارگاه دیگری رفته بودیم که همه کارگران دستکش پلاستیکی دستشان بود. اما شما واقعیت را به ما نشان دادید و همه چیز تمیز و خوب است.

Saba این بازدید چه تاثیری در کار شما داشت؟

بعد از آن بازدید، به محل فعلی آمدم. در اینجا دو سه سوله ساخته بودم. هنوز سردخانه ساخته نشده بود. سه تا سالن داشتیم. در سالن اول پسته را نگه میداشتیم. در سالن بعدی پسته را می شکستیم. از شرکت زیبرگر هم که بسیار سخت گیر هستند برای بازدید آمدند. خیلی تست می کنند و اگر بد باشد پس میدهند. ولی گران هم می خزند. با افزایش مشتری ها کار تولید ما هم بیشتر شد و به ۲۵۰ تن در سال رسید تا ۵ سال پیش که با دو سالن حدود ۶۵۰ تا ۷۰۰ تن تولید کردم.

Saba چه اتفاقی افتاد که مصرف مغز سبز در اروپا از ۲۰۰ یا ۳۰۰ تن با ورود ایران و ابتکار کال چینی به ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ تن رسید؟ تبلیغ می شد؟

همیشه تو بستنی ها یک بستنی بود به اسم

پسته ها را رسیده و کال با هم چید و آورد. ما هم آنها را چرخ و مغز کردیم. مرحوم آقای هوشنگ شهریاری که شریک آقای آگاه بودند آنها را دو پوسته کرد و به مقدار از مغز سبزش را برای من فرستاد و من دیدم عجب عالیند و خوشم آمد و بعد از آن به توصیه شریک آقای سید مجتبی کارآموز و به مدیریت آقای سیروس یاسایی شروع کردم در یک انبار قدیمی که مال پدر بزرگم بود به تهیه مغز سبز. این انبار در واقع یک انبار فرش خیلی قدیمی بود. من انبار را تعمیر و سردخانه ایی درست کردم. حدود سال های ۷۰ خورشیدی بود. از آقای آگاه خواهش کردم و گفتم میشود از شما راهنمایی بگیریم؟ گفتند بله و دستوراتی به ما دادند و ما کار را شروع کردیم. در همین ایام در تهران آقای آیت الهی کار مغز سبز را شروع کرده بودند و پسته کال خشک و یا مغز آن را میخریدند و مغز سبز درست می کردند.

Saba در آن زمان میزان تولید شما چقدر بود؟

در اوایل حجم محصول من به اندازه ای نبود که با کانتینر بفرستم و به ناچار با هواپیما و با هزینه خیلی زیاد می فرستادم. ابتدا با ۵۰۰ کیلو و گاهی یک تن شروع کردم و یک وقت دیدم از آن طرف جواب خوب گرفتم. در واقع من شخصا بالای کار می ایستادم. الان هم همینطور است. سال اول یادم نیست، ۵ تا ۷ تن مغز درست کردم و فرستادم. سال دوم بالای ۲۰ تا ۳۰ تن و سال سوم ۷۵ تن تولید کردم و بعد از پنج سال به ۱۲۰ تن رسیدم.

Saba شما در عرض پنج سال از ۴ تا ۵ تن یا نهایت ۷ تن به ۱۲۰ تن رسیدید. بعنوان یک تازه وارد برای بازاریابی چه می کردید؟

به توصیه آقای آگاه با "آمنی ترد" و پس از آن با آقای ورگین کار می کردم. کمی هم برای پرستوف فرستادم در حد یک کانتینر. پرستوف بد نبود.

Saba آقای ارجمند تاریخ کال چینی پسته و صادرات مغز سبز در ایران چندان طولانی نیست. این فعالیت از چه زمانی در کرمان شروع شد؟

دقیقا خاطرم نیست. فکر می کنم حدود سالهای ۶۳-۶۴ خورشیدی بود. آقاییی که مباشر من بود یک روز به من گفت، یک آقاییی در رفسنجان پسته ها را کال چیده و همینطوری با خوشه ریخته روی میدان.

گفتم یعنی چه؟ خودت دیدی؟ گفت نه. گفتم میشه برویم نگاه کنیم ببینیم واقعا چنین چیزی هست یا نه؟ گفت من آخر هفته به ملک خودم در همان اطراف میروم و نگاه می کنم. رفت و گفت اینها پسته ها را با خوشه خشک می کنند. موضوع را با آقای مهدی آگاه در میان گذاشتم. آقای آگاه گفتند که این آدم حتما دیوانه شده. اما بعد از مدتی و با بررسی موضوع، کار روی پسته کال را شروع کردند. در واقع آقای آگاه جزء اولین نفراتی بودند که وارد این کار شدند. بعد از ایشان آقایان احمد و اکبر رنجبر هم وارد این کار شدند. البته عده ای روی مغز قزوین کار می کردند و خلال هم در بازار بود.

Saba شما در آن زمان در چه زمینه ای فعالیت می کردید؟ ورود شما به این فعالیت چطور اتفاق افتاد؟

در اوایل من در کار کشاورزی و باغداری پسته بودم و بعد کم کم صادرات پسته را شروع کردم. بتدریج پسته برخی دوستان را هم صادر کردم. علاوه بر آن مغز معمولی هم صادر می کردم.

در واقع داستان ورود من به کار مغز سبز از آنجا شروع شد که پدرم دهی به نام "هرجند" در کوهستان داشت که در آنجا ۲۰۰ درخت پسته کاشته بود و سراغ آنها نمی رفت. یک روز به من گفت پسته ها را چکار کنم، دارند آنها را می برند؟ گفتم بچین تا آنها را ضبط کنم. ایشان هم

مطرح کردید: عرضه زیاد، وضع اقتصادی بد اروپا و قیمت های بالا. عمده ترین دلیل چیست؟

با تجربه ای که ما داریم عرضه زیاد.

Sina مگر در بازار مغز سبز چند تاجر بزرگ داریم؟

فکر می کنم پنج تاجر بزرگ در کرمان داریم.

Sina آیا این ۵ نفر نمی توانند در زمینه سیاستگذاری بازار با هم توافقی داشته باشند؟

در ایران نمی شود این کارها را کرد چون هیچ کس به آن پایبند نیست و هیچ کس پای قرارداد نمی ایستد.

می گویند تجارت همین است. باید صحبت کنی و بعد بیرون بیایی هرکاری خواستی بکنی. هیچ کس رعایت نمی کند.

Sina تجارت در ایران اینطوری است یا همه جا به این صورت است؟

واقعیت آن است که وضعیت بازار روزانه عوض میشود و تاجر بر اساس این تغییرات عکس العمل نشان می دهند. لذا نمی توانید قانون بگذارید که مثلا قیمت چقدر باشد.

Sina بحث من در مورد قیمت نیست. صحبت در مورد توافق نامه داوطلبانه ای بین تاجر است که در آن یک سری معیارها در خصوص نحوه عرضه، میزان عرضه و فاکتورهای کیفی تعیین شود. بازار مغز سبز بازار بکری است که مختص پسته ایران است ولی آیا این بازار بکر لزوما همیشه باقی می ماند؟ برای اینکه خودمان خرابش نکنیم باید چه کار کنیم؟

هیچ کار نمی شود کرد. عده ای وارد بازار می شوند که ممکن است سالی چهار کانتینر بار صادر کنند. اینها بازار خراب کن هستند. با وضعیت امروز، من چطور میتوانم جنسم را ارزان بدهم. آنهایی که اصلا پسته خندان را جمع نمی کنند و یا پسته رو آبی را مغز و بسته بندی میکنند، زیر قیمت من مغز را عرضه می کنند. من چطور می توانم با آنها رقابت کنم.

Sina اما اینها سهمی از بازار ندارند. چه مقدار محصول می توانند عرضه کنند؟

با این وجود تعداد آنها زیاد است. هر سال چند نفری وارد بازار مغز سبز میشوند. اگر سال خوبی برای بازار مغز سبز باشد، نفع می کنند و اگر سال بدی باشد ضرر میکنند و بیرون میروند. چهار سال بعد ممکن است دوباره وارد بازار شوند. اینها بازار خراب کن هستند. اینها با ۲ کانتینر فقط بازار را به هم می ریزند و بیرون می آیند. همیشه هستند.

هیچوقت نمیتوانید توقع داشته باشید و بگوئید که

که با ۵۰ تومان هزینه اضافه بشود انجام داد. من به پسته های خندان هم مشکوکم و آنها را هم جمع می کنم. این کارها هزینه تولید و قیمت محصول ما را بالا می برد. ۲۰۰ تن کاهش تولید ما به دلیل قیمت است.

Sina قاعدتا مغز کال نباید آفلاتوکسین داشته باشد؟

چرا. خندان ها دارند. نخودی ها پسته هایی هستند که شکل درستی ندارند آنها خیلی خطر آفلاتوکسین دارند چون اولین پسته هایی هستند که پوست رویشان می ترکد و به همین دلیل مقدار آفلاتوکسین آنها زیاد است.

Sina چرا شما مثل بقیه کار نمی کنید؟ من مثل این افراد نمی توانم تولید کنم. چون نمی توانم به کارگرم بگویم "بد کار کن".

Sina اما باید به هزینه تولید خیلی دقت شود. هزینه تولید در ایران دارد بالا میروند.

بله. اما اگر بخواهی یک پسته را غربال کنی و یکنواختش کنی هزینه تولید بالا می رود. من چه کار میتوانم انجام بدهم. وقتی نتوانم هزینه کنم نمی توانم جنس را به بازار بدهم. به دلیل اینکه در مغز سبز دست زیاد شده، خیلی ها محموله ها را قبل از اینکه سفارش داشته باشند می فرستند و آنجا در انبار می ماند. از اینطرف، صادر کننده پسته را مدت دار خرید و به مردم بدهکار است. چند ماه طول کشیده تا جنس را آماده و ارسال کند و فکر کرده که فوری پول کالا را نقد میدهند. اما بدلیل شرایط اقتصادی اروپا و کاهش مشتری، بازگشت پول طولانی تر شده است. بعد از فروش جنس، هر وقت که مشتری بخواهد جنس تحویل می شود و قبلا ۴۵ روز بعد، پرداخت پول انجام می شد که هم اکنون به ۶۰ روز رسیده است. لذا صادر کننده به حق العمل کار فشار می آورد و با هر بار زنگ زدن یکی دو یورو از قیمت جنس پایین می آید. هزینه های نگهداری هم بالا می رود. حق العمل کار، فروشنده است و کمیسیون را می گیرد.

Sina نوسانات نرخ ارز و بالا رفتن قیمت ارز چه تاثیری بر فعالیتهای شما داشته است؟

بعد از اینکه ارز شروع به بالا رفتن کرد ما فوری قیمتها را پایین آوردیم. چاره ای نداشتیم اگر من پایین نمی آوردم رقیب قیمتها را پایین می آورد. من باید جنسم رو بفروشم. به ۳۰۰ کارگر متعهدم. ما تاجرهای پسته و مغز پسته اگر قیمت ارز عوض شود چیزی گیرمان می آید. اما مطمئن باشید که آنطرف هم نمیگذارند از گلویمان پایین برود. مرتب من دارم قیمتهایم را پایین می آورم. آنها هم استاد شده اند.

Sina شما چند دلیل برای کاهش تولیدتان

"پیستاشیو آیس کریم" که در یک جعبه بستنی ۱۲ تایی یک دانه بود. اگر مردم استقبال نمی کردند کارخانه بادام زمینی میزد یا نارگیل یا یک طعم دیگر میزد. اما مردم استقبال کردند و شرکتها کاربردهای دیگری در مواد غذایی ایجاد کردند. کالباسی با خمیر مغز سبز درست شد که به آن کالباس پسته ای می گویند. ما تبلیغ نکردیم ولی شرکت ها مستقیم یا غیر مستقیم تبلیغ کردند. قیمت خیلی مهم بود. در یک زمانی قیمتها خیلی بالا رفت. ایرانی ها و حق العمل کارها قیمت ها را بالا بردند. طی دو سه سال گذشته قیمتها عجیب بالا رفت. کم کم که وضع اقتصادی اروپا خراب شد بازار افتاد. وقتی که مغز سبز پسته گران شد برخی از این کالاها تولید نشدند. از طرف دیگر وضعیت اقتصادی اروپا هم به هم ریخت. بعد از آن، فروش ما پایین آمد. به ۵۰۰ تن و بعد ۴۵۰ تن و فکر می کنم امسال به ۴۰۰ تن برسیم. امسال بدترین سالی است که تا حالا داشته ام. متاسفانه الان طوری شده که فقط آنهایی که کیفیت ما را میشناسند از ما می خرند. البته بازهم بالای ۲۵۰ تن قرارداد دارم و امیدوارم که بتوانم ۱۰۰ تن دیگر هم بفروشم و ۵۰ تن هم برای شروع فصل بعد نگه دارم.

Sina دلیل کاهش تولید شما فقط گران شدن محصول و کاهش تقاضا بود؟

نه. خیلی ها وارد بازار شدند. دست زیاد شد.

Sina اگر مشتری نیست چرا این همه تولید می کنند؟

کارهای ما از روی حساب و کتاب نیست. شاید مغز سبز پر درآمد ترین فعالیت صنعت پسته باشد. سایرین تنها به این موضوع نگاه می کنند و شروع می کنند به صادرات و فکر می کنند که مهمترین نکته این است که فقط مغز را پوست کنند. فرض کنید من اگر زردترین نوع مغز سبز را ۱۴ یورو می فروختم آنها می توانند ۱۰ یورو بفروشند.

Sina این فلسفه عرضه و تقاضا است. عرضه زیاد باعث کاهش قیمت می شود. شما هم باید قیمت را پایین بیاورید.

نمی توانم. بدلیل آنکه من محصول بدون آفلاتوکسین و بدون هر گونه مواد خارجی تولید می کنم. از نظر کیفیت رنگ هم، هیچ رنگ را با رنگ دیگر قاطی نمی کنم. باید خیلی دقیق باشید تا تفاوت بین محصول درجه A و B و درجه B و C را تشخیص دهید و این هزینه را بیش از یک یورو بالا می برد. بعضی صادر کنندگان پسته رو آبی را پوست می کنند که خیلی هم ارزان در می آید. خیلی ها خندان و نخودی را با هم میشکنند. ولی من بخشی از نخودی ها را با غربال می گیرم و بقیه را هم توسط کلرگر جمع می کنم. این کاری نیست



مستقلا انجام دهد اما به یکسری توافقات پایبند باشند؟

کار مشکلی است. متأسفانه نگاه برخی از دوستان نگاه لحظه ای است. با این وجود اگر پسته را می گفتید، می گفتم نمی شود ولی درمغز می شود. اعضای این گروه یا کنسرسیوم باید توافقنامه داوطلبانه ای تنظیم و آن را امضا کنند.

در مورد چه چیزی باید توافق کنند؟

در مورد قیمت و کیفیت.

چگونه باید بر این توافقات نظارت شود؟

سازش کردن خیلی مشکل است. باید یک گروه داوری تعیین شود و یک هیئت بی طرف و مورد اعتماد باشد که تصمیم بگیرد. باید این گروه مورد قبول همه باشد.

اگر یک نفر جنسش را فروخت عده ای ممکن است بگویند ارزان فروختی. بد فروختی.

در مورد کیفیت هم هیچکس حاضر نیست بگوید جنس من بدتر از جنس شماست. باید رای گروه داوری مورد قبول همه باشد.

بازار مغز سبز رو به رشد است. در حال حاضر چین و هند دارند پولدار می شوند و در آینده مشتری مغز سبز خواهند شد و در آینده مشکلات بیشتر می شود. مگر اینکه قوانینی بگذارند و بگویند هر چه که این هیات داوری گفتند مورد قبول ماست. همه قبول کنند که این هیات وکیل آنها باشد و هیچگونه دخالتی در کار آنها نکنند. حتی گروه داوری می تواند بر کارگاههای تولیدی کنترل داشته باشند.

شاید از این طریق بشود مغز سبز را نجات داد.

من موافقم و حاضرم امکانات خود را در اختیار این گروه قرار دهم. صنعت پسته ایران به این توافقات گروهی احتیاج دارد.

من را برای جنسهای درجه یک نگه می داشت. اما چکار می تواند بکند. مشتری حاضر نیست ۱۰۰ دلار، ۱۵۰ دلار یا ۲۰۰ دلار اضافه بدهد.

اما این مسیر در نهایت به از بین رفتن بازار مغز سبز منتهی میشود. همین مسیر باعث شد بازار پسته در اروپا از ۹۰/۰۰۰ تن به ۱۵ تا ۱۶ هزار تن برسد. با این تفاوت که ما توانستیم پسته را به چین و جاهای دیگر ببریم آیا در مغز پیش بینی می کنید بشود در کوتاه مدت یا میان مدت بازار جایگزین پیدا کرد؟

کوتاه مدت را نمیتوانم ببینم. ولی در ۵ سال آینده شاید با این کیفیت پایین و البته قیمت پایین بتوانیم وارد چین شویم.

در مغز سبز چه کشورهایی رقیب ما هستند؟

ما در مغز سبز رقیب نداریم. مغز سبز ترکیه گران است. از این لحاظ نمی توانند با ما رقابت کنند. آمریکایی ها هم مغز سبز ندارند. ایتالیا هم آنقدر تولید ندارد که در بازار مطرح باشد. در بازار مغز سبز ما خودمان رقیب خودمان هستیم.

آینده این بازار را چطور می بینید؟

اصلا خوب نیست و متأسفانه با اینکه هیچگونه رقیب خارجی نداریم خودمان بازار را خراب می کنیم.

اینقدر تولید بالا می رود و اشخاص متفرقه وارد بازار می شوند که حاشیه سود به حدی می رسد که برای تولید کنندگان کیفی مقرون به صرفه نیست که تولید را ادامه دهند.

با همه این بحث ها فکر نمیکنید صنعت کال چینی و مغز سبز ایران احتیاج به ساختاری برای سیاستگذاری داشته باشد؟ مثلاً یک میثاق نامه اختیاری بین تجار اصلی و فعالان بگونه ای که هر کس کار خودش را

نیستند. این افراد در توسعه بازار نقشی ندارند. کنار نشسته اند و از فرصتها استفاده میکنند. الان کسانی هستند که فقط خدمات می دهند. یعنی مغز را پوست می کنند. خوب وقتی این افراد ببیند کارشان بیشتر شده، کارگر بیشتر می گیرند. ساعت کار را بیشتر می کنند. بالاخره تولید می کنند.

مغز سبز یک صنعت کامل است. اگر واقعا بخواهید یک کار خوب انجام بدهید یک تشکیلات کامل لازم دارد. اگر بخواهید جنس خوب داشته باشید باید در اول سال خرید کنید. باید سه هفته پسته کال بخرید و ۱۲ ماه نگه دارید. در نتیجه یک سرمایه بزرگ می خواهد. از همه مهمتر آنکه نمی توانید پسته کال را به دیگران بدهید تا بشکنند. باید حتما خودتان این کار را انجام بدهید. مثل یک کارخانه می ماند.

هرکسی نمی تواند کار خوب انجام دهد. ممکن است برای من مقرون به صرفه نباشد اما خیلی ها کیفیت را پایین می آورند. من شاید دوام نیاورم و از بازار بیرون بروم. برای اینکه اصلاً حوصله اینکه کسی زنگ بزند به من و بگوید جنسست ایراد داشت را ندارم. ترجیح می دهم کار نکنم.

اما کیفیت محصول شرکتهایی مثل شما شناخته شده است.

درست. اما مشتری اروپایی به این حرفها کار ندارد. او می گوید الان جنس درجه B در بازار با قیمت پایین تر هست با کیفیتی که حتی به درجه C من هم نمی خورد. من چه می توانم بگویم. مجبورم قیمت را پایین تر بیاورم. من به آنها می گویم پسته ای که من می فرستم فرق دارد. این پسته، پسته ای نیست که تو می خواهی. اما مشتری خارجی میگوید من و تو را کنار بگذار. من و تو دیگر تموم شد. این مشتری کسی بود که همیشه

اصلاح مقررات کنترل افلاتوکسین در آمریکا خلق اهرم تبلیغاتی قدرتمند برای رقابت بر سر فروش پسته



افلاتوکسین به مراتب پایین تر از آلودگی پسته صادراتی ایران به این زهرآبه می باشد.

در ادامه، ترجمه چکیده ای از خبر منتشره بر روی صفحه اینترنتی وزارت جهاد کشاورزی آمریکا در رابطه با تصویب پیشنهادات کمیته اداری پسته آمریکا آمده است. علاقمندان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به وب سایت انجمن به آدرس <http://www.iranpistachio.org/fa/articles> مراجعه نمایند.

تولید پسته در آمریکا، بدلیل سودآوری بالا، به سرعت در حال افزایش است. شدت این افزایش به حدی بوده که سطح زیر کشت پسته آمریکا از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۱۰، یعنی در طول تنها ۶ سال، ۸۳ درصد افزایش یافته است. در همین دوره مقدار صادرات پسته آمریکا بیش از دو برابر شده و با وزنی بالغ بر ۸۷ هزار تن در سال محصولی ۲۰۰۹-۲۰۱۰ بیش از ۶۰ درصد تولید این کشور را به خود اختصاص داده است. این واقعیت در کنار رشد پیوسته و شتابان تولید پسته در آمریکا، اهمیت حفظ و گسترش بازارهای صادراتی را برای صنعت پسته آن کشور نشان می دهد.

کمیته اجرایی پسته آمریکا که متشکل از نمایندگان بخش خصوصی دست اندرکار صنعت پسته آن کشور می باشد، با علم به این موضوع و از سر دوراندیشی، در تلاش برای حفظ بازارهای صادراتی سنتی آن کشور، جذب تقاضای جهانی جدید برای پسته و تسخیر بازارهایی که سنتاً متعلق به تولیدکننده رقیب، یعنی ایران، بوده به فکر چاره افتاده است. چندی پیش این کمیته اصلاحاتی را در قوانین موجود مربوط به بازاریابی و صادرات پسته آن کشور جهت خلق یک اهرم تبلیغاتی قدرتمند و به کرسی نشاندن مزیت رقابتی خود پیشنهاد نمود. به تشخیص کمیته اداری پسته آمریکا، کلید پیروزی در رقابت محتوم قریب الوقوع بر سر فروش پسته، همانا جلب اطمینان مصرف کنندگان جهانی از نظر کیفیت محصول و در رأس آن عدم آلودگی محصول به افلاتوکسین می باشد. بدین منظور، اصلاحات پیشنهادی از سوی این کمیته که چند روز پیش و با رأی قاطع ۹۷ درصدی باغداران پسته آمریکا به تصویب نهایی رسیده است، متضمن تنظیم و اعمال مقررات مربوط به نمونه برداری، آزمایش، بازرسی و کنترل اجباری و همگانی افلاتوکسین کلیه محموله های صادراتی پسته آمریکا می باشد.

لازم به ذکر است که تا پیش از این، در آمریکا مقررات یکسان و ملی جهت کنترل محموله های صادراتی پسته از حیث میزان آلودگی به افلاتوکسین وجود نداشت و چنین کنترل هایی صرفاً توسط خود شرکت صادرکننده، خریدار و یا در صورت نیاز سازمان های مسئول در کشور مقصد انجام می شد. همچنین باید یادآوری نمود که بدلیل شرایط متفاوت اقلیمی، باغی، فرآوری و تجاری، میزان آلودگی متوسط پسته صادراتی آمریکا به

واشنگتن، ۳ فوریه ۲۰۱۲

وزارت کشاورزی ایالات متحده آمریکا قانون ناظر بر بازاریابی پسته تولیدی در ایالات کالیفرنیا، آریزونا و نیو مکزیکو را اصلاح می نماید.

بیش از ۹۷ درصد از تولید کنندگان پسته واجد شرایط رای دادن در همه پرسی، به اصلاحات ارائه شده رأی مثبت دادند. این در حالی است که مطابق قانون، تصویب اصلاحات پیشنهادی تنها نیاز به دوسوم آرای موافق واجدین شرایط (از نظر تعداد و یا مقدار تولید) داشت. تولید کنندگان پسته در کالیفرنیا، آریزونا و نیومکزیکو بین ۱ سپتامبر ۲۰۱۰ و ۳۱ آگوست ۲۰۱۱ فرصت

داشتند که در رأی گیری شرکت کنند. تصویب این اصلاحیه، اختیار لازم جهت تنظیم استانداردهای صادرات پسته توسط کمیته اداری پسته آمریکا (Administrative Committee for Pistachios) را فراهم می نماید.

خلاصه اهم اصلاحات تصویب شده به شرح زیر است:

- تفویض اختیار جهت تنظیم و اعمال مقررات لازم برای نمونه برداری، آزمون، بازرسی و کنترل افلاتوکسین محموله های پسته برای مقاصد صادراتی با امکان تنظیم و اعمال مقررات متفاوت برای بازارهای مختلف؛
- تفویض اختیار جهت تنظیم و اعمال

مقررات لازم برای رعایت الزامات کیفی و نحوه بازرسی و کنترل محموله های پسته صادراتی با امکان تنظیم و اعمال مقررات متفاوت برای بازارهای مختلف و

➤ تغییر بخش مربوط به پسته های غیر استاندارد (sub-standard) با هدف تطبیق با اصلاحات مذکور.

اصلاحات پیشنهادی به محض انتشار در دفتر ثبت فدرال، لازم الاجرا خواهند بود.

مأخذ: USDA, Agricultural Marketing Service

ترجمه و تلخیص: دبیرخانه انجمن پسته ایران

نوروز می رسد
فریاد زد چکاوک:
نوروز می رسد
تاک برهنه گفت:

"گر جان به مزده ی تو فشانم روا بود
اما هنوز سرمای بهمنی نشکسته است
وین برف دیر پای انگار تا ابد
بر فرق کاج پیر خانه نشسته است
آن کاروان شادی و گل از کدام راه
در این هوای سرد توان سوز می رسد".
بید کهن به رقص درآمد که غم مدار

تا من به یاد دارم
نوروز دل فرورز
نوروز جاوداتی
نوروز مردمی

در وقت خود شکفته و پیروز می رسد.
هر جای این جهان
که ز ایران نشانه ای ست
در پیشواز نوروز
از شور و شادمانی
از پرچم و چراغ
از سبزه و بنفشه
گل آذین و تابناک
جان پاک، خانه پاک، دل پاک، عشق پاک
چشمی به راه باشد
مشتاق و بی قرار
کاین پنج روز زندگی آموز می رسد.
دیروز را به خاطره بسپار و بازگرد
و آن را عزیزدار
که امروز می رسد